



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



www.KitaboSunnat.com



نگاہی بر زندگی

حضرت فاطمہ معصومہ علیہا السلام

با مقدمہ دکتر احمد عابدی



علی اشرف عابدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در عصمت : نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

نویسنده:

علی اشرف عبدي

ناشر چاپی:

زائر - آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۹	در عصمت : نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۱۹	سخن ما
۲۱	مقدمه آیت الله احمد عابدی دامت برکاته
۲۵	مقدمه مؤلف
۲۹	بخش اول: گذری بر زندگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۲۹	ولادت فاطمه معصومه علیها السلام
۳۵	ذی قعدة ماه ولایت
۳۸	تربیت در سایه پدری معصوم
۴۲	فضایل نجمه خاتون مادر حضرت معصومه علیهما السلام
۴۴	نام های مادر حضرت معصومه علیها السلام
۴۴	راز و نیاز
۴۵	کسب معارف
۴۶	نجمه خاتون الگوی ادب و احترام
۴۶	وفات و مدفن
۴۷	حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و خلفای معاصر
۴۸	هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۵۱	دلیل هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم
۵۵	چگونگی رحلت حضرت معصومه علیها السلام
۵۷	مراسم دفن
۵۹	سه نکته درباره دفن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

۶۰	..... تاریخ وفات
۶۱	..... بحثی درباره ازدواج حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۶۷	..... بخش دوم: جایگاه علمی و فرهنگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۶۷	..... اشاره
۷۱	..... نقل حدیث
۷۱	..... اشاره
۷۲	..... حدیث اول: یاد کرد غدیر خم
۷۲	..... حدیث دوم: حماسه غدیر
۷۳	..... حدیث سوم: دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله
۷۴	..... حدیث چهارم: فضائل شیعه
۷۵	..... حدیث پنجم: طهارت امام حسین علیه السلام
۷۶	..... عظمت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۸۱	..... بخش سوم: مدح قم، وصف حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۸۱	..... اشاره
۸۳	..... خاک قم، آمیخته با ولایت اهل بیت علیهم السلام
۸۴	..... تقدیس خاک قم و آمرزش اهل آن
۸۵	..... قم دارالمؤمنین
۸۶	..... قم باب الجنه
۸۷	..... حجت بودن قم و اهل آن بر مردم
۸۸	..... قم معدن علم
۹۰	..... اهل قم یاران ما (اهل بیت علیهم السلام) و قم کاشانه آل محمد صلی الله علیه و آله
۹۱	..... اهل قم یاران امام زمان علیه السلام و خواستگاه انقلاب
۹۲	..... قم حرم اهل بیت علیهم السلام و سلام خدا بر اهل قم
۹۹	..... بخش چهارم: عصمت، شفاعت و کرامت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۹۹	..... اشاره
۱۰۰	..... معصومه علیها السلام

۱۰۶	مقدمه ای بر بحث شفاعت
۱۱۰	مقام شفاعت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۱۱۷	کریمه اهل البیت علیها السلام
۱۲۲	مصادیقی از کرامات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
۱۲۲	۱. کرامت حضرت معصومه علیها السلام در تفسیر آیه تطهیر
۱۲۷	۲. کرامتی درباره تعویض گنبد مطهر
۱۳۰	۳. برکت قم به واسطه کرامت حضرت معصومه علیها السلام
۱۳۴	۴. پرداخت شهریه به واسطه حضرت معصومه علیها السلام
۱۳۸	۵. حوزه علمیه مورد عنایت اهل بیت علیهم السلام
۱۴۳	بخش پنجم: زیارت، سنتی اسلامی
۱۴۳	اشاره
۱۴۶	زیارت در منابع و نگاه اهل سنت
۱۴۹	فایده های زیارت قبور
۱۵۰	زیارت در نظم شعرای اهل سنت
۱۵۵	خالد نقشبندی
۱۵۸	جلال الدین محمد دوانی
۱۶۰	قاضی میرحسین میبدی
۱۶۱	زیارت، ابتغای وسیله نزد خداوند متعال
۱۶۴	ائمه علیهم السلام وسیله خدا
۱۶۸	روایاتی درباره زیارت حضرت معصومه علیها السلام
۱۷۰	نگاهی به مضمون احادیث
۱۷۳	آداب سفر زیارت
۱۷۳	اشاره
۱۷۴	۱. آداب ظاهری زیارت
۱۷۴	الف) اعلام مسافرت
۱۷۴	ب) داشتن همسفر خوب

- ج) غسل و خواندن برخی ادعیه ..... ۱۷۵
- د) همراه داشتن تربت امام حسین علیه السلام ..... ۱۷۶
- ه) آغاز نمودن سفر با صدقه ..... ۱۷۶
- و) دعا و ذکر هنگام سوار شدن به وسیله نقلیه ..... ۱۷۷
- ز) آداب دیگر ..... ۱۷۸
۲. آداب معنوی زیارت ..... ۱۷۸
- الف) قصد قربت و اخلاص ..... ۱۷۸
- ب) صداقت ..... ۱۸۰
- ج) تشنگی معنوی ..... ۱۸۱
- د) حلال بودن مخارج زیارت ..... ۱۸۲
- ه) طهارت ظاهری و باطنی ..... ۱۸۳
- و) نیت صحیح ..... ۱۸۴
- آداب حین تشرف ..... ۱۸۴
- آموزه هایی از زیارت نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ..... ۱۸۶
- فهرست منابع ..... ۱۸۹
- درباره مرکز ..... ۱۹۵



## در عصمت : نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

### مشخصات کتاب

سرشناسه:عبدی، علی اشرف، 1348 -

عنوان و نام پدیدآور: دُر عصمت «نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها» / علی اشرف عبدی؛ با مقدمه احمد عابدی.

مشخصات نشر: قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، 1393.

مشخصات ظاهری: 184 ص.؛ 21×5/14 س م.

فروست: انتشارات زائر آستان مقدس؛ 478. مدیریت پژوهشی آستان مقدس قم؛ شماره اثر 103.

شابک: 60000 ریال 4-064-180-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: این کتاب در سالهای 1393-1398 تجدید چاپ شده است.

یادداشت: کتابنامه: ص. [181] - 184؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: معصومه (س) بنت موسی کاظم (ع)، - 201؟ ق. -- سرگذشتنامه

Masumah bint Musa al-Kazim -- Biography: موضوع

شناسه افزوده: عابدی، احمد، 1339-، مقدمه نویس

رده بندی کنگره: BP52/2/م6ع25 1393

رده بندی دیویی: 297/976

شماره کتابشناسی ملی: 3578363

ص: 1

اشاره



در عصمت «نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها»

علی اشرف عبدی

با مقدمه احمد عابدی.

ص: 3



سخن ما 9

مقدمه آیت الله احمد عابدی دامت برکاته 11

مقدمه مؤلف 15

بخش اول:

گذری بر زندگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

ولادت فاطمه معصومه علیها السلام 19

ذی قعدة ماه ولایت 25

تربیت در سایه پدری معصوم 28

فضایل نجمه خاتون مادر حضرت معصومه علیهما السلام 32

نام های مادر حضرت معصومه علیها السلام 34

راز و نیاز 34

کسب معارف 35

نجمه خاتون الگوی ادب و احترام 36

وفات و مدفن 36

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و خلفای معاصر 37

ص: 5

هجرت حضرت فاطمه معصومه عليها السلام 38

دلیل هجرت حضرت فاطمه معصومه عليها السلام به قم 41

چگونگی رحلت حضرت معصومه عليها السلام 45

مراسم دفن 47

سه نکته درباره دفن حضرت فاطمه معصومه عليها السلام 49

تاریخ وفات 50

بحثی درباره ازدواج حضرت فاطمه معصومه عليها السلام 51

بخش دوم:

جایگاه علمی و فرهنگی حضرت فاطمه معصومه عليها السلام

نقل حدیث 61

حدیث اول: یاد کرد غدیر خم 62

حدیث دوم: حماسه غدیر 62

حدیث سوم: دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله 63

حدیث چهارم: فضائل شیعه 64

حدیث پنجم: طهارت امام حسین علیه السلام 65

عظمت حضرت فاطمه معصومه عليها السلام 66

بخش سوم:

مدح قم، وصف حضرت فاطمه معصومه عليها السلام

خاک قم، آمیخته با ولایت اهل بیت علیهم السلام 73

تقدیس خاک قم و آمرزش اهل آن 74

قم دارالمؤمنین 75



قم باب الجنه 76

حجت بودن قم و اهل آن بر مردم 77

قم معدن علم 78

اهل قم ياران ما (اهل بيت عليهم السلام) و قم كاشانه آل محمد صلى الله عليه و آله 80

اهل قم ياران امام زمان عليه السلام و خواستگاه انقلاب 81

قم حرم اهل بيت عليهم السلام و سلام خدا بر اهل قم 82

بخش چهارم:

عصمت، شفاعت و كرامت حضرت فاطمه معصومه عليها السلام

معصومه عليها السلام 90

مقدمه ای بر بحث شفاعت 96

مقام شفاعت حضرت فاطمه معصومه عليها السلام 100

كريمه اهل البيت عليها السلام 107

مصادیقی از كرامات حضرت فاطمه معصومه عليها السلام 112

1. كرامات حضرت معصومه در تفسير آیه تطهير 112

2. كرامتی درباره تعویض گنبد مطهر 117

3. برکت قم به واسطه كرامت حضرت معصومه عليها السلام 120

4. پرداخت شهریه به واسطه حضرت معصومه عليها السلام 124

5. حوزه علمیه مورد عنایت اهل بيت عليهم السلام 128

بخش پنجم:

زیارت، سنتی اسلامی

زیارت در منابع و نگاه اهل سنت 136





فایده های زیارت قبور 139

زیارت در نظم شعرای اهل سنت 140

زیارت، ابتغای وسیله نزد خداوند متعال 145

ائمه علیهم السلام وسیله خدا 148

روایاتی درباره زیارت حضرت معصومه علیها السلام 150

نگاهی به مضمون احادیث 151

آداب سفر زیارت 154

1. آداب ظاهری زیارت 158

2. آداب معنوی زیارت 160

آداب حین تشریف 163

آموزه هایی از زیارت نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام 164

فهرست منابع 168

ص: 8

قم، حرم اهل بیت علیهم السلام است و فرهنگ و تاریخ تشیع با فرهنگ و تاریخ این شهر و زندگانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ارتباطی مستمر دارد؛ به طوری که پژوهش و مطالعه در موضوع تشیع و قم توأمان بوده و هر کدام بدون دیگری کامل نخواهد بود.

در فرهنگ تشیع، واژه‌هایی مانند زیارت، توسل، شفاعت، عصمت و... جایگاه والایی دارد، چرا که این مفاهیم از سازنده ترین برنامه های تربیتی به شمار می آیند. زیارت و احترام و بزرگداشت به انسان های پاک و با فضیلت و الهام گرفتن از آنان، موجبات تطهیر روح انسان را فراهم می آورد و راه تقرب به خدا و رسیدن به کمالات والای انسانی را هموار می کند.

اثری که پیش روی شماست برای آشنایی با زندگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و شرح برخی از فضائل آن حضرت نگاشته شده است. این مجموعه ارزشمند، حاصل تلاش علمی و پژوهشی جناب آقای علی اشرف عبدی است که از درگاه الهی برای ایشان سلامت و توفیق بیشتر مسئلت داریم.

اثر حاضر در پنج بخش به شرح ذیل تنظیم گردیده است:

بخش اول: گذری بر زندگی نامه حضرت معصومه علیها السلام

بخش دوم: جایگاه علمی و فرهنگی حضرت معصومه علیها السلام

بخش سوم: مدح قم، وصف حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

بخش چهارم: عصمت، شفاعت و کرامت حضرت معصومه علیها السلام

بخش پنجم: زیارت، سنتی اسلامی

در پایان با سپاس از درگاه الهی به خاطر توفیق این خدمت، از حمایت های حضرت آیت الله سید محمد سعیدی دامت افاضاته تولیت محترم آستان مقدس کریمه اهل بیت علیهم السلام و همه محققان و پژوهشگران محترم که با این مدیریت همکاری دارند و نیز کلیه دست اندرکاران امور چاپ قدردانی می نمایم.

رییس پژوهشکده علامه طباطبایی رحمه الله

آستان مقدس

احمد عابدی

ص: 10

تاریخ تشیع با تاریخ قم، پیوندی ناگسستنی دارد و تحقیق و پژوهش در هر کدام بدون دیگری ابتر و ناقص است؛ همچنانکه نیز تاریخ قم با تاریخ حضرت سنی گوهر و صدف ولایت حضرت فاطمه بنت باب الحوائج الی الله حضرت امام موسی بن جعفر علیهم السلام عجین شده و غیر قابل تفکیک هستند.

در سرتاسر دنیای اسلام و حتی در فراتر از آن، مراقد مبارک و نورانی امامزادگان و اولاد و نوادگان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و نیز مقابر اولیا و علما و صالحان، هر کدام چون هاله ای از نور پرتوافشانی نموده، خرمنی از نور و معنویت و صفا در اطراف آنها احساس می شود. زیارتگاه هایی که مسلمانان گرداگرد این قبور ساخته و مساجدی که بر آنها برافراشته و در آنها به عبادت و پرستش خدای متعال پرداخته اند همه الهام گرفته از آیه کریمه (قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أُمَّرِهِمْ لَنَنخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا) است.

ساختن مسجد و محل پرستش خداوند بر محل قبر اصحاب کهف که انسان هایی موحد و الهی بودند مورد تأیید خدای متعال و قرآن کریم است؛ هرچند که این مسئله همچون بسیاری دیگر از معارف عرشی و بلند توحیدی دین به مذاق وهابیان و سلفی های تکفیری خوش نیامده و با تخریب مساجد و حرم های مطهر و قبور اولیای دین، خوش خدمتی و سرسپردگی خود را به یهود و صهیونیست ها و دشمنان اسلام و قرآن به اثبات می رسانند.

حرم های مطهری که در مکه مکرمه و مدینه منوره بر قبر حضرت خدیجه، حضرت عبدالمطلب، شهدای بدر، ائمه مظلوم بقیع و... وجود داشته توسط مسلمانان اهل سنت ساخته شده و مورد تأیید و زیارت تمام مسلمانان بوده است، اما پیروان نابخرد محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه تنها گروهی هستند که با زیارت و آثار عظیم معنوی و الهی مخالفت ورزیده، به تخریب و اهانت به این مراقد مطهر و منور روی آورده و بیشترین خدمت را به دشمنان اسلام و قرآن نموده اند. اینان در واقع پیروان بنی امیه اند و عقاید و افکار خود را از شجره خبیثه یا شجره ملعونه معاویه و ابوسفیان گرفته اند که تا آخرین سال های عمر مبارک رسول خدا با آن حضرت می جنگیدند و هرگز حتی چشم بر هم زدنی به رسول خدا ایمان نیاوردند.

علی رغم نظر نادرست وهابیت، نماز و ذکر و عبادت خداوند در کنار جسم و روح اولیای الهی علاوه بر اجر و ثواب معنوی آن، در بردارنده هزاران درس عبرت و آموزش اخلاق و مکارم و آداب دینی و شرعی است.

زیارت و توسل جزء شعائر دینی و تعظیم و بزرگداشت آن مورد اهتمام و توجه قرآن کریم است. البته زیارتگاه هایی که اکنون وجود دارند از جهت اعتبار در یک سطح نیستند، بلکه برخی از آنها به صورت قطعی و یقینی است و برخی از آنها وثوق کمتری دارند.

قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و یازده امام جانشین آن حضرت علیهم السلام و نیز مرقد بزرگانی در قبرستان هایی همچون بقیع، بدر، احد و کربلا همه به صورت قطعی است و هیچ تردیدی در محل آنها وجود ندارد.

برخی از امام زادگان نیز این گونه هستند که در رأس آنان باید از حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قم یاد کرد. اگر هم اندکی اختلاف یا تردید در سال ولادت یا برخی جزئیات زندگی آن بانوی کرامت وجود داشته باشد، اما در اینکه مدفن آن فرزند رسول الله در «باغ بابلان» و حرم مطهر کنونی بوده تردیدی وجود ندارد. همچنین در اینکه آن بزرگوار از بزرگ ترین اولیای الهی است و با بانوانی چون حضرت زهرا، حضرت خدیجه، حضرت زینب، حضرت مریم و حضرت آسیه و حضرت هاجر علیهن افضل الصلوات قابل مقایسه بوده تردیدی نیست. این بانوان افضل زنان عالم و سیده النساء و برگزیدگان خدای متعال و مطهر از هرگونه عیب و قدراتی هستند و این افتخار بسیار بزرگی است که قم، میزبان و صدف چنین دژی و انگشتی چنین نگینی است.

تاکنون در خصوص معرفی این بانوی کرامت و ترسیم و تبیین قطره ای از

فضائل و مناقب ایشان، آثار گرانبها و ارزنده ای تدوین شده که یکی از جدیدترین و بهترین آنها اثری است که اکنون پیش روی شماست و به قلم وزین جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای علی اشرف عبدی زید عزّه نگارش و سامان یافته است.

جامعیت این اثر در موضوع خود، استناد به منابع قوی و معتبر و نیز گستردگی اطاعات آن از جمله امتیازات این اثر است که مطالعه آن را به همه علاقه مندان به آستان حضرتش سفارش می کنیم.

احمد عابدی

ص: 14



خدمت در بارگاه ملکوتی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام عنایتی الهی است و بهره مندی از آن، به هر کس بی گمان نشانه توفیقی خدایی است که باید آن را پاس داشت.

خادم حریم کریمه اهل بیت باید این فرصت بی نظیر و بهره مندی از حضور در چنین جایگاهی را که آشکارا نشان از فردوس برین دارد، قدر بداند چرا که این بارگاه، تجلی گاه وادی عشق و تمثیلی از مرقد مبارک و مزار پنهان زهرای اطهر و زیارت ضریح دخترش فاطمه معصومه علیها السلام معادل بهشت برین است.

نگارنده حدود بیست سال است که جیره خوار سفره این بانوی آسمانی و شفیعہ آخرت، درّ عصمت، مریم آل طه، محدثه غدیر و تجلی کوثر بوده، از نعمات بارگاه عشّ آل محمد صلی الله علیه و آله و ملجأ و مأمن عشّاق اهل ولاء متنعم و از سفره کریمانه اش بهره ها جسته و کرامات دیده است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا فَمَنْ أَدَّاهُ زَادَهُ وَ مَنْ قَصَّرَ عَنْهُ خَاطَرَ بِزَوَالِ النِّعْمَةِ؛ (1) خداوند در هر نعمتی حقی دارد و کسی که حقش را ادا کند نعمت او را افزون کند و کسی که کوتاهی کند نعمت را در خطر زوال قرار می دهد.

ادب اقتضا می کرد که از باب تشکر و تسبیح و تقدیس در برابر عنایت خداوند حکیم و دانا و مهربان و سپاس در برابر کرامات کریمه اهل بیت علیهم السلام ادای دین و تلاشی ناقص کرده، به فرمایش امام هادی علیه السلام جامه عمل بپوشانیم که فرمود: «برای نعمت ها پیش از آنکه از شما جدا شوند همدمی نیکو باشید». (2)

از این رو عذر تقصیر به پیشگاه رفیع آن بانوی عظیم الشان آورده ایم تا شاید جرعه نوشی «اللهم انی اسئلك ان تخرم لی بالسعاده فلا تسلب منی ما انا فیه» (3) برای همیشه شامل حالمان گردد.

امیدوارم نوشتار حاضر مورد عنایت پروردگار عالمیان و ارواح طیبه معصومین علیهم السلام قرار گیرد.

همچنین انتظار می رود محققین و اهل قلم و خوانندگان عزیز از راهنمایی های دلسوزانه خود دریغ نفرمایند تا نواقص احتمالی کتاب برطرف گردد.

ص: 16

---

1- (1) نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره 244.

2- (2) منتخب میزان الحکمه، ص 761.

3- (3) بخشی از زیارت نامه حضرت فاطمه معصومه؛ بحارالانوار، ج 99، ص 265.

در اینجا فرصت را غنیمت شمرده از ریاست محترم پژوهشکده علوم و معارف قرآنی آستان مقدس، استاد ارجمند حضرت آیت الله عابدی دام توفیقاته و حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید حسن نقیبه و آقایان محمدرضا هوایی و محسن زند و همچنین ویراستار محترم جناب آقای محمد سعید رضایی که ما را یاری نمودند صمیمانه سپاس گزاری می نمایم.

علی اشرف عابدی

93/5/20

ص: 17



## بخش اول: گذری بر زندگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

### ولادت فاطمه معصومه علیها السلام

به واسطه محدودیتی که محبین اهل بیت علیهم السلام در برخی از اعصار و قرون داشته اند، تاریخ آن دوره ها به خصوص دوره امام هفتم علیه السلام به صورت کامل تدوین نشده یا اینکه آثار پیشینیان و تألیفات آنان در پی حوادث و رویدادها از بین رفته است. این موضوع در مورد تاریخ تولد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نیز مطرح است و حتی در آن اختلاف نیز وجود دارد. در این باره حداقل سه قول بیان شده است:

1. اول ذی قعدة 173 ق، قول مشهوری که آن را دانشور متبحر و متبّع،

ص: 19

شیخ علی نمازی (1) بیان کرده، (2) ولی دلیلی بر اثبات تولد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بیان نکرده است؛ گرچه این تاریخ با شواهد و قرائن، هماهنگی و تطبیق دارد.

اما به عقیده بیشتر محققان و نویسندگان ولادت آن حضرت در ابتدای ذی قعدة است. (3)

مرحوم عمادزاده اصفهانی می گوید:

«حضرت معصومه علیها السلام در مدینه در ماه ذی قعدة سال 173 ق. متولد شد و در ربیع الثانی 201 دیده از جهان فروست.» (4)

2. برخی، میلاد دخت گرامی موسی بن جعفر علیه السلام را سال 183 ق. مصادف با سال شهادت پدر بزرگوارش می دانند؛ از جمله؛  
مرحوم فیض در کتاب انجم فروزان (5) و گنجینه آثار قم (6) وی به نقل از کتاب «لواقح الانوار فی

ص: 20

- 
- 1- (1) متوفای 1405 ق. مرقد ایشان در یکی از حجره های صحن رضوی در کنار بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام قرار دارد.
  - 2- (2) مستدرک سفینه البحار، ج 8، ص 257.
  - 3- (3) شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ج 21، ص 328؛ مهدی منصوری، حیاة السّت، ص 10؛ محمدهادی امینی، فاطمه بنت الامام موسی کاظم علیه السلام، ص 21.
  - 4- (4) زندگانی حضرت موسی بن جعفر، ج 2، ص 375.
  - 5- (5) انجم فروزان، ص 58.
  - 6- (6) گنجینه آثار قم، ج 1، ص 386.

طبقات الاخبار»(1) و «نزهه الابرار فى نسب اولاد الائمه الاطهار عليهم السلام»(2) چنین می آورد:

تاریخ تولد و وفات حضرت معصومه علیها السلام تا این زمان بر عامه خلق مکتوم و غیر معلوم بود، ولی جناب حجت الاسلام آقای شیخ جواد مجتهد در مسافرت خود به مکه معظمه زاده الله شرفاً و تعظیماً در مدینه طیبه در کتابخانه مبارکه به زحمت زیادى به دست آورده اند. در کتاب نزهه الابرار فى نسب اولاد ائمه الاطهار و کتاب لواقح الانوار فى طبقات الاخبار که کتاب مفصلی است چنین ضبط شده است: «ولاده فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهم السلام فى المدینه المنوره غره ذی القعدہ الحرام سنه ثلاث و ثمانین و مائه بعدالهجره النبویه و توفیت فى العاشر من ربیع الثانی فى سنه احدی و مائین فى بلده قم»، بنابراین سن مبارکه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام هجده سال بوده است.

در جای دیگری نیز آورده:

هر چند که سن بی بی و میلاد باسعادتش ضبط نگردیده، در شمار مجهولات است، اما با استفاده از بعضی قرائن باید گفت که از سی سال افزون بوده چه که فاطمه مدفونه به قم فاطمه کبری و بزرگترین دختران امام موسی علیه السلام است و... تعیین سن مبارک فاطمه بین هجده تا بیست و یک

ص: 21

---

1- (1) تألیف عبدالوهاب شعرانی شافعی، متوفای 937 ه. ق.

2- (2) تألیف سید موسی برزنجی شافعی مدنی.

سال مولود از اشتباه فاطمه کبری به فاطمه صغری بوده است. (1) با توجه به این بیانات، خود مرحوم فیض تاریخ خاصی را مشخص نمی کنند و تنها سن مبارک آن حضرت را در زمان هجرت به قم بیش از 30 سال بوده تخمین می زند. از طرفی به نقل از دو کتابی که ذکرشان گذشت سال 183 را نقل می نماید. پس بنا به این نقل حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در مدینه منوره و در آغاز ماه ذی قعدة سال 183 ق. دیده به جهان گشود و در دهم ماه ربیع الاول 201 ق. در قم وفات یافت. (2)

3. بعضی قول سومی را نیز می آورده اند؛ مثلاً جناب آقای شیخ مهدی منصوری در تألیف خودش می نویسد:

با تحلیل و تجزیه تاریخی، سال تولد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در سال صد و هفتاد و نه (179) ق. کم تر تصور ندارد؛ زیرا مطابق گفته ارشاد مفید حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را به دستور هارون الرشید در سال صد و هفتاد و نه (179)، هفتم ماه ذیحجه در بصره زندانی کردند مدتی قریب یکسال در زندان بصره بود بعداً به بغداد فرستادند سه سال هم در حبس فضل

ص: 22

---

1- (1) گنجینه آثار قم، ج 1، صص 385-386.

2- (2) مؤلف کتاب وسیله المعصومیه، ص 65 این چنین نقل می کند: «... و از کتاب نزهه الابرار فی نسب اولاد الائمه الاطهار نقل شده در روز دوشنبه اول ماه ذیقعدة از سال یکصد و هفتاد و سه متولد شده و در روز دهم ماه ربیع الثانی سال دویست و یک در قم وفات کرد». این نشان می دهد که همان احتمال ضبط اشتباهی سال 173 به 183 در کتب دیگر است؛ یعنی برای سال 183 مدرک و حتی قرینه ای وجود ندارد.



بن ربیع و سندی بن شاهک بود. چهار سال تمام در زندان به سر برد بعد از گذشتن این مدت به سال صد و هشتاد و سه مسموماً از دنیا رفت و... پس با شواهد مذکوره فاطمه معصومه علیها السلام بنت موسی بن جعفر علیه السلام در سال یک صد و هفتاد و نه (179) در مدینه منوره متولد شده با تقریبی که ذکر کردم، اما نسبت به روز و ماه تولد آن بی بی اظهار عقیده نمی کنم، زیرا مأخذ صحیح به دست نیامده ممکن است همان روز اول ماه ذی القعدة بوده. (1)

به هر حال آنچه که در تاریخ ولادت آن حضرت مسلم است، اول ذی القعدة خواهد بود، اما ولادت آن حضرت در سال 183 به دلایل ذیل مخدوش به نظر می رسد:

1. سال 183 ق سال شهادت امام هفتم علیه السلام می باشد و آن حضرت حداقل 4 سال در زندان به سر برده اند، (2) چون در منابع تاریخی تصریح شده که آن حضرت در سال 179 دستگیر شده اند. (3) بنابراین نمی توان آن سال را سال ولادت حضرت معصومه علیها السلام دانست.

2. برخی سال 173 را به اشتباه سال 183 ضبط کرده اند که نمونه آن در پاورقی صفحه بیست و چهارم این کتاب گذشت.

ص: 23

---

1- (1) حیاة الست، صص 6-7.

2- (2) شیخ مفید، ارشاد، ج 2، ص 215؛ شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 81.

3- (3) کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 312؛ حسن بن محمد قمی، تاریخ قم، ص 287، چاپ آستان مقدس.

3. آنچه مسلم است حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بیش از یک دختر به نام فاطمه داشته اند. (1) مطابق نظر برخی از مورخان، آن حضرت چهار دختر به نام فاطمه (2) به این شرح داشته اند:

الف) فاطمه کبری ملقب به «حضرت معصومه علیها السلام» که در قم مدفون است.

ب) فاطمه صغری ملقب به «بی بی هیبت» و «حکیمه خاتون» که در کشور آذربایجان و ورودی شهر باکو مدفون است. (3)

ج) فاطمه وسطی، ملقب به «ستی فاطمه» در اصفهان مدفون است.

د) فاطمه اخری، مشهور به «خواهر امام» که در رشت مدفون است.

با این بیان، حضرت معصومه علیها السلام در میان فواطم اربعه (چهار دختر به نام فاطمه) از همه فاطمه ها بزرگتر است و اقتضا می کند که چند سالی قبل از دستگیری امام کاظم علیه السلام (سال 179) متولد شده باشد.

با توجه به این جهت، تولد آن حضرت در سال 183 و 179 ق. غیرممکن می باشد و سال 173 ق. را که مرحوم نمازی در مستدرک سفینه البحار آورده اند تقویت می شود.

ص: 24

---

1- (1) ارشاد مفید، ج 2، ص 244؛ طبرسی، اعلام الوری، ص 301؛ اربلی، کشف الغمه، ج 3، ص 26.

2- (2) علامه مجلسی، بحارالانوار، ج 48، ص 317.

3- (3) جهت آشنایی بیشتر ر. ک: مجموعه آثار کنگره حضرت معصومه، مجموعه مقالات، ج 1.

آغاز ماه ذی قعدة برای دودمان نبوت، پیام آور شادی و سرور است؛ زیرا حضرت نجمه خاتون، همسر گرامی امام در یازدهم این ماه و در سال 148 ق. صاحب فرزندی می شود که از ستارگان آسمان امامت است. در اول ذی قعدة سال 173 ق نیز از این بانوی بزرگوار دختری به نام معصومه علیها السلام دیده به جهان می گشاید که از ایام الله است. در این تاریخ دختری از آسمان ولایت و امامت طلوع کرد؛ که قلب ها را سرشار از صفا و چشم ها را روشن کرد و کانون مقدس اهل بیت علیهم السلام را گرم نمود؛ امام رضا علیه السلام دارای خواهری شده که سال ها قبل جد بزرگوارش به ولادت او بشارت داده بود.

براساس آنچه که ذکر شد نتیجه می گیریم که سن مبارک خورشید ستارگان قم 28 سال بوده و برای 18 یا 22 ساله بودن مدرک و سندی وجود ندارد.

نکته دیگر اینکه در عصر مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمه الله تحقیقی از سوی آستان مقدس فاطمه معصومه علیها السلام صورت گرفته که مکاتبات آن موجود است و نمونه آن مکاتبه دیگری است که تولیت وقت با جناب ابوالقاسم صاحب،<sup>(1)</sup> تاریخ ولادت و وفات آن حضرت را به زبان شعر چنین سروده است:

اول ذی القعدة هفتاد و سه از بعد صد دختر موسی بن جعفر را ولادت شد پدید

ص: 25

---

1- (1) برای آشنایی بیشتر ر. ک: ستارگان حرم، ج 15.

آخر عشر اول بعد از ربیع دومین دو صد و یک حضرت معصومه را رحلت رسید

بر این اساس، مدت زندگانی آن حضرت 28 سال و پنج ماه و ده روز بوده است. (1)

در سال 1374 از طرف آستان مقدس، مستندی درباره ولادت و رحلت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام خدمت مرجع عظیم الشان آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمه الله عرضه شد که ایشان در جواب مرقوم فرمود:

بسمه تعالی

بعد الحمد و الصلوه، تخصیص دادن روزی از ایام سال به عنوان ولادت کریمه اهل بیت، حضرت معصومه سلام الله علیها و روز دگری به عنوان وفات و رحلت آن حضرت، نیاز به مدرک و مستند ندارد، بلکه امری است راجح، مخصوصاً برای مردم شریف قم که به نعمت جوار آن حضرت متعمند. (2)

محمد فاضل

1374/6/14

9 ربیع الثانی 1416

ص: 26

---

1- (1) برگی از تاریخ قم، ص 38، چاپ آستان مقدس.

2- (2) پیام آستان مقدسه (هفته نامه داخلی آستان مقدس) پیش شماره 3، ص 4. دوشنبه 1379/4/20.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رسم تجلیل از خاندان موسوی در جمهوری اسلامی ایران با ورود ماه ذی القعدة مجالس جشن و سرور از قم آغاز می شود و در مشهد به پایان می رسد و آن ایام را با عنوان «دهه کرامت» نام گذاری کرده اند. ابتدای این دهه از اول ماه ذی القعدة و مصادف با ولادت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است. در ششم این ماه نیز ولادت احمد بن موسی (شاه چراغ) واقع شده و پایانش نیز با ولادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نورانی شده است.

این دهه یادآور بسیاری از مفاهیم بلند و سازنده ارزش های اسلام و انسانیت و نیز یادآور مهر، وفا و علائق کم نظیر خواهر نسبت به مقام ارزشمند معنوی برادر است. دهه کرامت تداعی کننده عزم و قاطعیت و ارده آهنین زنان بزرگ و بانوان والا مقام و گرانقدر و یادآور تحول آفرینی بانوان آسمانی است که می توانند رهبری دل های میلیون ها مسلمان را در طی اعصار و قرون عهده دار شوند. این دهه، یادآور وجود مبارک حضرت زهرا و زینب علیهما السلام و تمام خوبی ها و جمال انسانی است.

### تربیت در سایه پدری معصوم

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در محیطی پرورش یافت که پدر و مادر و فرزندان، همه به فضایل اخلاقی آراسته بودند. عبادت و زهد، پارسایی و تقوا، راستگویی و بردباری، استقامت در برابر ناملایمات، بخشندگی و پاکدامنی و یاد خدا از صفات تبار پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. (1)

پدران این خاندان همه از برگزیدگان و پیشوایان هدایت بودند و هر یک در انتخاب همسر و تربیت فرزند توجه کافی داشته اند.

پدر بزرگوارشان امام موسی بن جعفر علیه السلام روز یکشنبه 7 صفر 128 ق. در ابواء، محلی بین مکه و مدینه به دنیا آمدند (2) و مشهورترین القاب آن حضرت

ص: 28

---

1- (1) 1. برگرفته از آیه 35 سوره احزاب.

2- (2) اعلام الوری، ج 2، ص 6؛ توضیح المقاصد، ص 6؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 349.

کاظم، باب الحوائج، امین، صابر و عبد صالح و مشهورترین کنیه آن امام همام ابوالحسن (1) است.

دوران زندگی امام کاظم را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

بخش اول: دوران قبل از امامت، یعنی از سال 128 تا 148 ق؛ یعنی سال شهادت امام صادق علیه السلام (20 سال).

بخش دوم: دوران بعد از امامت، یعنی از سال 148 تا سال 183 ق. (35 سال) امام کاظم علیه السلام 4 سال داشت که حکومت ظالمانه بنی امیه سقوط کرد و بنی عباس به سرکردگی ابوالعباس سفاح به حکومت رسید. در بیست سالگی حضرت بود که منصور دوانیقی، پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام را به شهادت رساند و امام هفتم علیه السلام به امامت رسید. دوران امامت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مصادف با زمامداری غاصبانه چهار تن از خلفای عباسی بود.

عباسیان که به صورت خزنده، حیات سیاسی خود را در دوره خلافت امویان شروع کرده بودند با دو پشتوانه دینی و دنیایی، حکومت را به دست گرفته، احزاب مدعی را یکی پس از دیگری از سر راه خود کنار زدند.

سابقه دنیایی آنها اتکا به سابقه اشرافیت قریشی بود که ریشه در پیمان سیاسی و تجاری یک قرن گذشته اعراب داشت. سابقه دینی آنها نیز اتصال به

ص: 29

---

1- (1) در کتب اخبار، امام کاظم علیه السلام را به «ابوالحسن الاول» و از امام رضا علیه السلام به «ابوالحسن الثانی» و از امام هادی علیه السلام به «ابوالحسن الثالث» تعبیر می کنند، گرچه به امیرالمؤمنین علی علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام نیز ابوالحسن می گویند.

خاندان نبوت و وراثت فاطمی و علوی بود که در دل مردم مؤمن حجاز و عراق و یمن و ایران ریشه دوانده بود.

عباسیان از خاندان عموی پیامبر صلی الله علیه و آله «عباس» بودند و از خاندان مکی «هاشم» به شمار می آمدند و به همین سبب، ادعای حقانیت خود را برای خلافت در چشم مؤمنان می آراستند. با این همه، پس از استقرار حکومتشان، با علویان همان رفتاری را کردند که پیش از آنها خاندان اموی کرده بودند.

عباسیان در مقابل مقام الهی اهل بیت علیهم السلام که شایستگی آنها را برای امامت و خلافت به اثبات می رساند، خود را بنی اعمام رسول اکرم صلی الله علیه و آله دانسته، این گونه استدلال می کردند که در زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله عباس، عموی او زنده بود و با وجود او حتی برای فرزندان عموهای دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله باقی نمی ماند؛ حال آنکه شیعه برای اثبات امامت هرگز به قانون وراثت توجهی نداشت، بلکه نصوص وارده از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام سابق علیه السلام را در رابطه با تعیین امام بعدی شرط امامت ائمه اثنی عشری می داند.

ده سال از دوران امامت امام کاظم علیه السلام در عصر منصور گذشت؛ کسی که در حسادت و کینه نسبت به خاندان وحی بی مانند بود. ده سال از عمر شریف امام هفتم علیه السلام نیز در عصر مهدی عباسی گذشت و پس از آن یک سال را در عصر هادی عباسی گذراندند که هر کدام از آنها نیز سخت گیری هایی را داشته اند.

چهارده سال پایانی امامت آن حضرت در عصر هارون الرشید سپری شد



که دورانی بسیار سخت و جانکاه بود و امام علیه السلام اغلب در حبس و زنجیر و شکنجه به سر بردند.

ابن اثیر سبب زندانی شدن امام کاظم علیه السلام را این چنین نقل می کند:

هارون الرشید در رمضان 175 ق. به قصد حج عمره به مکه می رفت که در سر راه خود به مدینه آمد و وارد روضه رسول خدا صلی الله علیه و آله شد. پس از زیارت مرقد مطهر برای جلب توجه مردم در رابطه با نسب خویش به رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین سلام داد: «السلام علیک یا رسول الله یابن عم؛ سلام بر تو ای رسول خدا، ای پسر عمو.»

در این هنگام، موسی بن جعفر که در آن مجلس بود، پیش آمد و خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «السلام علیک یا ابه؛ سلام بر تو ای پدر.»

با شنیدن این سخن رنگ از رخسار هارون پرید و خطاب به امام کاظم علیه السلام گفت: «هذا الفخر یا ابالحسن جدّاً؛ به واقع این مایه افتخار است یا ابالحسن.»<sup>(1)</sup>

سپس هارون دستور دستگیری امام علیه السلام را صادر و آن حضرت را روانه زندان کرد. سرانجام امام کاظم علیه السلام در 55 سالگی در زندان هارون مسموم شدند و به شهادت رسیدند.

ص: 31

نجمه خاتون، انسانی با فضیلت، استثنایی و مورد توجه امام معصوم علیه السلام بوده است. حضرت امام موسی کاظم علیه السلام با بهره گیری از معرفت غیبی برای خرید او اقدام کردند و دست تقدیر الهی او را از نقطه های دور مغرب زمین به مدینه منوره آورد تا از این رهگذر، مدال افتخار خدمت به ولایت و امامت و همسری امام هفتم به ایشان اعطا شود.

در روایتی درباره این بانوی گرامی چنین آمده است:

حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام وقتی که نجمه را خرید به گروهی از اصحابش فرمود: «سوگند به خدا این کنیز را جز به امر خداوند نخریدم»

اصحاب پرسیدند چگونه؟ در پاسخ فرمود: خواب دیدم جدم و پدرم نزد من آمدند و پارچه حریری با خود آوردند و آن پارچه را گشودند، دیدم پیراهنی است که در آن عکس این کنیز نقش بسته است و فرمودند: ای موسی! بهترین شخص روی زمین از صاحب این عکس برای تو به دنیا خواهد آمد. (1)

همچنین هشام بن احمر می گوید:

روزی امام موسی بن جعفر علیه السلام من را خواست و پرسید آیا می دانی قافله ای از مغرب آمده است؟ گفتم: نه. حضرت فرمود: آری مردی قافله ای را از مغرب آورده است، برخیز برویم که می خواهیم کنیزی بخرم. هشام

ص: 32

می گوید: چون بیرون آمدیم مردی را دیدم که از مغرب آمده و کنیزانی دارد. حضرت فرمود: آنان (کنیزان) را بر من عرضه کن. او هفت کنیز را به حضرت نشان داد و هر بار آن حضرت فرمودند: نیازی به آن ندارم. سپس حضرت فرمود: کنیز دیگری داری، او را عرضه کن، آن مرد پاسخ داد: جاریه بیماری دارم. حضرت فرمود: مانعی ندارد، آن را بیاور. مرد مغربی امتناع کرد و آن حضرت برگشت.

فردای آن روز حضرت دوباره مرا طلبید و فرمود: نزد مرد کنیز فروش برو و به او بگو آخرین قیمت کنیز بیمار چقدر است و هر قیمتی که گفت به او بده و آن کنیز را بخر.

هشام می گوید: نزد برده فروش رفتم و به او گفتم آخرین قیمت کنیز را چقدر در نظر داری؟ گفت حقیقت این است که این برده را کمتر از فلان مبلغ نمی فروشم. هشام می گوید: کنیز را به همان قیمت خریدم. وقتی تحویل گرفتم، برده فروش گفت: کسی که دیروز همراه تو به اینجا آمد، چه کسی بود؟ گفتم: مردی از بنی هاشم، پرسید: از کدام قبیله؟ گفتم: بیش از این نمی دانم، چرا درباره ایشان می پرسی؟ گفت: این کنیز را از یکی از شهرهای مغرب خریدم، در راه با زنی از اهل کتاب برخورد کردم، پرسید این کنیز که همراه توست، کیست؟ گفتم: او را برای خودم خریده ام. آن زن گفت: امکان ندارد این کنیز نزد امثال او بماند، بلکه او نزد بهترین شخص روی زمین خواهد رفت و پس از اندکی فرزندی از او به دنیا خواهد آمد که در شرق و غرب

جهان بهتر از او نیست. (1)

به همین جهت، لقب «طاهره» نشان اعطایی امام موسی بن جعفر علیه السلام به این بانوی بزرگوار است. پس از آنکه علی بن موسی الرضا علیه السلام به دنیا آمد، امام کاظم علیه السلام او را «طاهره» نامید، زیرا مهد پرورش حجت خداست. (2)

### نام های مادر حضرت معصومه علیها السلام

مردان و زنان عرب، علاوه بر اسم و لقب، دارای کنیه نیز می باشند. در روایات برای نجمه خاتون نام های متعددی نقل شده؛ از جمله: نجمه، (3) تُكْتَم، (4) طاهره، اروی، سمان و سکن النوبیّه. (5) کنیه ایشان «ام البنین» است و القابی مانند: صقر، شقراء النوبیّه، خیزران المرسیه (6) نیز دارد.

### راز و نیاز

آن بانو بعد از بهبودی از بیماری، با راهنمایی های امام موسی بن جعفر علیه السلام برای زندگی خود برنامه ریزی دقیق و سازنده ای تنظیم کرد؛ به

ص: 34

- 
- 1- (1) عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج 1، صص 17-18؛ مرآة العقول، ج 6، ص 74.
  - 2- (2) عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 20.
  - 3- (3) همان؛ کشف الغمّه، ج 3، ص 149.
  - 4- (4) عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 20.
  - 5- (5) همان؛ بحار الانوار، ج 49، ص 5.
  - 6- (6) مسند الرضا، ص 14.

طوری که قسمتی را به عبادت و راز و نیاز با خداوند، قسمتی را برای انجام امور داخلی خانه و شوهرداری و قسمتی دیگر را برای فراگیری معارف و احکام دینی اختصاص داد. این بانوی بزرگوار خود را در راهی قرار داد که نهایت و مقصد آن رسیدن به کمال معنوی و انجام مسئولیتی بزرگ، یعنی همان پرورش فرزندان بزرگوار خود بود و در این راه به قله معرفت نائل گردید.

## کسب معارف

نجمه خاتون، علاوه بر کسب علم و معرفت و آشنایی با اصول و فروع دین نزد امام هفتم علیه السلام هر روز در ساعت های مشخص، نزد حمیده خاتون مادر گرامی امام کاظم علیه السلام رفته، از محضر آن بانوی بزرگوار معارف و احکام دین را فرا می گرفت. استاد بزرگوارش (حمیده خاتون) بانویی آگاه و حدیث شناس بود و از اساتید مجامع علمی بانوان عصر امام صادق علیه السلام به شمار می آمد. از آن سو نجمه خاتون نیز با اشتیاق کامل، مسائل مربوط به مبدأ و معاد و هر آنچه را که در سعادت انسان نقش داشت و او را در انجام وظائف شرعی کمک می کرد از محضر مادر گرامی امام کاظم علیه السلام می آموخت.

استعداد فراوان و علاقه زیاد به علم آموزی در نجمه خاتون باعث شد تا ایشان در اندک مدتی به پیشرفت چشم گیری دست یابد و از نظر علم و کمال به درجات عالی برسد.

این بانوی عظیم الشان بسیار مؤدب بود؛ چنانکه در این باره آمده است:

آن حضرت به مولایش حمیده مادر امام کاظم علیه السلام احترام خاصی می گذاشت تا آنجا که از زمانی که کنیز حمیده شده بود برای احترام و تعظیم به ایشان هرگز جلوی حمیده نمی نشست و در مقابل ایشان فقط می ایستاد. (1) حتی منزلتش به جایی رسید که حمیده در توصیف ایشان فرمود: «من هرگز جاریه ای با فضیلت تر و بهتر از او ندیده ام.» (2)

### وفات و مدفن

در مورد سال وفات، محل دفن و مزار نجمه خاتون در منابع تاریخی و روایی مطلبی یافت نمی شود، ولی به احتمال قوی چند روز بعد از ولادت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دار فانی را وداع گفته است.

براساس آنچه که نزد گروهی از مردم مدینه شهرت پیدا کرده، احتمال می رود قبر آن بانو همراه قبر حمیده خاتون در مشربه «ام ابراهیم» باشد؛ به طوری که تا چند دهه قبل، سه سنگ قبر وجود داشته که یکی از آنها را متعلق به نجمه خاتون دانسته اند. البته تاکنون مشربه ام ابراهیم با دیواری بلند محاصره شده است. از طرفی این مکان، همواره مورد توجه شیعیان به خصوص ایرانیان

ص: 36

---

1- (1) عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ص 47.

2- (2) همان، ص 49.

قرار داشته و دارد و زائران پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله معمولاً بعد از استقرار و خارج از زیارت دوره به این مکان مقدس شتافته، در پشت در بسته می ایستند و به دعا و راز و نیاز می پردازند. (1)

### حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و خلفای معاصر

دولت عباسی از سال 132 ق. با به خلافت رسیدن ابوالعباس سفاح تأسیس شد و تا سال 656 ق. ادامه داشت. خلفای معاصر حضرت معصومه عبارتند از: هارون الرشید، امین و مأمون.

سید جعفر مرتضی عاملی می گوید:

عباسیان ناگزیر بودند که میان انقلاب خود و اهل بیت علیهم السلام خط ربطی ترسیم کنند؛ به چند دلیل:

اول اینکه بدین وسیله توجه فرمانروایان را از خویشتن به جای دیگر منصرف می کردند.

دوم اینکه مردم بیشتر به آنان اعتماد می کردند و از پشتیبانی شان برخوردار می گردیدند.

سوم آنکه دعوت خود را بدین وسیله از ابتدال و برانگیختن شگفتی مردم می رهانیدند.

چون در سرزمین های اسلامی از شهرت آنچنانی برخوردار نبودند و

ص: 37

مردم نیز برای هیچ یک از آنان بر خلاف علویان، حق دعوت و حکومت را نمی شناختند. به این جهت، با وجود علویان، دعوت عباسیان اگر به سود خودشان آغاز می شد امری فریب کارانه و به اصطلاح امروزی عوام فریبی وانمود می کرد.

چهارم اینکه می خواستند اعتبار علویان را به خود جلب کنند و این از همه مهم تر بود. در واقع این گونه جلوه می دادند که مبلغ علویان هستند و آنها را بدین وسیله خانه نشین می کردند و از تحرک باز می داشتند. (1)

### هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

اسلام با صراحت دستور می دهد که اگر در محیطی، به خاطر عواملی نتوانستید به وظیفه خود عمل کنید، به منطقه و محیط دیگری هجرت نمایید. از طرفی روشن است که این حکم مخصوص پیامبران یا پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نبوده است، بلکه قرآن، هجرت را مایه پیدایش آزادی و آسایش می داند:

(وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ)؛ (2)

(کسانی که پس از ستم دیدن، در راه خدا هجرت کردند، در این دنیا جایگاه و مقام خوبی به آنها می دهیم و پاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می دانستند).

ص: 38

---

1- (1) سیدجعفر مرتضی عاملی، الحیاه السیاسیه للامام الرضا علیه السلام، ص 35.

2- (2) سوره نحل، آیه 41.



منظور از جایگاه خوب و مناسب، جامعه اسلامی و پاکی است که در آن جز خدا پرستش نشود و عدالت و نیکوکاری در آن حکم فرما باشد. در حقیقت، علت مهاجرت مؤمنان، تشکیل چنین جامعه ای بوده است.

هجرت، آثار و برکاتی دارد که اگر در راه خدا باشد حتی اگر مرگ، آن فرد را فرا گیرد اجرش با خداوند منان است:

(وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِماً كَثِيراً وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِراً إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِیماً)؛ (1)

(و کسی که در راه خدا هجرت کند نقاط امن فراوان و گسترده ای در زمین می یابد، و کسی که از خانه اش به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او بیرون رود سپس مرگش فرا رسد پاداش او بر خداست و خداوند آمرزنده و مهربان است).

هجرت در اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است تا جایی که هجرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مبدأ تاریخ اسلام انتخاب شده است، در حالی که ولادت، بعثت، رحلت و ابلاغ ولایت و سایر مناسبت های دیگری هم در اسلام اتفاق افتاده، ولی به عنوان مبدأ تاریخ اسلام به شمار نیامده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله در فضیلت هجرت فرموده اند:

کسی که برای حفظ آیین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر، حتی

ص: 39

به اندازه یک وجب، مهاجرت کند، استحقاق بهشت می یابد و یار و همنشین محمد صلی الله علیه و آله و ابراهیم علیه السلام خواهد بود.

توسعه موضوع هجرت در آیات قرآن، شامل هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نیز می باشد و از آنجا که فضای ظالمانه حکومت عباسی در مدینه عرصه را بر همه محبین اهل بیت تنگ کرده بود، حضرت معصومه علیها السلام از باب ترویج احکام و علوم اسلامی و امتثال آن احکام، از یک طرف و برخورداری از هوش سیاسی از طرف دیگر بر آن شدند تا مدینه را به سوی قم ترک نمایند.

شاید بتوان گفت که آن فرهیخته بانو، هوشمندانه، رابطه امام رضا علیه السلام و مأمون را زیر نظر داشت و تحلیل می کرد. در واقع، اطلاعات روابط و تحلیل آنها، حکایت از آن داشت که حکومت عباسی نقشه ای برای شهادت امام علی بن موسی الرضا دارد. از طرفی مأمون به خوبی می دانست محبین اهل بیت علیهم السلام با قیام علیه او زندگی را بر او تباه خواهند کرد و می دانست که بعد از کشتن امین برادرش، خشم بنی عباس علیه او برانگیخته شده است، لذا در پی این نیرنگ بود که با ولایت عهدی امام رضا علیه السلام نظر شیعیان و در حد توان، علویان را به خود جلب کند و از خیزش آنها جلوگیری کند. از سوی دیگر، مأمون هنگامی که بر حکومت مسلط شد، در صدد شهادت امام رضا علیه السلام برآمد تا بدین وسیله نگرانی بنی عباس را برطرف کند و با خشونت شدید اهل بیت علیهم السلام را تحت فشار قرار دهد، لذا هوشیاری و خردورزی حکم می کرد

تا فاطمه معصومه علیها السلام و برادرانش مدینه را ترک کرده، به سوی ایران هجرت کنند.

تقدیر الهی بر آن امر تعلق گرفت که بعد از هجرت امام رضا علیه السلام در سال 200 هجری و پذیرش ظاهری ولایت عهدی، حضرت معصومه علیها السلام یک سال بعد از آن نامه ای را از برادرش دریافت کرد. امام رضا علیه السلام آن نامه را به یک غلام سپرد و دستور داد که در هیچ مکانی توقف نکند تا در کمترین زمان این نامه را به مدینه منوره برسد. آنگاه نشانه خانه حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را نیز به او داد تا از کسی در مورد آن سؤالی نپرسد. آن غلام نیز خود را به مدینه رسانید و نامه را به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام داد. آن حضرت نیز به محض رسیدن نامه امام هشتم علیه السلام خود را برای سفر آماده کرد،<sup>(1)</sup> گرچه متأسفانه از مضمون نامه هیچ خبری به ما نرسیده است.

### دلیل هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم

هجرت ایشان را به قم به دو گونه می توان تحلیل کرد:

1. قمی ها از پیروان راستین اهل بیت علیهم السلام بوده اند و آن حضرت نیز قمی ها را می شناخت و سال ها قبل، پاسخ پرسش های شرعی آنان را نگاشته بود. از طرفی روایات متعددی در فضیلت قم و قمی ها از اجداد طاهرینش شنیده بود و می دانست که مبارزه قمی ها با دستگاه جبار خلافت عباسی، شهره آفاق اسلامی است.

ص: 41

---

1- (1) کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص 493، به نقل از من لا یحضره الخطیب، ج 4، ص 461.

قم، پایگاه ستم ستیزان و آشیانه شیفتگان و عاشقان اهل بیت علیهم السلام بود، از این رو، آن حضرت راهی قم شد تا از مشکلات و سختی های بیشتری که مخالفان اهل بیت علیهم السلام و دست نشانندگان خلافت عباسی برای ایشان پدید می آورند، برهد و آنجا را به عنوان پایگاهی مناسب و زمینه ای آماده برای اقدامات خود قرار داد.

از مدینه به قصد خطه طوس رهروی خسته پاست معصومه

گرچه نشکسته سینه و پهلو در دلش داغهاست معصومه

داغ زهرا و داغ اجدادش وارث کربلاست معصومه(1)

2. علت ورود آن حضرت را به قم باید فراتر از عوامل مادی دانست. بر پایه برخی از روایات آن حضرت پس از احساس ناامنی و مریضی در ساوه فرمود:

«مرا به شهر قم ببرید، زیرا از پدرم شنیدم که شهر قم مرکز شیعیان ماست.»(2)

این حدیث نشانگر آن است که روایات نقل شده از ائمه علیهم السلام در انتخاب مقصد هجرت ایشان تأثیر داشته است، بلکه حضرت معصومه علیها السلام در اندیشه

ص: 42

---

1- (1) چشمه جوشان کوثر، ج 1، ص 44.

2- (2) تاریخ قم، ص 308.

آینده تشیع و آینده قم به عنوان یکی از بزرگترین کانون های تولید اندیشه و معنویت اسلام بودند.

به هر حال وقتی که آن حضرت در ساوه بیمار شدند، در این هنگام از قم و فاصله آن با ساوه پرسیدند و دستور دادند او را به قم بیاورند، بدین گونه خود را به قم رساندند و در این سرزمین مدفون گشتند.

این جریان به خوبی روشن می کند که آن بانوی الهی به آینده اسلام و موقعیت این سرزمین توجه داشته اند، از این رو خود را با شتاب به این سرزمین رساندند و محوریت و مرکزیت آن را با مدفن خود پایه ریزی کردند.

حتی بررسی سطحی فضیلت ها و زندگی و شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به آدمی اطمینان می بخشد که ایشان نسبت به این دست از مسائل کاملاً آگاه بوده اند. لقب «معصومه» را که حضرت رضا علیه السلام به ایشان داده از شواهد این ادعاست. در واقع از این زاویه حضرت معصومه علیها السلام را می توان به حضرت زینب علیها السلام تشبیه کرد که به امام سجاد علیه السلام فرمود: «نگران مباش در آینده کربلا و قتلگاه سرور شهیدان، حسین بن علی علیهما السلام مزار و مظاف حق طلبان و مردمان فراوان و مرکز خیر و برکت خواهد شد.»<sup>(1)</sup>

از نگاه دیگر می توان گفت حضرت رضا علیه السلام می خواستند قم را به پایگاهی عظیم و جاودان برای تشیع تبدیل کنند، از این رو هم خواهر بزرگوارش فاطمه معصومه علیها السلام را به قم رهنمون ساخت هم از زکریا بن آدم که از دانشوران بزرگ

ص: 43

جهان اسلام و از رجال عظیم الشان شیعه بود خواست در قم بماند و در رشد و بالندگی معنوی و علمی مردم آن دیار بکوشد. خلاصه اینکه آن حضرت با ورودشان به قم، آینده قم را رقم زدند و محوریت این شهر را برای تشیع ماندگار ساختند.

نباید از نظر دور داشت که زندگی به ظاهر کوتاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مشحون از دردها و رنج ها و حوادث اندوهگینی است که کمتر بانویی با این سن و سال تاب و تحمل آن را دارد.

اسارت و دوری از پدر و شهادت آن حضرت به دستور هارون الرشید در زندان در سال 183 ق و بعد از آن، دوری از برادر و امام و ولی و صاحب امرش امام علی بن موسی الرضا علیه السلام که به دستور مأمون در سال 200 سفری تبعیدگونه را به آن امام همام تحمیل کرد مزید بر علت بود.

این بانوی عظیم الشان پس از تحمل غم و اندوه فراوان، نامه ای از محبوب خود دریافت نمود و تحمل رنج سفر به دیار غربت را بر خود هموار ساخت و به همراه تنی چند از برادران و برادرزادگان و غلامان و کنیزان، راه مرو را در پیش گرفت.

در این سفر طولانی، وقتی به شهر ساوه رسیدند، بنا به نقلی دشمنان اهل بیت علیهم السلام به همراه مأموران حکومتی به کاروان آل رسول حمله کردند و تعدادی از همراهان و برادران آن حضرت را به شهادت رساندند.

سرانجام غم هجران علی بن موسی الرضا علیه السلام و سنگینی این واقعه و فشار

و اندوه از دست دادن همراهان، ایشان را به سختی بیمار کرد، از این رو به خادم خود فرمود: «مرا به شهر قم ببرید.»<sup>(1)</sup>

در واقع هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم و دفن ایشان در این شهر مقدس یک حادثه تصادفی نبود، بلکه از پدیده های مهم آن دوران بود که با دقت بسیار برنامه ریزی شده بود، از این رو می توان هجرت ایشان را مهاجرت حضرت رضا علیه السلام به مرو و از پاره ای زوایا به هجرت امیر مؤمنان از مدینه به کوفه و حتی هجرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه تشبیه کرد.

### چگونگی رحلت حضرت معصومه علیها السلام

حضرت معصومه علیها السلام پس از هفده روز عبادت و انس با معبود در شهر شیعه نشین قم و در منزل موسی بن خزرج، بزرگ خاندان اشعری، در اثر شدت بیماری و به مصداق فرموده قرآن کریم (يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً)<sup>2</sup> در حالی که راضی به قضای ربوبی و مرضی الهی بود با نفسی مطمئن به دیدار رب خویش شتافت.

بعد از وفات آن حضرت، شهر قم غرق در ماتم و غم شد. مردم بعد از غسل و کفن ایشان، پیکر مقدس آن بانوی الهی را به سوی باغ بابلان که متعلق به موسی بن خزرج بود تشییع کردند.

ص: 45

البته مؤلف بحرالانساب، علت بیماری آن حضرت را مسموم شدن ایشان در ساوه در اثر سمّی که به بانوان کاروان داده شد می داند. (1)

مؤلف تاریخ قم نیز از حضور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در شهر ساوه خبر داده است که با کاروانی جهت ملاقات برادرش، از مدینه راهی مرو بود و در ساوه بیمار شد و سپس به قم آمد. (2)

صاحب ریاض الانساب هم می گوید:

اما سستی فاطمه، ملقب به معصومه خاتون دختر امام کاظم علیه السلام در علو مرتبه زیاده از حدّ بیان است، در سال دویست و یک هجری زمان ولایت عهدی حضرت امام رضا علیه السلام با برادران خود فضل و علی و جعفر و هادی و قاسم و زید با بعضی از برادرزادگان و چند خدمه از بغداد به عزم دیدار برادر، عازم خراسان شد. بعد از طی طریق، چون به شهر ساوه - که یک منزلی قم است - رسیدند ملحدان ساوه خبر شدند؛ درصدد برآمده با امام زادگان محاربه کردند. آخر الامر، تمامی امام زادگان که 23 نفر بودند شهید شدند. چون اهالی قم خبر یافتند، بشتافتند، [اما] وقتی رسیدند که امام زادگان شهید شده بودند، [پس] آنها را دفن نموده، سستی فاطمه را با خدم و حشم به شهر قم بردند. (3)

ص: 46

---

1- (1) بحرالانساب، ص 83.

2- (2) تاریخ قم، ص 309.

3- (3) ریاض الانساب و مجمع الالقاب، ج 2، صص 159-160.



همچنین جعفر مرتضی عاملی بر این عقیده است که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در این تهاجم به دست عباسیان مسموم شده است. (1)

در کتاب «جغرافیای تاریخی سرزمین های شرقی» نیز به مسمومیت کریمه اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است. (2)

به هر حال، آن حضرت به جهت دیدار امام زمان خود، عزم سفر نمود و سختی راه را به جان خرید و با پیمودن مسافتی طولانی از بیابان های گرم و سوزان سرزمین های حجاز گذشت و شهیده راه ولایت گردید، زیرا «الا من مات علی حب آل محمد صلی الله علیه و آله مات شهیداً». (3)

### مراسم دفن

هنگام دفن حضرت معصومه علیها السلام آل سعد بر سر کسب افتخار تدفین ودیعه آل طه علیهم السلام به گفت وگو پرداختند و بالاخره تصمیم گرفتند، این کار را به پیرمرد صالحی به نام «قادر» بسپارند و چون او حاضر نبود، مردم در انتظار آمدن آن پیرمرد مؤمن بودند که ناگاه دو سوار را دیدند که با روی پوشیده

ص: 47

---

1- (1) الحیاه السیاسیه للامام الرضا علیه السلام، ص 428.

2- (2) جغرافیای تاریخ سرزمین های شرقی، ص 226.

3- (3) این حدیث از جمله احادیث نقل شده حضرت فاطمه معصومه است که مشهور به حدیث فاطمیات است. (این روایت را زمخشری در تفسیر کشاف خود ذیل آیه شریفه قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) آورده است.)

از جانب ریگزار به سوی آنان می آیند، آنگاه چون به نزدیک جنازه رسیدند، پیاده شدند و بر جنازه حضرت معصومه علیها السلام نماز خواندند و پیکر مطهرش را داخل سردابی که مهیا شده بود به خاک سپردند و رفتند و کسی هم آنها را نشناخت.

در این رابطه، صاحب تاریخ قم چنین می نویسد:

و روایت کرد مرا «حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه» از «محمد بن حسن بن احمد بن الولید» که او را روایت کردند که چون «فاطمه» را وفات رسید، بعد از غسل و تکفین او را به مقبره «بابلان» بر کنار سردابی که از برای او ترتیب کرده بودند، حاضر آوردند. آل سعد با یکدیگر خلاف کردند در باب آنک سزاوار است که در سرداب رود؟ و «فاطمه» را بر زمین بنهد و دفن کند. (1)

در میان این گفت و گوی، از جانب رمله (2) دو سوار بر آمدند، دهن بسته و روی بدین مردم نهادند. چون به نزدیک جنازه «فاطمه» رسیدند، از اسب فرود آمدند و بر «فاطمه» نماز گزارند و در سرداب رفتند و «فاطمه» را دفن کردند، پس از سرداب بیرون آمدند و برنشستند و رفتند و هیچ کس معلوم نشد که آن دو سوار که بودند. (3)

ص: 48

---

1- (1) «ط»: سزاوار است که محرمی در سرداب رود و فاطمه را در قبر بگذارد.

2- (2) «ط»: جانب قبله.

3- (3) بحار الانوار، ج 48، ص 290.

به قول مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمه الله هیچ بعید نیست که این دو بزرگوار، امامان معصوم بوده اند که برای این امر مهم به قم آمده بودند. (1)

### سه نکته درباره دفن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

نکته اول: دفن حضرت به طور خاص؛ یعنی آمدن ناگهانی دو شخصیت ناشناخته برای دفن آن بزرگوار است که در منبع معتبری چون تاریخ قم آمده است؛ همان طور که امام موسی بن جعفر علیه السلام به نیشابور آمدند و در مراسم بانو شطیطه شرکت کردند. (2)

به تعبیر دیگر، همان طور که امیرمؤمنان علیه السلام خودشان عهده دار مراسم غسل و کفن فاطمه زهرا علیها السلام شدند (3) و مریم صدیق را خود عیسی بن مریم غسل داد، (4) دو سوار تقابدار ناشناخته برای اهل قم که برخی احتمال داده اند آن دو، حضرت رضا و حضرت جواد علیهما السلام بوده اند برای دفن حضرت معصومه علیه السلام حاضر شدند و این از فضیلت های بزرگ آن حضرت به شمار می آید.

نکته دوم: گفت وگو و اختلاف میان شیعیان قم درباره کسی که می خواهد فاطمه معصومه علیها السلام را دفن کند، نشانگر آن است که اهل قم برای ایشان بسیار احترام قائل بوده اند و مقام و منزلتشان را ارج می نهادند، وگرنه یک زن

ص: 49

---

1- (1) فروغی از کوثر، ص 35.

2- (2) الخرائج و الجرایح، ص 295.

3- (3) اصول کافی، ج 1، صص 457-458.

4- (4) همان.

غریب مسافر چه اهمیتی دارد که بحث شود چه کسی او را دفن کند. بلکه این گفت و گو و اختلاف نظر میان شیعیان، نشانگر آن است که مردم قم، حق آن حضرت را تا حدودی می شناخته و از مصادیق «عارفاً بحقها» بوده اند.

نکته سوم: در آن زمان در قم چند قبرستان بوده است و زنان و مردان شیعه نیز در همان قبرستان ها مدفون می شده اند، پس دفن آن حضرت در محلی خاص و نه در سایر قبرستان ها نشانگر اهمیت خاصی است که مردم قم به ایشان می داده اند.

## تاریخ وفات

سال وفات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام 201 هجری قمری است و قول دیگری نقل نشده، بلکه حتی بر کاشی مرقد مطهر نیز همان ثبت شده است. ولی در مورد روز وفات سه قول مطرح بوده است: دهم ربیع الثانی، (1) دوازدهم ربیع الثانی (2) و هشتم شعبان (3). البته در تحقیقی که آستان مقدس در ابتدای قرن چهاردهم (مجموعه مکاتبات تولیت از سال 1306 تا 1317 شمسی) انجام داده و در کتاب «برگی از تاریخ» مربوط به اسناد و مکاتبات تولیت در تاریخ مذکور است، از 17 شعبان سال 201 بنا به نقلی از کتاب «ریاض» شیخ حر عاملی سخن به میان آمده است.

ص: 50

- 
- 1- (1) وسیله المعصومیه، ص 65؛ منتخب دریای سخن، ص 34.
  - 2- (2) مستدرک سفینه البحار، ج 8، ص 257؛ کریمه اهل بیت، ص 106.
  - 3- (3) حیاة السّت، ص 8.

در این مورد، حتی با مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمه الله مکاتبه ای جهت صحت و سقم مطلب انجام گرفته،<sup>(1)</sup> ولی ظاهراً جوابی از ایشان دریافت نشده یا اگر جوابی آمده در دسترس ما نیست.

در سال های اخیر نیز آستان مقدس بین دهم و دوازدهم ربیع الثانی را جمع کرده و سه روز متوالی مجالس سوگواری با عنوان «ایام معصومیه» برگزار می کند.

### بحثی درباره ازدواج حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

نکته اصلی در این باره این است که یقیناً حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ازدواج نکرده اند که علت آن را در چند احتمال می توان جست و جو نمود:

1. احتمال اول: اینکه حکام بنی عباس به خصوص هارون الرشید برای حفظ خلافت و حاکمیت خویش در جامعه، چنان خفقان و اختناق ایجاد کرده بودند که به قول معروف شمشیر را از رو بسته بودند و با برخوردهای ستمگرانه و بی رحمانه و خشن، جامعه ای وحشتناک و رعب آور ساخته بودند و این مسئله می توانست در روابط اجتماعی بین مردم تأثیر به سزایی بگذارد. با این اوصاف و اوضاع، کسی جرأت نداشت به در خانه امام کاظم علیه السلام مراجعه کند و مردم از اینکه با یکی از دختران آن حضرت ازدواج کنند می ترسیدند. از طرف دیگر در ازدواج فرزندان، پدر، نقش به سزایی دارد، ولی با توجه به

ص: 51

---

1- (1) ر. ک: الیاس محمدیگی، برگی از تاریخ قم، صص 37-42.

اینکه امام هفتم همیشه تحت مراقبت یا بازداشت بود، این عدم حضور پدر در خانه، مشکلی به مشکلات اضافه می نمود.

خلاصه اینکه سرکوبی بی رحمانه حکومت عباسی یکی از موانع ازدواج حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بوده است و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بر این بوده که پیروانشان را به امر ازدواج تشویق می کردند و قاعده هم آن است حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ازدواج کند، ولی به خاطر ستم هایی که بر خانواده و ایشان از ناحیه حکومت روا می شد زمینه ازدواج برای حضرتش فراهم نشد.

مگر قاعده این گونه نبوده و نیست که فاطمه زهرا علیها السلام روزانه و آشکارا غسل و کفن می شد و قبر مطهرش آشکارا می گردید، ولی ستم ها چه کرد؟

به این پرسش هم تاریخ باید جواب دهد که چرا فاطمه معصومه علیها السلام با آن که ازدواج، مستحب و یکی از سنت های مؤکد شریعت مقدس بوده است ازدواج نکرد؟

2. احتمال دوم: در بحث عدم ازدواج آن بانوی بزرگوار این است که ایشان در دوران حیات خود «هم کفو» نداشته و به این جهت ازدواج نکرده است. این مطلب را عده ای از صاحبان قلم و پژوهش از کتاب تاریخ قم گرفته و پسندیده اند؛ آنجا که گفته است: «همچنین به من رسیده است که رضائیه دختران خود را به شوهر نمی دادند، زیرا کسی که همسر و هم کفو ایشان باشد نمی یافتند»<sup>(1)</sup>.

ص: 52

مرحوم آیت الله ثقفی تهرانی در شعری به موضوع اشاره کرده است:

کفو تو را چون نکرد خلق خداوند ز آن نمودی به عمر خویش شوهر

البته عده ای هم این احتمال و نقل را صحیح نمی دانند، بلکه می گویند:

اولاً، سیره ائمه اطهار چنین نبوده که پیدا نشدن «هم کفو و هم سنگ» مانع ازدواج باشد.

ثانیاً در عصر حیات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام جوانان شایسته ای از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام هم کفو آن حضرت وجود داشتند.

3. احتمال سوم: نیز وجود دارد که یعقوبی آن را چنین بیان کرده است:

«موسی بن جعفر وصیت کرد که دخترانش شوهر نکنند و هیچ یک از آنان شوهر نکرد، مگر ام سلمه و...» (1)

به اجماع، همه معتقدند که این کلام یعقوبی دارای خدشه است، چون خلاف سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است.

از طرفی متن کامل وصیت نامه آن حضرت موجود است که فرموده اند:

و تنها در صورتی که فرزندم علی اجازه دهد هر یک از پسرانم مأذون اند خواهرانشان را شوهر دهند، زیرا او به چند و چون ازدواج خویشان خود

ص: 53

آگاه تر است و... نه برادران خواهری و نه عموهای دخترانم و نه صاحب منصبی مجاز نیست دخترانم را به ازدواج کسی درآورد، مگر به اذن و دستور فرزندانم علی و او از همه به ازدواج بستگان خود آشناتر است. از این رو اگر او خواست و مصلحت دید که یکی از آنان را شوهر دهد، می تواند چنین کند و اگر خواست شوهر ندهد، می تواند چنین کند... (1)

در این باره چند نکته قابل ذکر است:

1. امام کاظم علیه السلام در این وصیت نامه، حجت را بر فرزندان و سایرین تمام می کند و علی بن موسی الرضا را با قاطعیت، وصی و جانشین خود قرار می دهد و به امام رضا علیه السلام اختیار تام می دهد تا جایی که حتی امر ازدواج خواهران را به ایشان واگذار می کند و تبعیت از امام هشتم را برهمگان لازم می داند.

2. احتمال دارد نسخه ای از وصیت نامه حضرت که در دسترس یعقوبی بوده، جمله «إلا بإذنه و امره» افتاده باشد یا از روی سهو جمله را نیاورده یا در نسخه ای از روی تقیه مطالب دیگری آمده باشد و سپس در دسترس یعقوبی قرار گرفته است، پس این احتمال، دارای چندین اشکال اساسی است.

حتی برخی بحث خواستگاری مأمون از حضرت را علت ترک ازدواج یا هجرت بیان کرده اند (2) که این هم مدرک و سندی ندارد.

در پایان بحث ذکر چند نکته ضرورت دارد:

ص: 54

---

1- (1) اصول کافی، ج 1، ص 317، ح 15؛ بحارالانوار، ج 48، ص 280 و ج 49، ص 225.

2- (2) انوارالمشعشعین، ج 1، ص 205؛ گنجینه آثار قم، ج 2، ص 382؛ انجم فروزان، ص 59.



1. موضوع بسیار مهم، این است که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در دوران حیات پدرش کودکی 6 ساله بوده که پدر روانه زندان شد و 4 سال بعد که پدر به شهادت رسید، لباس عزا به تن حضرت بود. از طرف دیگر جو بسیار سنگین سیاسی و اجتماعی علیه خاندان نبوت و امامت، و آنگاه تبعید برادر به طوس، مجالی را برای ازدواج باقی نگذاشت و حتی شرایط بسیار عادی و ساده ای هم برای آنها فراهم نشد.

2. روحیه ولایت پذیری و مطیع ولایت بودن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و سایر فرزندان امام کاظم علیه السلام است، زیرا احکام و عقاید و اطاعت از ولایت در عمق جان آنها نفوذ کرده بود.

به بیان دیگر، شخصیتی مانند حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که در دامن امامت به دنیا می آید و در مکتب امامت پرورش و رشد می کند و خود مبلغ حدیث غدیر و ولایت است که اینها همه نشانه عظمت و بزرگی آن بزرگوار است، امکان ندارد خلاف وصیت پدر بزرگوارشان عمل کنند.

ص: 55



در عصر استبداد هارون، فعالیت فرهنگی امام رضا علیه السلام آغاز گردید، زیرا هارون به سبب خوفی که از عواقب شهادت امام کاظم علیه السلام داشت، چندان متعرض امام رضا علیه السلام نمی شد و حتی سعی می کرد خودش را از این جنایت تبرئه کند.

بعد از هارون، امین در دوران حکومت خود (193-198 ق.) گرفتار اختلافات داخلی شد و در این زمان، فرصتی برای آزار امام رضا علیه السلام پیدا نکرد، بنابراین فرصت خوبی برای فعالیت های فرهنگی امام رضا علیه السلام ایجاد شد. (1)

در زمان خلافت هارون و مأمون، ترجمه آثار علمی بیگانگان به اوج خود

ص: 57

رسید، زیرا مأمون می خواست در برابر مکتب اهل بیت علیهم السلام عرضه اندامی داشته باشد و بدین وسیله، مشتریان مکتب اهل بیت را کم کند و از فروغ آن بکاهد. (1)

امام رضا علیه السلام در این شرایط، انقلاب فکری عمیقی ایجاد کرد و جامعه را از سقوط در گرداب خطرناک انحراف و التقاط رهایی بخشید. همچنین پرده برداشت (2) و فضائل اهل بیت علیهم السلام را آشکار کرد.

حضرت معصومه علیها السلام نیز امام رضا علیه السلام را در این مسیر همراهی می فرمود. بانوی کرامت با برگزاری جلسات علمی متعدد، نقش بزرگی ایفا کردند؛ به گونه ای که سلسله سند و محتوای احادیث آن حضرت گویای چنین مجالسی است.

نکته مهم اینکه در خاندان عصمت و طهارت و امامت، فرزندان توسط خانواده آموزش داده می شدند و علوم الهی را از پدر، مادر و برادر فرا می گرفتند. در عصر موسوی نیز این سیره حسنه ادامه داشت و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از همان دوران کودکی به آموزش علوم دینی پرداخت. استعداد ذاتی، طهارت روح و برخورداری از استادان معصوم که به تعبیر قرآن کریم (وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ) 3 که از علوم الهی بهره وافی دارند آن حضرت را به مرحله ای والا از کمال علمی رساند.

ص: 58

---

1- (1) همان، ص 449.

2- (2) عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج 1، ص 294، ح 63.

در سال 199 ق. سپاه جلودی برای دستگیری محمد بن جعفر بن محمد عازم مدینه شد. جلودی دستور داشت محمد را به قتل برساند و خانه های آل ابوطالب را در مدینه غارت کند. وقتی سپاه او به در خانه امام کاظم علیه السلام رسید، امام رضا علیه السلام تمام زنان را در یک اتاق جمع کرد و جلوی در خانه ایستاد. جلودی گفت: من ناچار باید داخل خانه شده، لباس های زنان را بگیرم و غارت کنم. امام علیه السلام سوگند یاد فرمود که تمامی جامه های زنان را به او بدهد. آن حضرت پیوسته اصرار می کرد و مانع داخل شدن جلودی به خانه می شد. آنگاه امام علیه السلام تمام لباس ها حتی خلخال ها و گوشواره ها و آنچه را که در خانه بود به جلودی داد. (1)

یقیناً در این حادثه دردناک یکی از حاضران و شاهدان عینی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بوده است.

این حادثه یادآور هجوم دردناک به در خانه فاطمه زهرا علیها السلام و تداعی کننده دود و آتش و مسمار و میخ و سینه و پهلوی شکسته و بازوی کبود می باشد. (2)

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به مرحله ای از کمال علمی رسید که روزی جمعی از شیعیان وارد مدینه شدند و تعدادی پرسش در نامه ای نوشته، برای گرفتن پاسخ، روانه منزل امام کاظم علیه السلام شدند، اما در آن زمان، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در سفر بودند و امام رضا علیه السلام نیز در مدینه تشریف

ص: 59

---

1- (1) عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 161.

2- (2) نگارش این مطالب مصادف با ایام فاطمیه 1435 ق. می باشد.

نداشتند. هنگامی که آن گروه از مدینه قصد عزیمت داشتند از اینکه خدمت امام معصوم علیه السلام نرسیده بودند و دست خالی و بدون پاسخ به سؤالات علمی و دینی خویش به وطن بر می گشتند بسیار اندوهگین بودند.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که در آن ایام هنوز به سن بلوغ نرسیده بودند از مشاهده غم و اندوه آنان متأثر شده، پاسخ پرسش های آنان را نوشت و به آنها عنایت فرمود.

آنها نیز با گرفتن پاسخ سؤالات مدینه را با شادمانی ترک کردند. سپس در بیرون مدینه با امام کاظم علیه السلام مواجه شدند و واقعه را به اطلاع آن حضرت رساندند و دست حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را به امام علیه السلام ارائه دادند.

حضرت امام کاظم علیه السلام پس از مطالعه جواب سؤالات، شادی و ابتهاج و سرور و رضایت خود را با این جمله بیان فرمودند: «فداها ابوها؛ (1) پدرش به فدایش.»

بر این اساس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در عصر خویش از بانوان دانشمند، محدث و پارسا به شمار می آمده است. با وجود ناآرامی ها و ناملايمات فراوان، روایاتی که از آن بانوی مکرمه به دست ما رسیده در محور

ص: 60

---

1- (1) این مطلب را جناب حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر مهدی پور در کتاب کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص 63 از مرحوم مستنبط از کتاب «کشف اللثالی» نقل کرده اند که تا به حال به چاپ نرسیده است. گفته می شود نسخه ای از این کتاب در کتابخانه شوشتری های نجف موجود است.

اصول اعتقادی شیعه و تأکید بر ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و تثبیت جایگاه رفیع غدیر در فرهنگ تشیع است.

## نقل حدیث

### اشاره

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در حادثترین شرایط سیاسی و پرخفقان ترین دوره از ادوار ائمه علیهم السلام به سر می برده و دارای مقاماتی است که تا به امروز برای ما کشف نشده است. آنگونه که از کتب حدیثی استفاده می شود، ایشان دارای اجازه روایت بوده اند و در سلسله اسناد روایت، نام مبارکشان می درخشد.

البته ما جز چند حدیث، چیزی از آن حضرت نمی یابیم یا اگر احادیثی از آن بزرگوار نقل شده به علت فشار سیاسی و تحریم اندیشه شیعی، در کتب روایی ثبت نشده یا از بین رفته است.

به بیان دیگر، بانوی مجلله ای که مقام معنوی و علمی ایشان برکسی پوشیده نیست و از جمله نادره های بانوان جهان اسلام به شمار می آیند و ائمه علیهم السلام زیارتش را تأکید کرده اند، چگونه ممکن است از پدر و برادر امامش نقل حدیثی نداشته باشد.

مفاهیم روایات کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بر محور ولایت است و معانی زیر از آنها القاء می گردد.

1. وصایت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام.

2. تثبیت جایگاه غدیر در فرهنگ تشیع.

3. هشدار به جامعه از فراموشی روز غدیر خم.

4. موقعیت علی بن ابی طالب علیه السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله.

5. برابری دوستی خاندان عصمت و طهارت با شهادت در راه خدا.

در ادامه بحث به ذکر احادیثی می پردازیم که از بانوی کرامت نقل شده است.

### حدیث اول: یاد کرد غدیر خم

عن بکر بن احمد القصری، قال: حدّثنا فاطمه بنت علی بن موسی الرضا، قالت: حدّثنی فاطمه، زینب، ام کلثوم، بنات موسی بن جعفر الکاظم، قلن: ... عن فاطمه بنت النبی صلی الله علیه و آله عن النبی صلی الله علیه و آله یوم غدیر خم:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ؛ (1) هر که من رهبر و مولای او هستم، پس علی مولای اوست.»

### حدیث دوم: حماسه غدیر

قال شمس الدین ابوالخیر الجزریّ الدمشقی المقرئ الشافعی، فی کتابه «اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب»....

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به نقل از حضرت زهرا علیها السلام می فرماید:

أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ»

ص: 62



مَوْلَاهُ» وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ (1) آيا كلام رسول خدا صلى الله عليه وآله را در روز غدیر فراموش کردید که فرمود: هر کسی که من مولا و رهبر او هستم، علی نیز مولای اوست، و آيا فراموش کردید که به علی عليه السلام فرمود: يا علی، موقعیت تو نسبت به من، مانند هارون به موسی است.

### حدیث سوم: دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله

...عن فاطمه بنت موسى بن جعفر عليه السلام... عن فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه وآله قالت: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

«أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا؛ (2) آگاه باشید هر که بر دوستی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است.»

زمخشری مفسر اهل سنت این حدیث را در تفسیر خود ذیل آیه شریفه: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) 3 آورده است.

این روایت بلند و جامع، آذین بند ایوان طلای حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام است.

ص: 63

---

1- (1) اسنی المطالب، ص 49؛ الغدیر، علامه امینی، ج 1، صص 196-197. (دارالکتاب العربی بیروت، چاپ سوم، 1387 ق.).

2- (2) محمد رازی، آثار الحجّه، ج 1، صص 8-9؛ عوالم العلوم، ج 21، ص 354، ح 3.

... حدیثی فاطمه و زینب و ام کلثوم بنات موسی بن جعفر علیه السلام... عن فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله قالت:

فاطمه معصومه علیها السلام به سند روایت دوم از فاطمه زهرا علیها السلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

در شب معراج، داخل بهشت شدم، آنجا قصری دیدم از درّ میان خالی که دارای دری بود آراسته به درّ و یاقوت و بر آن در پرده ای آویخته بود، سرم را بلند کردم، دیدم بر در نوشته شده است:

«لا اله الا الله، مُحَمَّدٌ رَسولُ الله، عَلِيٌّ وَلِيُّ الله؛ خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد رسول خداست، و علی ولی و صاحب اختیار (رهبر) مردم است.»

بر پرده نوشته بود: «بَيْحٌ بَيْحٌ، مَنْ مِثْلُ شِيعَةِ عَلِيٍّ؛ به به، چه کسی مانند شیعه علی است؟»

داخل شدم، در آنجا قصری از عقیق سرخ میان تهی دیدم که دری از نقره داشت که به زبرجد زینت شده بود و بر آن در، پرده ای آویخته شده بود، سرم را بلند کردم، دیدم بر در نوشته شده است:

«مُحَمَّدٌ رَسولُ الله و عَلِيٌّ وَصِيٌّ الْمُصْطَفَى؛ محمد فرستاده خداست و علی وصی مصطفی است.»

و بر پرده نوشته شده بود:

«بشّر شیعه علیّ بطیب المولد...؛ بشارت بده شیعیان علی را به پاک سرشتی.»

داخل شدم، قصری از زیرجد سبز میان خالی دیدم که بهتر از آن ندیده بودم، این قصر دری از یاقوت سرخ داشت که با مروارید زینت داده شده بود و بر آن در، پرده ای آویخته شده بود، سرم را بلند کردم، دیدم بر پرده نوشته شده بود:

«شیعه علیّ هم الفائزون؛ شیعیان علی، همان رستگاران اند.»

گفتم: ای حبیبم، جبرئیل! این قصر از آن کیست؟ گفت: از آن پسر عمو و جانشین تو علی بن ابی طالب است و همه مردم در روز قیامت عریان و پابرنه محشور می شوند، جز شیعیان علی و همه مردم را به اسم مادرانشان صدا می زنند، مگر شیعیان علی که به اسم پدرانشان صدا زده می شوند.

گفتم: ای جبرئیل! چرا چنین خواهد بود؟ گفت: چون اینها علی را دوست می دارند، لذا پاک سرشت هستند. (1)

### حدیث پنجم: طهارت امام حسین علیه السلام

... حدّثنی الحسن بن یزید عن فاطمه بنت موسی عن عمر بن علی بن الحسین، عن فاطمه بنت الحسین علیه السلام عن اسماء بنت ابی بکر عن صفیه بنت عبدالمطلب قالت:

ص: 65

---

1- (1) ابو محمد جعفر بن احمد القمی، مسلسلات، ص 108؛ بحار الانوار، ج 68، صص 76-77.

لَمَّا سَقَطَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَكُنْتُ وَلِيَّتُهَا قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَمَّةُ هَلُمَّيْ إِلَى ابْنِي، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّا لَمُ نَنْظِفُهُ بَعْدُ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا عَمَّةُ أَنْتِ تَنْظِفِيْنَهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ نَظَّفَهُ وَطَهَّرَهُ؛ (1)

فاطمه معصومه عليها السلام از صفیه عمه پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می فرماید:

آنگاه که امام حسین علیه السلام از مادر متولد شد، من پرستاری کودک را به عهده داشتم، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عمه! فرزندم را برای من بیاور. گفتم یا رسول الله، ما او را پاک نکرده ایم. فرمود: ای عمه! تو می خواهی او را پاکیزه گردانی؟ همانا خداوند تبارک و تعالی او را پاکیزه گردانیده و مطهرش نموده است.

### عظمت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

توصیف مستقیم ائمه علیهم السلام نسبت به جایگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام روشن ترین برهان برای شناسایی مقام معنوی آن حضرت است. اندکی تأمل در شرح حال آن بانوی بزرگوار، راز عظمت و جاودانگی و تفضل و عنایات پروردگار را بر ما آشکار می سازد. طهارت و پارسایی آن حضرت، فروغ هدایت و جلوه حسنایی است که زینده ترین نقش انسانی را در نگارستان هستی با نسیم

ص: 66

---

1- (1) صدوق، الامالی، ص 117؛ بحار الانوار، ج 43، ص 243. (با کمی اختلاف در سند ولی متن روایت همین است.) و آنچه که مهم است منبع اول است که نام مبارک حضرت معصومه در سند ذکر شده و دو نسخه خطی از امالی در کتابخانه حضرت به همین سند موجود است.

روح بخش معنویت بهشتی هویدا کرده و کویر جامعه بشری را با شمیم دلنواز عشق و معرفت ولایی عطرآگین ساخته است.

معصومه آل طه علیها السلام یاس خوشبوی گلستان ولایت و امامت است؛ بانوی عظیم الشانی که تالی تلو معصوم علیه السلام و گنجینه بی نهایت الهی است و سرزمین قم به زلال قدسی حضورش روح معرفت و حیات طیبه یافته است.

روایت شده است که قم، جای پای جبرئیل و آن جایی است که آبی جوشیده که هر کس از آن آب بنوشد از بیماری در امان باشد و از آن آب، گلی سرشته شد که با آن شکل پرنده (1) (به دست عیسی مسیح علیه السلام) ساخته شد. همچنین آمده است که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از آن چشمه آب خورده و بدان موضع غسل فرموده اند و از همین مکان، قوچ ابراهیم علیه السلام و عصای موسی علیه السلام و انگشتری نوح علیه السلام بیرون آمده است. (2)

شخصیت معنوی هر کسی تا حدی وابسته به ایمان و تقوای پدر و مادر و محیط پرورش اوست و روحیات و اخلاق نیک والدین آینه تمام نمای فرزندان است.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در خاندان رسالت و امامت و ولایت دیده به جهان گشود و در حریم بهشتی چنین خانواده ای غنچه وجودش شکفت و

ص: 67

---

1- (1) سوره آل عمران، آیات 48-49 (اشاره به حکایت ساخت پرنده و پرواز دادن آن به اذن الهی و به دست حضرت عیسی علیه السلام است).

2- (2) تاریخ قم، چاپ آستانه مقدسه، صص 132-133؛ بحارالانوار، ج 57، ص 217، ح 47.

در پرتو تعلیم و تربیت معنوی پدر و مادر و برادر، مراحل رشد و تعالی ایمان را طی نمود؛ به گونه ای گفته می شود در میان فرزندان امام کاظم علیه السلام با آن همه کثرتشان بعد از امام رضا علیه السلام کسی همسنگ حضرت معصومه علیها السلام نبود. (1)

به فرموده شیخ عباس قمی رحمه الله:

و اما دختران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بر حسب آنچه به ما رسیده، افضل آنها سیده جلیله، معظمه فاطمه بنت موسی علیها السلام معروف به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که مزار شریفش در بلده قم است که دارای قبه عالیه و ضریح و صحن های متعدده و خدمه بسیار و موقوفات است و روشنی چشم اهل قم و ملاذ و معاذ عامه خلق است. (2)

مورخ شهیر عباسقلی خان سپهر در وصف آن حضرت، چنین بیان کرده است: ناموس خداوند عالمیان، عابده و زاهده متقیه عارفه کامله، مستوره مخدّره، معصومه فاطمه دختر حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را مقامی عالی و منزلتی متعالی و شأنی رفیع و مکانی منبع است که خداوندش عطا فرموده است... مزار کثیر الانوارش در مدینه المؤمنین قم است، و حرم محترمش ملجأ زائرین و تمام مسلمین و مؤمنین و محل اجابت دعوات، و بروز کرامات و خوارق عادات و درگاه عرض بنیانش مسکن عبّاد و موطن زهّاد است. (3)

ص: 68

---

1- (1) تواریخ النبی و الآل، ص 65.

2- (2) منتهی الآمال، ج 2، ص 430.

3- (3) ناسخ التواریخ، ج 7، ص 336.

از طرفی در هر عصری وجود اولاد حضرت زهرا علیها السلام در بین مردم، موجب حرکت، برکت و شکوفایی و پویایی بوده و هست.

امام خمینی رحمه الله در این باره فرموده اند:

«اکنون بحمدالله اولاد فاطمه زنده اند، در قم اولاد فاطمه هستند، در مشهد اولاد فاطمه هستند... تا اولاد فاطمه زنده اند اجازه نمی دهند که دشمنان به مقدّسات اسلام تجاوز کنند.»<sup>(1)</sup>

هستند چهارصد و چهل و چار از شرف مدفون به امر حقّ شده دُرّ در این صدف

اولاد مرتضی علی آن شاه «لو کشف» فرق مدان میان قم و کعبه و نجف

جان می دهند اهل خود در نثار قم<sup>(2)</sup>

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای دامت برکاته اهمیت شهر مقدس قم را آنقدر مهم می داند که از آن به عنوان ذخیره الهی و قبه الاسلام نام می برند.<sup>(3)</sup>

ایشان هویت شهر قم را که برگرد مرقد دختر موسی بن جعفر بنا شده

ص: 69

---

1- (1) صحیفه امام، ج 1، ص 164. (سخنرانی 1341/12/29، مسجد اعظم قم).

2- (2) قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص 32.

3- (3) حدیث ولایت، ج 3، ص 137.

است، (1) یادآور شده، با دقت نظر به وجود بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و عالمان و فقیهان در شهر مقدس قم و با اهمیت سنجی دقیق، ویژگی های شهر مقدس قم را این گونه تشریح می فرمایند:

در این شهر عزیز، سه نقطه برجسته در میان همه نقاط روشن، چشم را به خود جلب می کند: اول، حرم مطهر و مضجع شریف فاطمه معصومه علیها السلام است، آن بزرگواری که این سرچشمه جوشان و خروشان، نخستین بار از کنار مرقد او جوشید و برکاتش به همه عالم و به خصوص به دنیای اسلام رسید.... (2)

ص: 70

- 
- 1- (1) قم در اندیشه امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری، ص 104، از مجموعه آثار کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم.
- 2- (2) همان، ص 102.



اشاره

روایات زیادی از زبان ائمه علیهم السلام به توصیف قم پرداخته و مدح بسیار بالایی از شهر قم و اهل آن را بیان داشته است.

در واقع این احادیث، کاملاً با حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مرتبط می باشد و دلیل آن، مجموعه احادیثی است که بر خلقت انسان از خاک و بازگشت به همان خاک دلالت دارد.

در روایتی آمده است:

خداوند فرشته ای موکل بر هر مولودی خلق کرده است که به او «ملک الارحام» می گویند. وقتی بچه ای به دنیا می آید به او امر می شود که نقطه ای را که درون رحم مادر قرار دارد، با خاکی بیامیزد که مرگ او بر روی آن خواهد بود. انسان (در دنیا) هر کجا برود، آخر الامر به جایگاه برداشتن تربتش باز

می گردد و در آنجا می میرد. (1)

و آیه شریفه:

(قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ)؛ (2)

(بگو اگر در خانه هایتان هم باشید، حتماً آنهایی که کشته شدن برایشان مقرر گردیده بیرون خواهند آمد تا به مضاجع (آرامگاه و خوابگاه) خویش برسند).

در این حدیث به آیه شریفه استدلال شده و منظور از «مضجع» به صراحت روایت، همان محل اخذ تربت اولیه انسان است که بازگشت بدن نیز به همان مضجع و تربت قطعی است.

ابو بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم:

جانم به فدایت، فشار قبر چه می شود؟ فرمود: هیئات! بر مؤمن چیزی از فشار قبر نیست. به خدا سوگند! این زمین بر مؤمن افتخار می کند و می گوید: بر پشت من راه رفت و زمین می گوید: به درستی که من تو را دوست داشتم، آن هنگامی که بر پشت من راه می رفتی و اکنون به من سپرده شده ای، خواهی دید که چگونه با تو رفتار می کنم. او نگاه به اندازه دید چشم برایش گشایش می یابد و فرمود: وقتی مؤمن را به قبر می رسانند، بقعه های زمین به سوی او هجوم می آورند که همگی مثل باغ های سبز هستند و هر بقعه ای می گوید: خدایا! او را در دل من قرار بده. پس او را می آورند و در آنجایی قرار می دهند که

ص: 72

---

1- (1) لئالی الاخبار، ج 4، ص 245.

2- (2) سوره آل عمران، آیه 154.

قضای الهی بر آن تعلق گرفته و آن تربتی است که از همان خلق شده است. (1)

در این روایت به صراحت بیان شده که مدفن هر کسی، همان خاک و تربتی است که از آن خلق شده است. پس مدح و ثنای تربت و مدفن هر کسی در حقیقت، ستایش طینت و خاک سرشت اوست، لذا توصیف تربت مقدس قم، یعنی وصف و مدح سرشت پاک حضرت معصومه علیها السلام که جسم دنیایی اش از همان خاک خلق شده است.

### **خاک قم، آمیخته با ولایت اهل بیت علیهم السلام**

خاک قم و شهر قم در روایات معصومین در حدّ بسیار بالایی ستوده شده است؛ از جمله صفوان بن یحیی می گوید:

روزی در محضر ابوالحسن امام هفتم علیه السلام بودم که ذکر و یادی از قم و اهل قم و میل و اشتیاق آنها نسبت به حضرت مهدی علیه السلام شد. پس حضرت به آنها درود فرستاد و فرمود: خداوند سبحان از آنها راضی باشد. سپس فرمود: همانا برای بهشت، هشت در است و یکی از آن درها برای اهل قم است و آنها شیعیان برگزیده ما از بین سایر شهرها هستند. خداوند تعالی ولایت ما را با سرشت و طینت آنها عجین کرده است «خمرالله تعالی ولایتنا فی طینتهم». (2)

بحث عجین شدن طینت اهل قم با ولایت اهل بیت علیهم السلام در این روایت

ص: 73

---

1- (1) لئالی الاخبار، ج 5، ص 244.

2- (2) تاریخ قم، ص 146؛ بحار الانوار، ج 6، ص 216، ح 39؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص 39.

بیان و تأکید شده که اهل قم از شیعیان برگزیده اند و یک در بهشت مخصوص آنهاست.

در فضل او بس است که خلاق عالمیان یک دری ز بهشت خلد گشاید از این زمین

قم را نموده مدفن اخیار مؤمنین از لطف حق شرافت این خاک را ببین

بوی بهشت می وزد از مرغزار قم هر ذره اش به چشم چه کحل الجواهر است (1)

### تقدیس خاک قم و آموزش اهل آن

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«خاک قم، مقدس است و اهل قم از ما اهل بیت علیهم السلام و ما از اهل قم هستیم. و هیچ جبار و ستم کاری قصد بدی به آنها ننماید، مگر آنکه به زودی در آتش جهنم معذب و معاقب می شود.» (2)

ابن بابویه قمی در فضیلت قم و اهل قم روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل کرده که مردی خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد:

یابن رسول الله من می خواهم از شما مسئله ای را بپرسم که کسی قبل از من نپرسیده و بعد از من نیز نخواهد پرسید. امام علیه السلام فرمود: شاید قصد داری

ص: 74

---

1- (1) انوار المشعشعین، ج 1، ص 375.

2- (2) بحار الانوار، ج 6، ص 218، ح 49؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص 51.

از حشر و نشر پرسی؟ عرض کردم بله، قسم به او که محمد صلی الله علیه و آله را حقاً بشیر و نذیر مبعوث کرد، سؤال من غیر از این چیزی نیست. حضرت فرمود: مکان حشر همه مردم، بیت المقدس است، مگر قطعه ای از سرزمین جبل که به آن قم می گویند. آنها (یعنی اهل قم) در قبرهایشان محاسبه می شوند و از آنجا محشور شده، به بهشت می روند. سپس فرمود: اهل قم آمرزیده شده اند.

راوی می گوید: آن مرد از جای خود برخاست و به روی دو پا ایستاد و گفت: یابن رسول الله این مخصوص و ویژه اهل قم است؟ حضرت فرمود: بله و هر کس که مثل آنان بگوید. (به ولایت علی علیه السلام و اولاد او عقیده داشته باشد). (1)

روزی که حشر و نشر و قیامت به پا شود ایمان و کفر و نیک از هم جدا شود

بهر حساب خلق، چه میزان به پا شود بر اهل قم محاسبه ی در قبرها شود

خرم کسی که دفن شود در مزار قم (2)

### قم دارالمؤمنین

ابومسلم عبدی از امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود:

ص: 75

---

1- (1) بحار الانوار، ج 6، ص 218، ح 48؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص 49.

2- (2) قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص 49.

خاک قم مقدس است و اهل قم از ما اهل بیت هستند و ما از آنها ایم و هیچ جبار و ظالمی به آنها ظلم و بدی نکند مگر اینکه خداوند متعال در عقوبت و کیفر آنان تعجیل نماید. (این تعجیل عقوبت تا زمانی است) که اهل قم نسبت به برادران خود خیانت نکنند، و اگر چنین کنند خداوند، ظالمان را بر آنها مسلط می گرداند، اما اهل قم، انصار قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف و دعوت کنندگان حق ما هستند.

سپس حضرت علیه السلام سرش را به آسمان بلند کرد و فرمود: خدا آنها را از هر آفتی نگهدار و از هر هلاکتی نجاتشان بده. (1)

### قم باب الجنه

انس بن مالک می گوید: روزی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودم، وقتی که علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابوالحسن به سوی من بیا، سپس وی (علی علیه السلام) را بغل گرفت و دست به گردن او انداخت و میان دو چشمش را بوسید، آنگاه حضرت فرمود: ای علی! همانا خداوند ولایت تو را به آسمان ها عرضه نمود. آسمان هفتم برای پذیرش ولایت تو سبقت گرفت، پس خداوند آن را بر عرش زینت بخشید. سپس آسمان چهارم پیشی گرفت و خداوند آن را با «بیت المعمور» زینت بخشید. سپس آسمان دنیا سبقت گرفت، خداوند آن را به ستارگان آذین کرد. سپس ولایت تو را به

ص: 76

زمینی ها عرضه کرد، پس مکه برای پذیرش آن پیشی گرفت و خداوند آن را با کعبه زینت بخشید. بعد مدینه سبقت گرفت و خداوند آن را به واسطه من زینت بخشید، بعد از آن کوفه پیشی گرفت و خداوند آن را به واسطه تو زینت داد. بعد قم برای پذیرش ولایت تو پیش قدم شد و خداوند آن را به واسطه عرب (اشعریها) زینت بخشید و دری از درهای بهشت را به سوی آن باز کرد. (1)

### حجت بودن قم و اهل آن بر مردم

علی بن میمون صانع از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان فرمود:

خداوند با مردم کوفه بر سایر شهرها احتجاج می کند و با مؤمنان اهل کوفه بر مؤمنین اهالی سایر شهرها احتجاج می کند و با شهر قم بر سایر شهرها و با اهل قم بر تمام اهل مشرق و مغرب از جنّ و انس احتجاج می کند. خداوند «قم» و اهل قم را مستضعف قرار نمی دهد (ولایت پذیر هستند) بلکه آنها را موفق داشته، تأیید می کند.

راوی می گوید: سپس امام علیه السلام فرمود: همانا دین و اهل دین خوارند، اگر چنین نبود، مردم به سوی قم هجوم می آوردند و در نتیجه قم خراب می شد. و اهل قم باطل می شدند و دیگر بر سایر شهرها حجت و برهان نبودند. و زمانی که چنین می شد (اگر این اتفاق می افتاد) آسمان و زمین استقرار نداشتند و

ص: 77

حتی به اندازه یک چشم بر هم زدن مهلت داده نمی شدند؛ همانا بلاها و گرفتاری ها از قم و اهلش دفع شده است.

به زودی قم و اهل قم بر همه آفریدگان حجت خواهند شد و این در زمان غیبت قائم علیه السلام ماست تا ظهور آن حضرت علیه السلام و اگر این نبود، زمین اهلش را فرو می برد و به راستی ملائکه بلاها را از قم و اهلش دفع می کنند و هیچ جباری (ظالمی) نیت بد به قم نمی کند، جزء اینکه در هم شکننده ای از جباران (قاصم الجبارین) او را در هم می شکنند و ظالم را با بلای سخت یا مصیبت یا دشمن، از بلا رساندن به قم باز می دارد و خداوند قم و اهلش را از خاطرشان (ظالمان) می برد؛ چنانکه آنان خدا را از یاد برده اند. (1)

### قم معدن علم

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمود:

به زودی کوفه از مؤمنین خالی می شود و علم و دانش نهران می گردد؛ همان گونه که مار در لانه خود پنهان می شود. سپس علم در شهری که به آن قم می گویند ظاهر می شود و آنجا معدن علم و فضیلت می گردد. حتی در زمین، مستضعف در دین باقی نمی ماند، حتی زنان پرده نشین، و این نزدیک ظهور قائم ماست. پس خداوند قم و اهلش را قائم مقام حجت قرار می دهد. و اگر این گونه نبود،

ص: 78



زمین اهل خودش را فرو می برد و در زمین برهان و حجتی باقی نمی ماند و علم از قم به سایر کشورهای مشرق و مغرب منتشر و سرازیر می گردد، پس حجت خدا بر همه مردم تمام می شود تا در زمین کسی که علم و دین به او نرسد باقی نماند.

سپس حضرت قائم علیه السلام ظهور خواهد کرد، و آن حضرت سبب عذاب و عقوبت خداوند بر بندگان خواهد شد، زیرا خداوند از بندگانش انتقام نمی گیرد، مگر بعد از انکار حجت او. (1)

به هر حال، ورود حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم و این روایات، بیانگر آن است که قم در پیشگاه اهل بیت علیهم السلام از جایگاه مهمی برخوردار بوده، اهل بیت علیهم السلام عنایات خاص و ممتازی به قم داشته اند و می خواستند قم از نظر علمی و اجتماعی و فرهنگی، پایگاه مذهب تشیع شود. با تشکیل حوزه علمیه - چنانکه از همان قرن دوم و سوم شروع شد - مکتب تشیع رونق و گسترش پیدا کرد.

چنانچه از این روایت فهمیده می شود، امامان علیهم السلام در حقیقت بنیان گذار حوزه علمیه در قم توسط شاگردانشان بوده اند؛ همانگونه که تشویق های آنها و اشاراتشان به پیدایش حوزه علمیه در قم، بلکه تصریح آنها به این موضوع، گواهی صادق بر این مطلب است.

ص: 79

---

1- (1) تاریخ قم، ص 140؛ بحارالانوار، ج 60، ص 213، ح 23؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، صص 25-26.

## اهل قم یاران ما (اهل بیت علیهم السلام) و قم کاشانه آل محمد صلی الله علیه و آله

زراره از امام صادق علیه السلام روایت می کند که حضرت فرمود:

«اهل خراسان پرچم های برافراشته ما، اهل قم یاران ما، و اهل کوفه استوارکنندگان مکتب ما هستند و اهل این مناطق از ما هستند و ما نیز از آنان هستیم.»<sup>(1)</sup>

حضرت عبدالعظیم حسنی نیز با واسطه از امام کاظم علیه السلام روایت می کند که حضرت علیه السلام فرمود:

«قم کاشانه آل محمد صلی الله علیه و آله و مأوا (پناهگاه) شیعیان آنهاست.»<sup>(2)</sup>

امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام نقل می فرماید که آن حضرت فرمود:

هرگاه گرفتاری و سختی (بلا و رنج) به شما رسید به قم پناه برید، پس همانا قم پناهگاه فرزندان فاطمه و آسایشگاه مؤمنان است؛ «فعلیکم بقم، فانه مأوی الفاطمیین»<sup>(3)</sup> و زمانی برسد که دوستان ما از ما فرار کنند و از ما دور شوند و این کار به صلاح آنان است، تا به دوستی ما شناخته نشوند، و با این عمل، خون و مالشان محفوظ می ماند و هیچ کس قصد سوء به قم و مردم قم نکند، جز آنکه خدا او را ذلیل و از رحمت خود دور کند.

ص: 80

- 
- 1- (1) تاریخ قم، ص 143؛ بحارالانوار، ج 60، ص 214؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص 30.
  - 2- (2) تاریخ قم، ص 143؛ بحارالانوار، همان، ح 31؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص 31.
  - 3- (3) تاریخ قم، صص 143-144؛ بحارالانوار، ج 6، ص 215، ح 32.

هستند چهارصد و چهل و چار از شرف مدفون به امر حق شده در این صدف

اولاد مرتضی علی آن شاه «لو کُشِف» فرق مدان میان قم و کعبه و نجف

جان می دهند اهل خود در نثار قم (1)

سلیمان بن صالح می گوید: روزی پیش امام صادق علیه السلام بودیم که از فتنه بنی عباس و از آنچه از آنها به مردم می رسد، یاد شد. پس گفتیم فدایت گردیم، هنگام این فتنه، پناهگاه و محل فرار کجاست؟ حضرت فرمود: به کوفه و حوالی آن و به قم و نواحی آن. سپس حضرت فرمود: در قم پیروان ما و دوستان ما می باشند و آبادی در آن بسیار می شود و مردم به طرف قم روی می آورند و در آن اجتماع می نمایند تا جَمَر (رودخانه جمر) وسط شهر قرار می گیرد. (2)

### اهل قم یاران امام زمان علیه السلام و خواستگاه انقلاب

عفان یا عثمان بصری از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

آیا می دانی چرا قم را قم می نامند؟ [عرض کردم: خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و شما آگاه تر هستید، فرمود: به آن قم می گویند:] چون

ص: 81

---

1- (1) قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص 32.

2- (2) بحار الانوار، ج 60، ص 215، ح 35.

اهل قم، با قائم آل محمد صلی الله علیه و آله اجتماع می کنند و با او قیام می کنند و بر فرمانبرداری آن حضرت استوار هستند و او را یاری می کنند. (1)

از امام موسی کاظم علیه السلام نیز روایت شده که فرمودند:

مردی از اهل قم به حق دعوت می کند [و مردم دور او مانند براده های آهن، جمع می شوند و تندبادهای حوادث آنها را نمی لرزاند و از جنگ، خسته و ملول نمی شوند. [ترس به دل راه نمی دهند] و به خدا توکل می کنند و عاقبت از آن پرهیزکاران است. (2)

### قم حرم اهل بیت علیهم السلام و سلام خدا بر اهل قم

روایت شده که گروهی از اهل ری خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند و گفتند: ما اهل ری هستیم، حضرت فرمودند: مرحبا (خوشا به حال) برادران ما از اهل قم، گفتند: ما اهل ری هستیم، حضرت دوباره جمله اول را تکرار فرمود. آنها چندین مرتبه کلام خود را تکرار کردند و امام علیه السلام جواب آنها را مثل بار اول دادند. سپس فرمودند:

إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَإِنَّ لِرَسُولِهِ حَرَمًا وَالمَدِينَةَ وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلَدَةُ قَمٍّ وَسِتْدَفْنُ فِيهَا أُمَّرَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تَسْمَى فَاطِمَةَ، فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛ هَمَانَا

ص: 82

---

1- (1) تاریخ قم، ص 146؛ بحار الانوار، ج 60، ص 216، ح 38.

2- (2) بحار الانوار، همان، ح 37.

برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مدینه است، برای امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه است، و برای ما اهل بیت علیهم السلام حرمی است و آن شهر قم است. و به زودی در آنجا زنی (دختری) از اولاد من به نام فاطمه دفن می شود پس هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود. (1)

همچنین از ائمه علیهم السلام روایت شده است: «اگر قمی ها نبودند دین ضایع می شد.» (2)

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا فرشته ای با بال های گشوده خود بر فراز قم مسلط است، هیچ ظلم و ستم گری قصد بد به قم نمی کند، مگر آنکه خداوند او را ذوب کند مانند ذوب کردن نمک در آب. سپس اشاره فرمود به عیسی بن عبدالله و فرمود: «سلام الله علی اهل قم...؛ سلام خدا بر اهل قم.»

خدا شهر آنها را از باران رحمت سیراب می کند، و بر آنها برکات نازل می کند و گناه هایشان را به نیکی تبدیل می کند، آنها اهل رکوع و سجود، و قیام و قعودند و آنان فقیهان و عالمان و اهل فهم و درایت هستند و خوب عبادت می کنند. (3)

ص: 83

---

1- (1) همان، ص 216، ح 41.

2- (2) همان، ح 43.

3- (3) همان، ح 46.

روزی که ظلم در همه جا باب می شود رحم از میان خلق چه نایاب می شود

روی زمین چه کوره سیان می شود ظلم به دست قم چه نمک آب می شود

گردنکشان چه بهره ندارند از دیار قم<sup>(1)</sup>

علاوه بر صفات اسلامی، اخلاقی، اعتقادی و دینی، موضوع پذیرش ولایت امامان علیهم السلام و مذهب حقه و دفاع جدی مردم قم از ولایت و تشیع و تأسیس حوزه علمیه، بیانگر وظیفه شناسی آنها در گسترش مذهب و حکومت صالحان بوده است؛ چنانکه تاریخ اهل قم و تشیع آنها از قرن دوم و سوم تا قرن حاضر، گواهی صادق بر این مطلب است.

در روایتی امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می فرماید: هنگامی که به معراج می رفتم، نظرم بر بقعه ای از بقاع زمین افتاد که بسیار سبز و خرم بود و زمین و خاک آن نیکوتر از زعفران و خوش بوتر از مشک بود.

پس ناگاه در آن موضع پیرمردی را دیدم برنسی (کلاهی) بر سر دارد. از جبرئیل سؤال کردم اسم این سرزمین چیست و منزل و مأوای کدام قوم است؟

جبرئیل گفت: این بقعه از سرزمین هایی است که محل زندگی شیعه وصی و پسر عمویت علی بن ابی طالب است. آنگاه از جبرئیل پرسیدم، این پیر ماندگار در آن کیست؟

ص: 84

---

1- (1) قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص 45.

پاسخ داد: ابلیس است و او می خواهد این قوم را از ولایت وصیّ تو برگرداند و گمراه نموده، به فسق و فجور ترغیب کند.

از جبرئیل خواستم مرا نزدیک او ببرد. او نیز به کمتر از درخشیدن برق مرا نزدیک او آورد. پس به او خطاب کردم برخیز ای ملعون! و از این موضع دور شو و در طایفه بی دین برو و با زنان و اموال ایشان مشارکت کن، که اهل این سرزمین، شیعه من و شیعه وصی و پسر عمویم علی بن ابی طالب علیه السلام هستند. «از این رو آن مکان قم نامیده شد.»<sup>(1)</sup>

نور محمدی چو به معراج در رسید ابلیس را به بقعه قم با سپاه دید

زد بانگ احمدی که بشو دور ای پلید این سرزمین بهشت نه جای تو و مرید

اخرج تو ای لعین و پلید و تباهاکار<sup>(2)</sup>

بر این اساس، قدمت سرزمین قم به قدمت معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. در روایت فوق اشاره شده که آن شب بود که سرزمین قم، حیات یافت و در کلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود که وجودش به تحقق پیوست. پس از آن بود که افتخار یافت نامش بر زبان ائمه علیهم السلام جاری شود و مردمانش مورد مدح و ثنای آل رسول قرار گیرند.

ص: 85

---

1- (1) بحار الانوار، ج 60، ص 218، ح 48.

2- (2) ر. ک: حضرت معصومه فاطمه دوم، ص 38.

این سرزمین گرم و خشک که نیمی از آب آن املاح و نمک است، این طراوت و فضائل از کجا به او بخشیده شده است؟ بی شک، هویت مذهب شیعی خودش را پس از ورود گوهر تابناکی از آسمان ولایت آغاز نمود. به بیان دیگر، پایان عمر مبارک حضرت فاطمه معصومه علیها السلام آغازی برای حیات معنوی این شهر بافضیلت شد و پس از آن بود که بر قبر مبارکش گنبد و بارگاه نشانند و عاشقان ولایت و امامت به گرد وجودش حلقه زدند و به یمن وجودش حوزه علمیه ای تأسیس شد که هزار عالم در دامن خود پرورش داد و مکتب توحیدی را با آنان پاسداری نمود.

قم، امروزه میزبان هزاران بلکه میلیون ها عاشقی است که رنج سفر بر جان خریده، خود را بر دریای کرم و شفاعت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می رسانند تا جرعه ای از آن بنوشند و قلوب خود را از انوار معنوی اش روشن نمایند.

در واقع نام قم، با نام حضرت معصومه علیها السلام عجین شده است و هویت قم، یعنی حضرت معصومه علیها السلام، بنت موسی بن جعفر علیه السلام و اخت الرضا علیه السلام یعنی مدینه اهل البیت علیهم السلام.

به راستی در عصر حاضر، انقلاب اسلامی از اینجا شکل گرفت و 15 خرداد و 19 دی از اینجا بود که آن شب های ظلمانی را به نور انقلاب منور ساخت و دل های خفته و چشمان خواب آلود را بیدار کرد و خلاصه از اینجا بود که انقلاب، آب حیات یافت؛ همان گونه که در حدیث آمده است:



«رجل من اهل قم يدعو الناس الى الحق، يجتمع معه قوم كزبر الحديد لا تزلهم الرياح العواصف، ولا يملون من الحرب، ولا يجبنون و على الله يتوكلون و العاقبه للمتقين».(1)

حتی نوجوانی که اهل اینجا بود در دفاع از وطن، نارنجک به کمر بست و به زیر تانک رفت.

از اینجاست که علوم و معارف اسلامی به سرتاسر جهان منتشر می شود و فرهنگ غنی و دینی احیا می گردد؛ چرا که فرمود: «لولا القمیون لضاع الدین».(2)

سرزمینی که به واسطه نامساعد بودن آب و هوا، سکونت در آن مشکل بود، اکنون موطن عاشقان امامت و تشنگان علوم و معارف اسلامی است که از سرتاسر جهان به آن روی آورده، در آن سکنا گزیده اند.

بدین ترتیب، قم «عش آل محمد و مأوی فاطمیان»(3) گشته است و کلام امام صادق علیه السلام به تحقق پیوست؛ آنگاه که فرمود:

به زودی کوفه از مؤمنان خالی می شود و علم از آن جمع می گردد؛ همانند ماری که در لانه اش جمع می شود، پس علم و دانش در شهری که به آن «قم» می گویند ظاهر می شود و آنجا مرکز علم و فضیلت می شود.(4)

ص: 87

---

1- (1) بحار الانوار، ج 6، ص 216، ح 37.

2- (2) همان، ج 60، ص 217، ح 43.

3- (3) همان، ص 214، ح 31.

4- (4) همان، ص 213، ح 23.



حضرت فاطمه معصومه علیها السلام پرورش یافته دامن عصمت و طهارت است. آن حضرت از سرچشمه نور سیراب شده و بی شک، کلام و سیره اش ما را به چشمه نور خواهد رساند.

آن حضرت یک الگوست؛ الگویی که به کمال رسید و اگرچه معصوم نبود، اما به عصمت رسید؛ آنچنان که معصوم علیه السلام به ما آموخت در دامانش پناه گیریم و از او شفاعت بطلبیم: «یا فاطمه اشفعی لی فی الجنه»<sup>(1)</sup>.

فاطمه معصومه علیها السلام بعد از فاطمه زهرا علیها السلام دومین زنی است که به نصّ اهل بیت علیهم السلام به مقام شفاعت نائل می شود. الگوی زن مسلمانی که عصمت خدادادی ندارد، حضرت معصومه علیها السلام است؛ بانوی کرامت و شفاعتی که

ص: 89

---

1- (1) فرازی از زیارت نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام؛ بحار الانوار، ج 102، ص 265، ح 4.

امام صادق علیه السلام حریمش را حرم خود می داند. (1)

زن مسلمان باید هویت خود را در سیره کسانی چون این بانوی بزرگوار بجوید که نه تنها در پستوی خانه منزوی نبود، بلکه در بیرون خانه و در جامعه ای غیر از جامعه حجاز حرکتی کرد که برای همیشه در تاریخ زنده ماند.

### معصومه علیها السلام

مقام عصمت، خاص چهارده معصوم پاک علیهم السلام است، ولی آیا عصمت عام محقق است و برای غیر معصوم ممکن است یا خیر؟ در جواب این پرسش باید گفت بله، عصمت برای عموم، امری ممکن است و برای اثبات آن دلانلی وجود دارد:

1. امکان ذاتی: بحث امکان ذاتی این است که هیچ دلیلی برای محال بودن و امتناع آن برای انسان وجود ندارد.

2. عموم قرآن: در قرآن مجید آیاتی وجود دارد که عموم افراد را به کسب عصمت و عالی ترین درجه تقوا تشویق می کند؛ از جمله این آیات:

الف) (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا)؛ (2)

(ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا ترس و پرهیزگار شوید خدا به شما فرقان می بخشد).

ص: 90

---

1- (1) همان، ج 60، ص 216، ح 41.

2- (2) سوره انفال، آیه 29.

این آیه از یک سو، مردم را امر به تقوا می کند و از سوی دیگر پاداش تقوا را کسب فرقان برمی شمارد.

اگر تقوا امری غیر ممکن بود خداوند به آن امر نمی کرد و اگر کسب فرقان ممکن نبود خدا به آن وعده نمی داد؛ لذا می توان گفت کسب تقوا و فرقان که با تلاش در راه فرمانبرداری از امر خدا و اطاعت از عترت حاصل می شود، همان عصمت عملی است و راهش برای همه باز است و اگر کسب آن ممکن نبود خداوند به آن امر نمی کرد.

(ب) (فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)؛ (1)

(پس کسی که از راهنمایی من پیروی کند هرگز (در دنیا و آخرت) بیمناک و اندوهگین نخواهد شد).

این آیه با کلمه «مَنْ» شروع شده و همه مردم را شامل می شود، پس هر کسی با اطاعت از قرآن و راهنمایان الهی می تواند به مرحله عالی تقوا و عصمت عملی برسد و در مقابل، خداوند برای اطاعت، پاداش آرامش و رفع غم و خوف را وعده می دهد که مربوط به آخرت است.

حالا می پرسیم چه کسی از غم و خوف آخرت در امان است؟ پاسخ این است که مسلماً کسانی که از هادیان الهی اطاعت محض کنند به آرامش می رسند، پس وعده خدا بر عدم خوف و غم در آخرت شامل آنها می شود و این، همان عصمت عملی است پس کسب تقوای عالی یا عصمت عملی ممکن است.

ص: 91

---

1- (1) سوره بقره، آیه 38.

ج) (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ)؛ (1)

و آنان که در راه ما (با خلوص نیت) به جان و مال، جهد و کوشش می کنند محققاً آنها را به راه خویش هدایت می کنیم و خدا همیشه یار نیکوکاران است).

در این آیه تعبیر (جاهدوا فینا) وسیع و مطلق است و هرگونه جهاد و تلاشی را که در راه خدا و برای او صورت گیرد، شامل می شود؛ خواه از طریق کسب معرفت باشد یا جهاد با نفس یا مبارزه با دشمن یا صبر بر طاعت یا شکیبایی در برابر وسوسه معصیت یا در مسیر کمک به افراد مستضعف یا انجام هر کار نیک دیگر.

در واقع، کسانی که در این راه ها به هر شکل و به هر صورت برای خدا مجاهده کنند، مشمول حمایت و هدایت الهی هستند و خداوند به مجاهدان راهش وعده پیروزی و موفقیت را در برابر جهاد و اخلاص داده است.

کلمه «الذین» در این آیه، همه انسان ها را شامل می شود و راه رسیدن به شاهراه هدایت و عصمت را جهاد و تلاش پیگیر با نیت خالص معرفی می کند. پس کسی که به راه خدا متصل شد از گناهان دوری می کند، چون هدایت الهی همیشه شامل حال اوست و در نهایت به تقوای عالیه و عصمت عملی می رسد.

3. عصمت دارای ابعاد مختلف و مراتبی متفاوت است و بالاترین مرتبه آن را انحصاراً چهارده معصوم علیهم السلام دارند و مراتب پایین تر را دیگران مثل

ص: 92

پیامبران، فرشتگان و امامزادگان دارا هستند. از جمله کسانی که در این راه قدم برداشته و بدان دست یافته اند، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دختر موسی بن جعفر علیه السلام است که به دلیل طاعت و بندگی مخلصانه خداوند و اطاعت و پیروی کامل از رهروان راه هدایت و وراستگی به درجه ای والا از تقوا و طهارت روحی رسید و از گناهان و رذایل اخلاقی دور ماند و جان خویش را به ذلال کوثر طراوت بخشید.

او پرورش یافته مکتب ائمه اطهار علیهم السلام است که عام و خاص، او را به عنوان معصومه شناخته اند.

در زیارت نامه دوم آن حضرت چنین آمده است: «السلام علیک ایّتها الطاهره الحمیده البرّه الرّشیده التّقیّه النّقیّه»<sup>(1)</sup> سلام بر تو ای بانوی پاک و ستایش شده و نیکوکار و هدایت شده و پرهیزکار هدایت شده.»

با توجه به اینکه نام آن حضرت، فاطمه است و امام علیه السلام هرگز در مورد وصف شخصی مبالغه نمی کند می توان مقام عصمت را برای حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ثابت کرد.

از طرفی مقام شفاعت برای حضرت، نشانگر این است که وی معصوم است، زیرا کسی که در اثر گناه و عصیان، نیازمند به شفیع است نمی تواند دیگران را شفاعت کند. از زبان امام رئوف ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام در زیارت نامه خواهرش آمده است:

ص: 93

---

1- (1) انوار المشعشعین، ج 2، ص 285.

«یا فاطمه اشفعی لی فی الجنه» (1).

همچنین در ادامه زیارت نامه آمده:

«فان لك عندالله شأناً من الشأن» (2) یعنی حضرت فاطمه معصومه در درگاه الهی مقام ویژه و بزرگی دارد و او واسطه و طریق بهشت است.

از آنجا که حضرت معصومه علیها السلام به عالی ترین مراحل قرب الهی دست یافته، امام معصوم علیه السلام مقام او را ارج گذاشته، از ایشان به بزرگی و عظمت یاد می نماید.

به راستی که صفت «الرشیده» (3) برازنده وجود نورانی آن بانوی عظیم الشأن می باشد که سرای قلبش را به نور ایمان زیور بخشیده و از آرایش به تیرگی غفلت و گمراهی مبرا شده و به گونه ای رشد معنوی پیدا کرده که مصداق بارز این آیه شریفه:

﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾؛ (4)

و لکن خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل هایتان زینت بخشیده، و کفر و فسق و گناه را منفور شما قرار داده است. اینها هدایت یافته و دارای رشد می باشند.

ص: 94

---

1- (1) بحار الانوار، ج 102، ص 267.

2- (2) همان.

3- (3) از القاب حضرت در زیارت نامه دوم (انوار المشعشعین، ج 2، ص 285).

4- (4) سوره حجرات، آیه 7.



به همین سبب، منتسب است که امام رضا علیه السلام به ایشان لقب معصومه را داد و فرمود:

«مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمِّ كَمَنْ زَارَنِي؛ (1) هر کسی حضرت معصومه علیها السلام را در قم زیارت کند همانند کسی است که مرا زیارت کرده است.»

درباره لقب معصومه که برای آن حضرت به کار رفته، رؤیای صادقه ای نیز در کتاب دارالسلام نقل شده است:

در بغداد، مردی نصرانی به نام یعقوب زندگی می کرد که به بیماری استسقاء دچار شده بود. او هر قدر به پزشکان مراجعه می کرد نتیجه نمی گرفت تا اینکه مرضش کاملاً شدت پیدا کرد و او را از پا انداخت.

مرد نصرانی می گفت: در آن روزها همه اش از خدا می خواستم یا شفایم بدهد یا با مرگ از مرض رهایی ام ببخشد. او می گوید: شبی روی تخت خوابیده بودم، در عالم رؤیا آقایی بلند قد و بسیار نورانی را دیدم که در کنار بسترم حاضر است و تخت مرا حرکت داد و فرمود: «اگر می خواهی از این بیماری شفا پیدا کنی، راهش این است که به شهر کاظمین رفته کاظمین را زیارت کنی.»

مرد نصرانی می گوید: وقتی از خواب بیدار شدم، رؤیای خود را برای مادرم که در کنارم بود نقل کردم. مادرم گفت: این خواب، شیطانی است، سپس رفت و صلیب و کمر بند آورد و به گردنم آویخت.

ص: 95

من دوباره به خواب رفتم و در عالم رؤیا بانوی مجلّه ای را دیدم که سرتاسر بدنش پوشیده بود، تخت مرا حرکت داد و فرمود: برخیز که صبح صادق طلوع کرده است، مگر پدرم به تو نگفت به زیارتش مشرف بشوی و شفا پیدا کنی؟

پرسیدم: پدر شما کیست؟ فرمود: امام موسی بن جعفر علیه السلام است. پرسیدم: شما کیستید؟ فرمود: «أنا المعصومه اخت الرضا علیه السلام؛ من معصومه خواهر امام رضا علیه السلام هستم.»<sup>(1)</sup>

### مقدمه ای بر بحث شفاعت

در عرصه قیامت، کسی نیست جز اینکه نیازمند شفاعت است یا برای ترفیع درجه یا ورود به بهشت، یا تعجیل حساب، یا از میان رفتن ترس و هول صحنه محشر، یا تخفیف و برداشتن عذاب، یا خروج از آتش پس از آنکه مدتی در آن قرار داشت.

گروهی پندارهای غلطی از شفاعت دارند و آن را بی شباهت به رابطه بازی های دنیا نمی دانند؛ در حالی که شفاعت از ارکان عقاید همه فرق اسلامی از اهل سنت و شیعه می باشد و از نظر منطق اسلام، یک کلاس عالی تربیتی است.

شفاعت، نور امید برای کسانی است که راه حق را با تلاش و کوشش

ص: 96

---

1- (1) وسیله المعصومیه، ص 36، به نقل از دارالسلام، ج 2، ص 169.

می پیمایند، ولی گاهی گرفتار کمبودها و لغزش هایی می شوند و این لغزش ها ممکن است گرد و غبار ناامیدی بر دل هایشان بپاشد. در اینجاست که شفاعت، همچون نیروی محرک به سراغ آنها می آید و می گوید: مایوس نشوید و راه حق را همچنان ادامه دهید و دست از تلاش و کوشش در این راه برندارید. اگر لغزشی از شما سرزده شفیعانی وجود دارند که به اجازه خداوند رحمان که رحمت عامش همگان را فرا گرفته، از شما شفاعت می کنند.

شفاعت، دعوت به تبلی یا فرار از زیر بار مسئولیت یا چراغ سبز در برابر ارتکاب گناه نیست؛ بلکه حقیقت شفاعت، دعوت به استقامت در راه حق و کاستن از گناه تا حد امکان است.

مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله در این باره چنین فرموده اند:

اگر انسان بخواهد به کمال یا خیر مادی یا معنوی برسد، که از نظر معیارهای اجتماعی آمادگی و ابزار آن را ندارد و جامعه، وی را لایق آن خیر و کمال نمی داند، یا بخواهد از خود شرّی را دفع کند؛ آن هم شرّی که بر اثر مخالفت، متوجه او می شود و از سوی دیگر قادر بر امثال تکلیف و ادای وظیفه نیست، در اینجا به شفاعت متوسّل می شود.

به دیگر سخن، اگر بخواهد به پاداشی برسد که اسباب آن را فراهم نکرده یا از کیفر مخالفت تکلیف خلاص شود بدون اینکه تکلیف را انجام بدهد، در اینجا متوسّل به شفاعت می شود.<sup>(1)</sup>

ص: 97

از سوی دیگر، شفاعت، مایه امید نجات و بازگشت به کارهای شایسته و روزنه ای برای دگرگون سازی سرنوشت زندگانی دنیوی و اخروی است. چه بسا تبهکارانی که به امید شفاعت به راه راست بازگردند و رابطه خود را با معبود خویش بیش از پیش استحکام بخشند؛ البته در صورتی که رابطه مزبور را به طور کلی قطع نکرده باشند.

گفتنی است آیات و روایات متعددی بر ثبوت شفاعت دلالت دارند. علاوه بر آنها عقل نیز امکان آن را اثبات می کند تا جایی که دانشمندان اسلامی امکان شفاعت را از اصول مسلم اسلام به شمار آورده اند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

برای بهشت هشت دروازه است که از یک دروازه پیامبران و راست گویان وارد می شوند، و در دیگری ویژه شهیدان و صالحان است و پنج در دیگر بهشت، مخصوص شیعیان و دوستان ماست، و خودم همواره بر صراط ایستاده دعا می کنم و عرضه می دارم: پروردگارا پیروان و دوستان و یاران مرا و هر کس در دنیا با من دوستی داشته، به سلامت بدار و از سقوط در جهنم حفظ کن، که ناگهان از درون عرش ندایی می رسد: دعایت مستجاب و شفاعتت پذیرفته شد و آن روز هر مردی از شیعیان و دوستان و یاران من، و آنان که با عمل و زبان با دشمنان من پیکار کرده اند، تا هفتاد هزار نفر از همسایگان و خویشاوندان خود را شفاعت می کنند. یک در دیگر بهشت، مخصوص سایر مسلمانان است؛ آنان

که اعتراف به شهادت «لا اله الا الله» داشته و در دل، ذره ای بغض و دشمنی ما اهل بیت علیهم السلام را نداشته اند. (1)

در حدیث دیگری درباره شفاعت حضرت زهرا علیها السلام چنین آمده است:

وقتی نزدیک جهنم می رسد، فاطمه علیها السلام میان دو چشم او را می خواند که نوشته شده است: «دوست دار اهل بیت علیهم السلام». پس عرض می کند: «الهی و سیدی» مرا فاطمه و بازدارنده نامیده ای و به وسیله من، هر کس مرا و فرزندان مرا دوست بدارد از آتش جهنم ممنوع کرده ای. وعده تو حق است و خلاف وعده نمی کنی. خدای سبحان پاسخ می دهد: راست گفتی ای فاطمه، من تو را فاطمه نامیدم و به واسطه تو کسی را که به تو و فرزندان محبت کند از آتش جهنم منع می کنم. وعده من حق است و خلاف آن نمی کنم و همانا من به این عبد گنهکار فرمان دادم به جهنم برود تا تو درباره او شفاعت کنی و من شفاعت تو را پذیرا شوم بدین جهت که قدر و منزلت و جایگاه تو بر فرشتگان و پیامبران و همه اهل قیامت روشن و آشکار گردد، تا هر کس میان دو چشمش مؤمن نوشته شده آن را بخوانی و دست او را گرفته، وارد بهشت نمایی. (2)

ص: 99

---

1- (1) خصال شیخ صدوق، ج 2، ص 432، ح 6، چاپ بیروت.

2- (2) بحار الانوار، ج 8، ص 51، ح 58.

بنابراین شفاعت در بیان آیات و روایات و معارف اهل بیت علیهم السلام به این معنا نیست که انسانی گناه بکند و دیگری توصیه کند تا مجازات و عقابی متوجه او نشود یا برای او تخفیفی را در نظر بگیرند؛ بلکه به معنای این است که رسیدن به درجات قرب جز با سرپرستی و ولایت اولیای خدا ممکن نیست.

شفاعت به معنای عام، وساطت در فیض برای همه موجودات و مخلوقات و اعم از شفاعت تکوینی و تشریحی است.

شفاعت تکوینی، وساطت موجودی نسبت به موجود دیگر است، مانند: شفاعت مادر در تبدیل غذا به شیر برای برطرف شدن نیاز فرزند.

شفاعت تشریحی، نسبت به خطاها و گناهان بندگان خدا صورت می گیرد و همان وساطت برای مرتفع ساختن نواقص و سستی هایی است که بندگان خدا داشته اند. البته بنا به صریح آیات و روایات، بدون اذن خدای تعالی کسی نمی تواند خیری به کسی برساند، مگر به اذن خداوند سبحان.

### **مقام شفاعت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام**

شفاعت انسان های والایی مانند حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که در پرتو ولایت ولی خدا در جاتی از ولایت را درک و تحمل کرده اند و به مقام و مرتبه ای یا به شأن و موقعیتی دست پیدا کرده اند و صاحب مقام ولایت و مقام شفاعت شده اند شأنی از شئون ولایت و شفاعت نبی مکرم صلی الله علیه و آله است. در

واقع، حریم مبارک قلب آن حضرت پیوسته در معرض تابش انوار الهیه قرار داشته است.

بی تردید حضرت معصومه علیها السلام از جمله شخصیت های بی نظیر جهان اسلام است که به دلیل زندگی و پرورش در جوار امام معصوم علیه السلام خیلی زود توانست قلب پاک خویش را تجلّی گاه انوار وجودی ولیّ خدا کند و با آنان ارتباطی خاص برقرار سازد. آن حضرت، خود را به درک ولایت و نورانیت اولیای معصوم رساند و تمام وجودش را لبریز پرتویی از شعاع وجودی اولیای خدا گرداند.

این بانوی عظیم الشان از معدود امامزادگانی است که در مورد زیارت و شفاعت ایشان، ائمه علیهم السلام مستقیم تأکید فرموده اند و از احادیث گهرباری که درباره ایشان وارد شده می توان به مقام و منزلت علمی و معنوی وی پی برد.

پدر بزرگوار آن حضرت، درباره ایشان جمله معروف «فداها ابوها» را به کار بردند؛ جمله ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شأن صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام فرموده بودند.

مرحوم علامه مجلسی از صاحب کتاب مجالس المؤمنین از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

خداوند حرمی دارد و آن مکه است، رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی دارد و آن مدینه است، امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی دارد و آن کوفه است بدانید و آگاه باشید که قم، کوفه صغیره است. در قم بانویی از فرزندان من که نام او فاطمه بنت

موسی است از دنیا می رود و تمام شیعیان من، همگی به شفاعت او داخل بهشت می شوند. (1)

امام صادق علیه السلام چهل و پنج سال قبل از ولادت ایشان، حتی قبل از تولد پدر بزرگوارش، با تجلیل، از تولد و رحلت و محل دفن او خبر داده و ثواب زیارت با معرفتش را بهشت و شفاعتش را شامل حال تمام شیعیان دانسته اند.

در میان فرزندان امام کاظم علیه السلام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بعد از امام رضا علیه السلام از نظر علمی و اخلاقی و از جهت شخصیت فردی و کمالات معنوی و روحانی برترین آنان است. این حقیقت از اسامی، القاب، توصیف و تعریفی که از ناحیه ائمه اطهار علیهم السلام رسیده به خوبی نمایان است.

مرحوم شیخ عباس قمی رحمه الله درباره ایشان می گوید:

«بر حسب آنچه به ما رسیده، افضل دختران موسی بن جعفر علیه السلام معروف به حضرت معصومه علیها السلام است که مزار شریفش در بلده قم است.» (2)

همچنین مرحوم شیخ فضل علی آقای قزوینی رحمه الله از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی رحمه الله در این باره چنین می نویسد:

فضایل و مزایا و مراتب کمال و جلال ظاهری و باطنی، و صورتی و معنوی آن برگزیده ذوالجلال، خارج از حدّ وهم و خیال و بیرون از باطن و مقال است به رنگ و بو و خط و خال چه حاجت روی زیبا را.

ص: 102

---

1- (1) بحار الانوار، ج 60، ص 228، ح 59.

2- (2) منتهی الآمال، ج 2، ص 430. انتشارات هجرت.



در خانواده رسالت و طهارت بعد از بی بی عالم حضرت زهرا علیها السلام و حضرت صدیقه صغری زینب کبری علیها السلام زنی به این جمال و کمال و علو مکان و رفعت شأن و بزرگی مقام، ثلثه الثلاثه و ثانیه الاثنین است و بعضی خصوصیات است که مخصوص به خصوص همین بی بی است مثل نصّ بر زیارت و امثال آن... (1)

این همه منزلت و عظمتی که برای شهر قم در روایات آمده به دلیل کمال و منزلت فاطمه معصومه دختر موسی بن جعفر علیه السلام است که در اینجا مدفون است و اگر قم، حرم اهل بیت علیهم السلام معرفی می شود سرّ آن به جهت وجود گوهری است که در روایت امام صادق علیه السلام به آن اشاره شده است: «تقبض فیها امرآه من ولدی».

بیان امام رضا علیه السلام در متن زیارت نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، یعنی «یا فاطمه اشفعی لی فی الجنه فان لک عندالله شأناً من الشأن» (2) نشانگر وجود مقامی ارجمند در درگاه خداوند برای حضرت معصومه علیها السلام است؛ مقامی که درک آن، تنها برای آنان که به حریم «عنداللهی» راه یافته اند، ممکن

ص: 103

- 
- 1- (1) رواق عصمت، سید علی حسینی، ص 59. از مجموعه آثار کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم. به نقل از نسخه خطی الهدایه المرضیه الی الحضرة الرضویه.
- 2- (2) بحار الانوار، ج 102، ص 265.

است، از این رو آنها توان آن را دارند که آن مقام را بشناسند و با الفاظ و واژه ها آن را برای دیگران به تصویر کشند.

مرحوم قزوینی چنین می فرماید:

تنوین «شأناً» [در زیارت نامه آن حضرت] برای تعظیم است و الف و لام «من الشأن» برای عهد و این... مقام کمال و افضل مراتب جلال است که عقول در ادراک آن قاصر و افهام در فهم آن عاجز است، هرچه گفته شود عبارت؛ بلکه یک معنایی است که لفظ و عبارت ندارد؛ بلکه مقامی است که تصور آن نتوان کرد مگر کسانی که دارای آن مقام باشند یا قریب به آن مقام به اندازه حوصله و استعداد. (1)

بدون تردید عظمت و جلالت و منزلت و بزرگی حضرت معصومه علیها السلام به مرتبه معصومین علیهم السلام نمی رسد، ولی مقایسه و تطبیق جمله «فان لك عندالله شأناً من الشأن» با جمله های مشابهی که درباره ائمه علیهم السلام آمده است، نشان می دهد، حضرت در شأن و مقامی نزدیک به مراتب ائمه علیهم السلام قرار دارد. به تعبیر دیگر، شأن ایشان از همان سنخ است گرچه محدودتر و رتبه اش پایین تر از آنهاست، ولی آنچه اهمیت دارد همان تعبیر امامان علیهم السلام درباره وی است که خداوند به حضرتش به دلیل داشتن چنین مقام و مرتبه ای اذن شفاعت داده است.

شفاعت شافعان، شامل کسانی است که در زمره رهروان طریق اهل

ص: 104

---

1- (1) رواق عصمت، ص 62.

بیت علیهم السلام باشند. در واقع، حبّ اهل بیت علیهم السلام در بسیاری از مواقع قبر و قیامت، نجات بخش انسان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند:

حبّ اهل بیتی نافع فی سبعة مواطن احوالهنّ عظیمه، عند الوفاة، و فی القبر، و عند النشور، و عند الکتاب، و عند الحساب، و عند المیزان، و عند الصراط؛<sup>(1)</sup>

محبت اهل بیت علیهم السلام من در هفت محل که ترس و هراسشان بزرگ است نفع می رساند: هنگام مرگ، در قبر، موقع حشر و نشر، هنگام کتاب، هنگام دادن نامه عمل، هنگام میزان (وزن کردن اعمال)، هنگام عبور از پل صراط.

در خصوص شفاعت حضرت معصومه علیها السلام و حشر و نشر و اینکه مرگ با محبت به اهل بیت علیهم السلام دارای ثواب و اجر شهید است روایاتی به دست ما رسیده که نشان از آن موهبت الهی است که روح حضرت به جلوه قدس مزین گردیده و همه شیعیان را در دایره شفاعت خود قرار خواهد داد.

در روایت شریفی امام صادق علیه السلام فرمود:

«انّ زیارتها تعادل الجنة؛<sup>(2)</sup> زیارت فاطمه معصومه علیها السلام برابر با بهشت است.»

ص: 105

---

1- (1) بحار الانوار، ج 99، ص 266.

2- (2) همان، ج 60، ص 228.

«الف و لام» در «الجنه» استغراق یا جنس است و معنی اش این است که زیارت آن حضرت موجب می شود که زیارت کننده مستحق تمام بهشت باشد. مقصود از این جمله آن است که زیارت آن حضرت با دخول در بهشت برابری می کند.

بی شک، شفاعت فاطمه معصومه علیها السلام به جهت اتصال به ولایت اهل بیت به قدری گسترده است که امام رضا علیه السلام آن را در ردیف شفاعت و کرامت معصومین علیهم السلام ذکر می فرمایند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ، عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَحَشَرْنَا فِي زُمْرَتِكُمْ، وَأَوْرَدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام...؛ (1) سلام بر تو باد، خداوند متعال در بهشت ما را به شما بشناساند و ما را در گروه شما محشور گرداند و ما را در کنار حوض پیغمبر شما در آورد و ما را با جام جدّ شما از دست علی بن ابی طالب علیه السلام سیراب نماید.

از تحلیل دقیق شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در می یابیم که آن حضرت در افقی متصل به امامت و بالاتر از همه شیعیان و واسطه جریان بزرگ فیض رحمت و علم قرار دارد و شفاعت گسترده اش محبین اهل بیت علیهم السلام را در بر می گیرد.

ص: 106

---

1- (1) همان، ج 102، ص 265؛ بخشی از زیارت نامه حضرت.

خلاصه اینکه دختر بزرگوار امام موسی بن جعفر علیه السلام از جمله بانوانی است که در وادی عصمت و طهارت قرار دارد و تالی تلو معصوم است. ایشان به جهت صفای معنوی و عفاف و طهارت مادرش، نجمه خاتون و به واسطه برخورداری از تعالیم هدایت بخش دین و قرآن در حریم امن پدرش امام کاظم علیه السلام و سپس مأمن ایمان برادرش، امام رضا علیه السلام و به سبب بهره مندی از طاعت و بندگی خالصانه به درگاه رب العالمین به آن درجه از کمال معنوی و صفای باطنی رسید که در حقیقت آمده:

«من زارها فله الجنة»(1) هر کس او را بشناسد و زیارت کند سزاوار بهشت است».

آری، حرف دل و زمزمه زبان هر زائر عارف و عارف عالم و غیر عالم، شهری و روستایی، ایرانی و غیرایرانی، مرد و زن و خردسال و بزرگسال این است که: «یا فاطمه اشفعی لی فی الجنة»(2).

### کریمه اهل البیت علیها السلام

آراستگی و وارستگی انسان، جز آنکه پاداش عظیم اخروی به همراه دارد آثار و نمودهای عینی از خود به جای می گذارد که در چهره صالحان و سیمای فرزندگان و زندگی روزمره ایشان به روشنی مشاهده می شود:

ص: 107

---

1- (1) بحار الانوار، ج 102، ص 266.

2- (2) همان.

در واقع سجده های طولانی و خضوع و خشوع بندگان صالح بر درگاه حضرت حق، چهره ای نورانی از ایشان به جای گذاشته است.

وقتی که معصوم علیه السلام فرمود: «الوضوء علی الوضوء نور علی نور» (1) یعنی اینکه وضو بر وضو (تجدید وضو) باعث روشنایی دو چندان درون و برون تقوایندگان است. همچنین آثار برکات اعمال صالحی چون نماز شب، صله رحم و صدقه که در زندگی عادی انسان ها ملموس و محسوس اند. این تقوا و وارستگی و پاکی و آراستگی به صفات جمیل الهی است که انسان را یکپارچه نور می نماید و راه حق و ثواب را به روشنی درمی یابد؛ همان گونه که فرمود:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا)؛ (2)

پس هر آنکه تقوایشه باشد، ره گم نکند، بلکه همیشه به راه حق باشد و بدین سبب، رهرو راه دیگران می گردد و دریای نور و کرم خویش را بر ره گم کردگان و به بن بست رسیدگان ارزانی می دارد چرا که او مصداق (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ) 4 است.

به بیان دیگر، هر کرامت جویی باید ره به کوی او بسپارد و آنگاه که انسانی،

ص: 108

---

1- (2) من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 41.

2- (3) سورة انفال، آیه 29.

جامع چنین ویژگی های نورآفرین و برکت زای و کرامت ساز باشد وجودش سرچشمه فیض الهی و منبع خیر و برکت و مظهر لطف و کرامت ربوبی خواهد بود. این اولیای خدایند که به فرموده امام هادی علیه السلام:

«عادتکم الاحسان و سجتکم الکرّم..؛(1) خلق و خوی جدا ناپذیرتان، کرامت الهی و عادت و سیره و روش خدایی شما نیکی و احسان به خلق اوست».

تنها این حضرات هستند که این حقایق را عینیت بخشیده اند و در مکتب سراسر لطف و کرامت خویش، انسان هایی پرورش داده اند که هم در زمان حیات و بعد از آن، منشأ برکات و کرامات بی شمار الهی گردیده اند.

بر این اساس، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یکی از نمونه های عالی و بارز این واقعیت است و به حق ضریح و رواق و بارگاه ملکوتی اش چشمه فیاض کرامت و لطف پروردگاری است که بر دل های سوخته و دست های به آسمان برداشته شده و چشم های اشکبار و وجود غمبار گرفتاران جاری است. به راستی که روز و شبی نگذرد که در این درگاه سرشار از کرم و خیر و نور، کرامتی بروز نکند. اینجا منبع کرم و شفاخانه دردمندان و نقطه امید آرزومندان و مشکل گشای گرفتاران و امانده از همه جا و پناهنده به این آسمان ملک پاسبان است.

آری، به حق حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را می توان «کریمه آل علی»

ص: 109

---

1- (1) البلد الامین، ج 1، ص 302؛ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه، ص 549.

نامید و بارگاه ملکوتی اش را تجلی گاه بیت الکریم فاطمی در مدینه دانست، چرا که او عصاره فضائل آن بانو و میراث بر کرامت و بزرگواری آن مادر است.

لقب کریمه اهل بیت علیهم السلام در رؤیایی صادقه یکی از بزرگان از طرف معصوم علیه السلام به این بانو اطلاق شده است. مرحوم آیت الله سید محمود مرعشی نجفی (متوفای 1338 ق.) پدر مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفای 1411 ق.) بسیار علاقه مند بود که به هر طریقی شده، محل قبر مبارک حضرت صدیقه اطهر فاطمه زهرا علیها السلام را به دست آورد. به همین منظور، ختم مجربی را انتخاب و چهل شب به آن ختم مداومت نمود تا شاید خداوند به طریقی او را از محل قبر شریف حضرت صدیقه طاهره علیها السلام آگاه نماید.

شب چهل بعد از انجام ختم و توسل فراوان استراحت کرد. در عالم رؤیا به محضر مقدس حضرت امام باقر یا حضرت امام صادق علیهما السلام (1) مشرف شد و امام علیه السلام به ایشان فرمود:

«عَلَيْكَ بِكَرِيمَةِ اَهْلِ الْبَيْتِ؛ بر تو باد به کریمه اهل بیت علیهم السلام».

ایشان به تصور اینکه منظور امام علیه السلام از «کریمه اهل بیت علیهم السلام» حضرت زهرا علیها السلام است عرضه داشت:

قربانت گردم، من این ختم را برای همین گرفتم که محل قبر شریف آن حضرت را به صورت دقیق تر بدانم و به زیارتش مشرف شوم.

ص: 110

---

1- (1) این تردید از مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی است.



امام علیه السلام فرمودند: «منظور من قبر حضرت معصومه علیها السلام در قم است»

سپس اضافه فرمودند:

به جهت مصالحی که خداوند اراده فرموده که محل قبر شریف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برای همیشه از همگان مخفی باشد، لذا قبر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را تجلی گاه قبر مادرش فاطمه زهرا علیها السلام قرار داده است.

مرحوم آیت الله مرعشی هنگامی که از خواب برخاست تصمیم گرفت نجف اشرف را به قصد زیارت حضرت معصومه علیها السلام ترک نماید، از این رو به همراه همه اعضای خانواده رهسپار ایران گردید. (1)

صاحب وسیله المعصومیه می نویسد:

«آن حضرت مستغرق عبادت، و از آرایش معاصی معصوم بوده، هیبت عصمت مادرش زهرا علیها السلام در او تجلی کرده بود.» (2)

کرامت آن حضرت اثبات می کند که آن بزرگوار دارای قدرت روحی خاص و نورانیت بیشتری نسبت به دیگران است.

به عبارت دیگر، هر قدر قدرت روحی و حیظه تسلط روح و نوع اعمال، قوی تر باشد به همان میزان مؤثر را محکم که معرفی و اثبات می کند و از سوی دیگر سیره و آیین، حقانیت راه و طریق آنان را اثبات می کند و کرامت نیز مهوری به صداقت ادعای او می زند.

ص: 111

---

1- (1) علی اکبر مهدی پور، کریمه اهل بیت، صص 43-44.

2- (2) وسیله المعصومیه، ص 68.

وقتی می بینم که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دختر و خواهر و عمه حجت خداوند است و به سیره آنها عمل می کند به راحتی به میزان تقرب او و به عظمت روحش پی می بریم. از طرفی کرامات و شفابخشی های ظاهر شده از محضر مبارک آن حضرت هیچ فرقی با کرامات ائمه اطهار علیهم السلام ندارد.

یعنی با مقایسه این کرامات می توان به قدرت روحی والای این بانوی عظیم الشان پی برد. مواردی همچون بینایی بخشی به کور مادرزاد، شفای مریض سرطانی و شفای فلج مادرزاد نشان از قداست و حرمت وی در درگاه خداوند و ائمه اطهار علیهم السلام دارد.

## **مصادیقی از کرامات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام**

### **1. کرامت حضرت معصومه علیها السلام در تفسیر آیه تطهیر**

مرحوم حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمه الله در این باره چنین نقل فرموده اند:

صدرالمتألهین که هم اکنون نیز خانه اش در کهک محفوظ است، قسمتی از اسفار را در همین جا نوشته است. در حالات صدرالمتألهین است که می گویند در حاشیه کتابی چنین نوشته:

«هر وقت یک مطلب فلسفی برایم مشکل می شد و راه حلی پیدا نمی کردم و هر چه فکر می کردم به جایی نمی رسیدم، از کهک به قم می رفتم و حضرت معصومه علیها السلام را زیارت می کردم و از ایشان می خواستم که آن مشکل برای من

حل بشود و حل می شد.» این بیان صدرالمتألهین نشان از لطف آن حضرت نسبت به یک عالم بزرگ است.

یکی از کرامت های حضرت معصومه علیها السلام نسبت به خودم این است که زمانی می خواستم کتابی درباره آیه تطهیر بنویسم و اشکالات اهل سنت را به آن پاسخ دهم. یکی از این اشکالات که برخی از بزرگان را نیز متحیر نموده، اشکال وحدت سیاق است.

اشکال این است که آیه تطهیر، (1) آیه نیست، بلکه نصف آیه است و آیات قبلی و بعدی آن در رابطه با زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله و خطاب به ایشان است. سؤالی که مطرح می شود، این است که به چه مناسبت آیه ای که در شأن اهل بیت علیهم السلام است در ردیف آیاتی که راجع به زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده ذکر شده است.

من هر وقت که قرآن می خواندم؛ خصوصاً ماه های رمضان که مقید بودم حداقل یک ختم قرآن داشته باشم، وقتی به آیه تطهیر می رسیدم، به خودم مراجعه می کردم و می دیدم که این مسئله برای من حل نشده است. شاید در دلم گله ای هم می کردم که چرا خدا آیه تطهیر را اینجا قرار داده و به چه مناسبت در جایی آمده که قبل و بعد آن راجع به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است؟ آیا جای دیگری در قرآن نبود که این آیه مطرح شود؟

با اینکه این مسئله برای من حل نشده بود، با مرحوم آقای اشراقی، (داماد حضرت امام رحمه الله) بنا گذاشتیم که تحلیلی درباره آیه تطهیر داشته باشیم. به

ص: 113

حسب ظاهر، آیه تطهیر برای خودمان هم روشن نبود. حتی بعضی از بزرگان هم، برای حل این مشکل در آیه تطهیر، دچار اشتباهاتی شده اند. البته، انسان هر چه بزرگتر باشد، اشتباهش هم بزرگتر است؛ مثلاً مرحوم سیدشرف الدین عاملی با آن قداستش، با آن اهل بیته بودنش، با آن کتاب هایی که در ردّ اهل تسنّن دارد و انصافاً هم کتاب هایش جالب است. کتاب المراجعات ایشان در رد اهل تسنّن، جداً از کتاب های خواندنی است. ایشان در ذیل یکی از کتاب هایش، رساله مختصری در مورد حضرت زهرا علیها السلام به نام «الکلمه الغراء فی تفصیل الزهرا علیها السلام» نوشته که در ذیل یکی از همین کتاب ها چاپ شده است.

وقتی به کتاب ایشان مراجعه کردم، دیدم چون موضوع راجع به حضرت زهرا علیها السلام است، آیه تطهیر را عنوان کرده است.

ایشان برای حل مشکل، می گوید جای آیه تطهیر اینجا نبوده، بلکه در جای دیگر قرآن بوده است؛ در حالی که اگر انسان باب این حرف را مفتوح بکند، در قرآن خیلی اشکال پیدا می شود. البته ما معتقدیم که قرآن، سر سوزنی نه کم شده نه زیاد شده و نه جایش تغییر کرده است.

ما فکر کردیم می خواهیم شروع به نوشتن تحلیل آیه تطهیر کنیم و دستمان هم خالی است. در واقع آیه تطهیر برای خودمان هم حل نشده است. پس چیزی که برای خودمان حل نشده، چطور درباره اش کتاب بنویسیم! با خود گفتیم به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف می شویم و از ایشان استمداد

می‌کنیم که ایشان برای رسیدن به واقعیت آیه تطهیر به ما کمک کند. وضو گرفتیم و خیلی ساده به حرم مشرف شدم. حضرت معصومه علیها السلام عمّه حضرت جواد علیه السلام است و این امام همام جدّ مادری ماست. پس حضرت معصومه علیها السلام، عمّه مادری ما هم می‌شوند و به من محرم‌اند.

آن روز که مشرف شدیم با اینکه وضع مالی ما خوب نبود و جنبه‌های مختلف زندگی هم دچار اشکال بود، به حضرت معصومه علیها السلام عرض کردم: عمّه جان! امروز فقط برای فهم یک مطلب به اینجا آمده‌ام؛ از شما نه خانه می‌خواهم، نه پول، نه زندگی، نه ماشین و نه تشکیلات. شما فقط در نوشتن این کتاب و درباره آیه تطهیر به ما کمک معنوی بکنید. من از شما غیر از این چیزی نمی‌خواهم. این را گفتیم و بیرون آمدیم.

از فردای آن روز، وقتی آقای اشراقی به منزل ما آمد و شروع به نوشتن کردیم، دیدیم که راه‌هایی برای ما باز شد و مطالبی برای ما روشن گردید که اصلاً این مطالب را به خواب هم نمی‌دیدیم.

نتیجه تحلیل‌های ما این شد که آیه تطهیر باید در همین جای قرآن باشد و اگر از اینجا تغییر می‌دادند و در جای دیگر می‌گذاشتند آن هدف اصلی خداوند تأمین نمی‌شد. هدف اصلی این بود که خداوند می‌خواست مسائلی را جمع به زن‌های پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح کند؛ از جمله اینکه اگر شما کار خیر انجام بدهید، دو برابر ثواب دارید و اگر کار بد انجام بدهید، دو برابر عقاب دارید. شما باید عفاف داشته باشید، و نباید تظاهر بکنید:

در واقع خداوند دستورهای تند و تیزی به زن های پیغمبر داد. شاید این اشکال پیش می آمد که این دستورها که خداوند به زن های پیامبر داده، مردم خیال کنند که اهل بیت علیهم السلام هم مشمول این سخنان هستند؛ مثلاً حضرت زهرا علیها السلام نیز مشمول این خطاب است.

به بیان دیگر، خداوند برای اینکه جلوی چنین توهم و چنین احتمالی را بگیرد، به صورت پرانتز، آیه تطهیر را در اینجا آورد و فرمود: حساب اهل بیت علیهم السلام از شما زن های پیامبر جداست. خیال نکنید خطاب به شما، خطاب به اهل بیت علیهم السلام هم هست؛ نه، آنها حساب جدایی دارند. خدا خواسته که آنها را از پلیدی ها و زشتی ها دور بکند.

در ادامه نیز بحث کردیم که مقصود از اراده و تطهیر چیست.

در واقع اراده ای که در این آیه آمده تشریحی است یا تکوینی؟ بعضی از اهل سنت تأکید فراوانی دارند که این اراده، اراده تشریحی است؛ در حالی که اگر اراده، تشریحی باشد، اراده تشریحی خداوند از همین احکامش است و دلش می خواهد احکام را همه عمل بکنند و اختصاصی به اهل بیت علیهم السلام که ندارد.

واقعاً به برکت حضرت معصومه علیها السلام که برای هزارمین بار از ایشان تشکر می کنم و کم هم تشکر کرده ام راه هایی برای ما باز شد و توانستیم آیه تطهیر

را خیلی روشن و پاکیزه، بدون هیچ تأویلی و بدون هیچ خلاف ظاهری، تحلیل کنیم. شما اهل علم می دانید که خلاف ظاهر یعنی چه و در کجا انسان مجبور است که مرتکب خلاف ظاهر بشود. ما با قرآن و شواهد روایی، این معنا را ثابت کردیم که آیه تطهیر منحصر به اهل بیت علیهم السلام است و جای آن هم همین جاست و اگر از اینجا بردارند و به جای دیگری بگذارند، آن هدف اصلی صد درصد تأمین نمی شود. (1)

## 2. کرامتی درباره تعویض گنبد مطهر

حضرت آیت الله مسعودی خمینی تولیت سابق آستان مقدس کرامت طرح تعویض گنبد مطهر آن حضرت را چنین بیان فرمودند:

آیت الله بهجت هر روز صبح حدود ساعت 7 الی 8 به حرم مشرف می شوند شما اگر بروید می بینید که اگر دور و بر ایشان صدها نفر هم باشند به هیچ کس توجه ندارند.

یک روز بالای پشت بام رفتم نگاهم که به گنبد افتاد دیدم این مس های طلائی به قول خودمان وا داده و طبله کرده است.

وقتی پایین آمدم به آقای فقیه میرزایی (2) گفتم: من بالای پشت بام رفتم و دیدم وضع گنبد خیلی خراب است؛ بعید نیست که اگر یک وقت زلزله

ص: 117

---

1- (1) ر. ک: همگام با زائران عارف، ص 87.

2- (2) معاون اداری مالی وقت.

کوچکی هم بیاید، پایین نریزد. شما بررسی کنید و ببینید که آیا اینجا را می شود درست کرد یا نه؟ ایشان گفت: من قبلاً دیده ام، حدود سه الی چهار میلیارد تومان پول و حدود سه تا چهار سال هم کار می خواهد. چند روزی گذشت، رفتم خدمت آقای بهجت. ایشان، بدون مقدمه فرمود: «این گنبد دارد خشت هایش می ریزد، خراب شده، چرا درستش نمی کنید؟» گفتم: چشم، ان شاءالله خدا توفیق بدهد، درستش می کنیم. ایشان گفت: «خراب است، باید درستش بکنید. خداوند پولش را می رساند.»

چند روز گذشت، آقازاده ایشان زنگ زد که آقا می فرمایند: بیا اینجا! من رفتم آنجا. فرمودند: چرا شروع نمی کنید؟ گنبد خراب می شود. عرض کردم: «آقا، پول می خواهد. ما الآن نداریم. خیلی پول لازم دارد.» ایشان فرمود: «پولش را خدا می رساند. شما این مطالب را با مقام معظم رهبری در میان بگذارید.» بعد به علی آقا گفتم: 15 میلیون تومان بدهد. فرمودند: «این هم مقدمه کار. این 15 میلیون تومان. شما شروع کن.» گفتم: «آقا! 15 میلیون تومان با 4 میلیارد تومان چه تناسبی دارد!» پول را گرفتم و گفتم: «مثل اینکه خدا می خواهد این کار بشود.»

خدمت حضرت آیت الله خامنه ای، مقام معظم رهبری - حفظه الله تعالی - رفتم. عرض کردم جریان این طوری است، ایشان فرمودند: «هر چه آقای بهجت بگوید، من چشم بسته قبول می کنم؛ اما پول ندارم بدهم.» گفتم: آقا! پول نمی خواهیم، حمایت شما را می خواهیم.



آمدم به آقای فقیه میرزایی گفتم: فکری بکن، ببینیم چه کاری می شود کرد؟ پول را از کجا تهیه کنیم؟ ما حدود پنج شش سال قبل، با وزارت مسکن در یک مشارکت، قرارداد بسته بودیم که ساختمانی نیمه ساز را تکمیل بکنیم. کسی زنگ زد و گفت: آقا! شنیده ام شما ساختمان نیمه تمامی دارید فلان جا و این را می فروشید. من خریدارش هستم. گفتم: دو سه روز صبر کنید.

مهندسان آمدند و برآورد کردند که تعمیر گنبد 240 کیلو طلا می خواهد و حدود 500 میلیون تومان هم دستمزد کار می شود. دو سه روزی گذشت، دیدیم آن آقا زنگ زد. گفتیم: پول نقد می خواهیم. گفت: پول نقد می دهم. ما رفتیم پیش آقای نوربخش، رئیس بانک مرکزی. گفتیم: آقا! ما 240 کیلو طلا با قیمت مناسب می خواهیم. گفت:

باید با آقای رئیس جمهور صحبت بکنید. با آقای رئیس جمهور صحبت کردیم و ایشان بلافاصله دستور داد که 240 کیلو طلا ظاهراً با نصف قیمت به آستانه مقدسه بدهند. من خودم رفتم تهران، به خزانه و گفتم: چقدر پولش می شود. گفتند 600 میلیون تومان. یکی دو روز نگذشت که سهم آستانه از آن ساختمان نیمه تمام را 600 میلیون تومان فروختیم و پولش را به خزانه دادیم و 240 کیلو طلا را آوردیم و گفتیم: یا الله، شروع کنید.

بحمدالله همه کارها جور شد؛ حتی مهندس طلاکاری آستان مقدس رضوی که گفته بود من اینجا استخدام شده ام و نمی توانم بیایم، چند روزی که گذشت به من زنگ زد که آقا من بازنشسته شدم و می توانم بیایم. بازنشستگی

ایشان هم درست شد. در ظرف یک ماه آمدند و در اینجا مشغول شدند و با دقت و جدّیت، کار کردند. اکنون بحمدالله، کار به نصف رسیده و امیدواریم کمتر از چهار سال، این را تحویل بدهیم. (1)

این مصاحبه در سال 1383 انجام شده و گنبد در حال مرمت بود. در اردیبهشت 1384 مصادف با 17 ربیع الاول کار به اتمام رسید و توسط مرحوم آیت الله العظمی بهجت رحمه الله از آن پرده برداری شد.

### 3. برکت قم به واسطه کرامت حضرت معصومه علیها السلام

حضرت آیت الله صابری همدانی می فرمایند:

بنده خاطره ای از مرحوم میرزا محمد تقی اشراقی، پدر مرحوم اشراقی داماد امام رحمه الله دارم. ائمه علیهم السلام عنایت خاصی به قم و به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام داشته اند. از برکات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و عنایت ائمه اطهار علیهم السلام در قم، ویژگی هایی وجود دارد که حاکی از قداست این مکان و این شهر و عظمت علمی و دینی شهر قم است.

یک روز از منزلم به مدرسه فیضیه آمدم تا در مجلس ختمی که در آنجا برپا بود شرکت کنم. مرحوم اشراقی، یعنی پدر اشراقی داماد، بالای منبر بود و صحبت می کرد و ما هم آمدم و پای منبرش نشستیم. ایشان داستانی نقل کرد که من آن را یادداشت کردم و برای خیلی ها هم گفتم.

ص: 120

ایشان فرمودند: من یک شب در عالم خواب دیدم که به مدرسه فیضیه آمدم. دیدم همه طلاب در طرف دارالشفای اجتماع کرده اند، ولی همه وحشت و ترس دارند. از آنان پرسیدم چه خبر است؟ چه کسی اینجاست؟ گفتند: حضرت علی علیه السلام در آن طرف پرده فیضیه است.

ایشان (میرزا محمدتقی) خیلی شجاع بود و می گفت: من آستین عبایم را پوشاندم و به طرف غرب مدرسه فیضیه آمدم. خودم هم از قبل دیدم که سه نفر آنجا هستند. گفتند: یکی حضرت علی علیه السلام است، دو تا هم کارگر است. آمدم خدمت حضرت و سلام عرض کردم، عرض کردم یا امیرالمؤمنین علیه السلام در اینجا، چه می کنید؟ حضرت فرمود: تخم گل هایی را در این مکان و در این باغچه می کارم. آن حضرت به آن دو نفر کارگر هم دستور می داد کار کنند و تخم گل ها را کاشتند. سپس با هم آمدم و به سمت یک حجره ای در طرف کتابخانه رفتیم و آنجا نشستیم.

حضرت علی علیه السلام مقداری عسل میل فرمودند و به من هم از آن عسل دادند و بعد فرمودند که این حجره، مربوط به یکی از آذربایجانی ها بود که الآن در مشهد است، اما اسمش را فرمود.

وقتی از خواب بیدار شدم، خدمت مرحوم شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه رفتم و گفتم: آقا من چنین خوابی دیده ام. آقا خیلی متأثر شدند و اشک از چشمشان جاری شد. آنگاه فرمود: امیدواریم که ما این

گل‌ها را شکوفا کنیم و تربیت کنیم تا این تخم گل‌هایی که امام علی علیه السلام کاشته‌اند یک روزی رشد نمایند و برای مردم عطرافشانی کنند.

واقعاً باید گفت یکی از آن تخم گل‌ها امام رحمه الله بود که از این حوزه به عمل آمده و همچنین مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی رحمه الله، مرحوم آیت الله العظمی سید احمد خوانساری، مرحوم اراکی رحمه الله و دیگر علمایی که از برکات همان تأسیس حوزه علمیه، رشد کردند.

امید است که ان شاء الله این تخم گل‌ها هیچ وقت پژمرده نشود و مواقعی که دشمن به قم حمله و قصد سویی کرده، مطابق روایات، هر ظالمی که بخواهد قم را از بین ببرد، خدا او را ذلیل و خوار کند که همین طور هم بوده است.

از زمان‌های دور، بسیاری از علما و بزرگان وقتی در حل مسائل علمی عاجز می‌ماندند و هیچ راهی برای حل مشکلات خود نداشتند همین زیارت حضرت معصومه علیها السلام بهترین راه حل مشکل آنها بود. امام رحمه الله در صحن بزرگ خیارات مکاسب تدریس می‌فرمودند و بعد از درس، هر روز به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مشرف می‌شدند و زیارت می‌کردند و سپس برمی‌گشتند. در واقع توجه علما و فقها و بزرگان به زیارت حضرت معصومه علیها السلام نشان‌دهنده این است که ارتباط دینی و قلبی محکمی بین فقها و علما و بزرگان با حضرت معصومه علیها السلام بوده است. خود ما هم همین ایام طلبگی از حضرت معصومه علیها السلام خیلی استفاده کردیم و در مشکلاتی که

داشتیم و حل نمی شد، به آن حضرت متوسل می شدیم. در دوران جوانی، قلب هایمان خیلی صاف بود و چون متوسل می شدیم، به حرم مشرف می شدیم، دعا می خواندیم و مشکلات ما حل می شد. علمایی مثل مرحوم شیخ محمد تقی بافقی یزدی دور حرم حضرت معصومه علیها السلام می گشتند و علاقه شان به مسجد جمکران نیز زیاد بوده است لذا توسلات بزرگان و فقها به حضرت معصومه علیها السلام چیزی است که در همه دوران وجود داشته و ثابت و مسلم بوده است.

عبارت «الاسماء تنزل من السماء» روایت باشد یا نباشد، اما بین همه آقایان معروف است. فیضیه در قم، خودش برای مسلمین، منبع فیض است. در کتابی که گمان می کنم از مرحوم فیض کاشانی است، دیدم که ایشان یک شب به قم می آید و در آنجا می ماند. همان شب خوابی می بیند و به واسطه آن مدرسه فیضیه را می سازد؛ یعنی بنای مدرسه فیضیه را آن عالم بزرگ می گذارد.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم یا مرحوم میرزای قمی و دیگر علما متوجه این مطلب بودند که قم محلّ فیض است و آن روایتی را که می فرماید: «لولا القمّیون لضاع الدین»<sup>(1)</sup> علمای ما نوشته و نقل کرده اند. در حقیقت این گونه روایت ها باعث می شده که فقها و بزرگان توجه بیشتری به قم داشته باشند.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم هم علاوه بر آن معنویاتی که داشت، از

ص: 123

این اوضاع اطلاع داشته و شاید بشود گفت که آن روایتی که از موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که مردی از قم قیام می کند و مردم را دعوت به حق می کند و یک عده او را اجابت می کنند که: «کُزِبَ الحديد؛ مانند تکه های آهن سفت و محکم اند»، همه اینها را دیده اند.

همچنین روایتی که تأکید فرموده روزی می آید که دین از قم به جاهای دیگر، منتشر می شود، همه اینها را یک مژده ای می دانستند، لذا همه بزرگان و علما به اینجا توجه داشته اند. الان هم ما می بینیم که بحمدالله و التَّعْمَهُه از قم است که برکات علمی و دینی نصیب مردم شده است و دارد نصیب دنیا می شود، ان شاءالله. (1)

#### 4. پرداخت شهریه به واسطه حضرت معصومه علیها السلام

حضرت آیت الله رضوانی فردویی از کرامات فاطمه معصومه علیها السلام چنین نقل می کنند:

مرحوم آیه الله صدر مشغول نوشتن کتاب «لواء الحمد» بود. ایشان می خواست تمام روایاتی را که از طریق غیر شیعه، از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل شده، جمع آوری کند و در مقابلش، روایات خودمان را هم بیاورد، ولی موفق نشد آن را تمام کند. ایشان دستش رعشه داشت و نمی توانست بنویسد، از این رو

ص: 124

به من فرموده بود تا خدمتش بروم و مطالب را بنویسم. من هم خدمت ایشان می رفتم و روایاتی را که ایشان می خواند، می نوشتم.

روزی خدمت ایشان رفتم و مقداری از روایات را که ایشان خواند، نوشتم. ایشان فرمود: آقای رضائی! بس است خسته شدی. بنشین تا قدری صحبت کنیم و رفع خستگی بشود. این مرد بسیار بزرگ، اخلاق خیلی زیبایی داشت. ایشان برایم نقل کرد:

بعد از رحلت آیت الله العظمی حائری رحمه الله رژیم پهلوی بر علما خیلی سخت گرفت تا جایی که حتی نگذاشتند برای ایشان دو ساعت مجلس ترحیم گرفته شود. در آن زمان در مسجد امام مجلس گرفتیم، رئیس شهربانی آمد و گفت که الا و لابد باید مجلس را جمع کنید.

مرحوم صدر در ادامه فرمود: مریضی من همه اش به خاطر همان پهلوی اول بود. من متصدی شدم تا به طلبه ها شهریه بدهم و متصدی حوزه شدم و رسیدگی می کردم. ماهی سه تومان به طلبه ها شهریه می دادم. یک وقت وجوهات نرسید، پیشکارم ملا ابراهیم می رفت و از بازاریان پول قرض می کرد و می آورد و شهریه را می دادم. چند ماه به همین منوال، پول قرض می کردم و شهریه را دادم تا یک وقت دیدم 12 هزار تومان مقروض شدم. گفتم این ماه دیگر شهریه نمی دهم، دیگر نمی توانم قرض کنم. قرض نکردم و شهریه را هم ندادم.

وقتی طلبه ها به خانه ام آمدند، من پهلوی درگاه نشسته بودم. طلبه ها که داخل حیاط بودند، گفتند: آقا جان! چرا شهریه نمی دهید؟ گفتم: پول ندارم. اصرار کردند.

یک مرتبه صدای گریه طلاب بلند شد. گفتند: آقا! به قول معروف، نه در غربت دلم شاد و نه رویی در وطن دارم. ما در اینجا که شب ها باید بیایم در حجره هایمان، روزها نیز باید برویم باغ ها و بیابان ها. آنجا که اگر بیایند ما را می گیرند یا آزار و اذیتمان می کنند یا لباس هایمان را پاره می کنند که باید این لباس متحد الشکل باشد. بعد هم که بخواهیم به طرف وطنمان برویم، ماشین ها ما را نمی برند و می گویند: ماشین هایمان پنجر می شود و سوارمان نمی کنند. با این شهریه شما امورات ما هر طوری بود، سر می شد. این را هم که شما تعطیل کردید، پس ما چه کنیم؟

همان طور که گریه می کردند، من هم گریه ام گرفت و قدری گریه کردم، بعد گفتم: آقایان خواهش می کنم تشریف ببرید! برای فردا یک کاری خواهم کرد، درست می کنم ان شاءالله و به زبان خوش، آنها را روانه کردم.

بعد از رفتن طلاب تا شام اصلاً فکرم به هیچ جایی نمی رسید، سحر پا شدم و به حرم حضرت معصومه علیها السلام رفتم، نماز خواندم تا اذان صبح شد. نماز صبح را هم خواندم. خلوت بود و هیچ کس در حرم حضرت معصومه علیها السلام نبود. فقط چند تا از این خدمه ها آنجا خوابیده بودند. پای ضریح آمدم و با حالت عصبانیت بسیار، گفتم: عمه جان! این رسمش شد؛ یک عده کسانی



که می خواهند حامل علوم اهل بیت علیهم السلام باشند، حامل علوم آبا و اجدادتان باشند، اینجا کنار شما، از گرسنگی بمیرند! آیا قبول می کنی؟ اگر نمی توانید، دست بر دامن امیر المؤمنین علیه السلام یا برادرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بشوید. اگر می توانید چرا نمی رسانید؟ اگر این طور باشد، من هم دیگر به زیارت شما نمی آیم.

آنگاه با حالت عصبانیت از حرم بیرون رفتم؛ ولی پشیمان شدم که چرا این صحبت ها را کردم. هنوز هوا تاریک بود که به خانه رفتم و به اتاقتی آمدم که بین بیرونی و اندرونی است. آنجا روی تخت نشستم، هنوز هوا تاریک بود و نمی دانستم چه بکنم. با خود گفتم یکی دو ساعت دیگر طلبه ها که بیایند، من چه کار کنم؟ ناگهان دیدم کربلایی محمد در می زند. گفتم: بیا تو، آمد، گفت: آقا! یک نفر آمده که یک شاپو سرش است و کراوات هم دارد و چمدانی هم دستش است. می گوید: الان می خواهم خدمت آقا برسم. من ترسیدم که مبادا به شما آسیبی برساند، گفتم که آقا حرم رفته بود، نمی دانم آمده است یا نه. بروم سؤال کنم. گفتم: بگو بیاید و راحتم کند. آمد، شاپورا از سرش برداشت و چمدان را هم گذاشت روی زمین و آمد دست من را بوسید و سلام و علیک و خیلی عذرخواهی کرد که آقا ببخشید، معذرت می خواهم، من بی موقع خدمتتان رسیدم. موقعی که آمدم جلوی تپه سلام، نزدیک شاه جمال که رسیدم

یک مرتبه نگاهم به گنبد حرم حضرت معصومه علیها السلام افتاد، یک مرتبه به فکر افتادم - همان موقعی بوده است که داشتم با حضرت معصومه علیها السلام جر و بحث می کردم - که ما داریم مسافرت می کنیم، اگر آمد و پیشامدی شد، پس ما چه کار کنیم؟ اموال همراه من باشد، مال از بین برود و دین خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام هم در ذمه ام بماند. وارد شهر شدیم و من از راننده درخواست کردم نیم ساعتی صبر کند تا من خدمت آقا بروم و برگردم. اکنون هم خیلی عذرخواهی می کنم که بی موقع خدمتتان رسیدم. حساب هایش را کرد و پول ها را از چمدانش درآورد و تقدیم کرد؛ به اندازه ای که یک سال تمام شهریه را دادم، بیشتر هم دادم و قرض ها را نیز ادا کردم.

آنگاه رفتم پای ضریح حضرت معصومه علیها السلام و عرض کردم: عمه جان! خیلی بزرگوار و کریم هستی.

از این مطلب که بگذریم درباره مرحوم میرزای قمی هم نقل شده که پای ضریح حضرت معصومه علیها السلام می رفته و استفاده هایی می کرده است. ملاصدرا هم همین طور و نیز سایر علما که همگی متوسل می شدند و کراماتی که از حضرت معصومه علیها السلام وارد شده، خیلی زیاد است. (1)

## 5. حوزه علمیه مورد عنایت اهل بیت علیهم السلام

حضرت حجت الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری مدیر حوزه علمیه بیان نموده اند:

ص: 128

اما خاطره جالبی که بعد از آن احساس کردم مورد عنایت این بزرگواران هستم، این است که در ماه رجب سال 1381 ه. ش. به ناراحتی قلبی مبتلا شدم و این ناراحتی در ایام اعتکاف رخ داد؛ هنگامی که در مسجد جمکران سخنرانیم تمام شد و به سوی منزل بر می گشتم، به راننده گفتم: حالم مساعد نیست، در ناحیه قفسه سینه احساس ناراحتی می کنم. ایشان گفت: شاید سرما خورده اید. درد قفسه سینه شدیدتر می شد. سرانجام به پزشک مراجعه کردم و تحت معالجه قرار گرفتم. پزشکان گفتند: باید مراقبت کنید تا - ان شاء الله - مداوا بشوید. در یکی از شب هایی که به شدت درد می کشیدم، حدود 10 یا 10/30 شب مشرف شدم به حرم کریمه اهل بیت علیهم السلام. سرم را به ضریح مطهر گذاشتم. هم عوامانه گریه کردم و هم عوامانه گلایه کردم. تعبیراتی که آن موقع یادم هست به کار بردم این بود که ما دلمان خوش است که خدمت گزار حوزه شما اهل بیت علیهم السلام هستیم، ولی شما سراغی از ما نمی گیرید و ما اگر این مشکلات و ناراحتی هایمان را به شما نگوئیم، پس به چه کسی بگوئیم؟ از این سری تعبیراتی که آدم گاهی خلاصه پیش عزیزانش مطرح می کند، مطرح کردم و با چشم گریان از حرم بیرون آمدم و به منزل برگشتم.

در آن ایام نقاهت، روزی یک ساعت به مدیریت حوزه برای رفع مشکلات طلاب سر می زدم. 3 یا 4 روز این قضیه گذشته بود که یک آقای روحانی آمد و گفت یک کار بسیار ضروری و فوری با شما دارم، به شرط اینکه کسی

نباشد، گفتم: الآن مهمان دارم، چند تا از ائمه محترم جمعه کشور آنجا آمده بودند. جلسه ای داشتیم. ایشان گفت: من صبر می کنم. آقایان نزدیک ظهر رفتند. من گفتم: زمینه مساعد است، مطلبی که می خواستید، به من بگویید. دیدم ایشان یک نگاهی به من کرد و گفت: شما سه - چهار روز قبل یا سه - چهار شب قبل از حضرت معصومه علیها السلام گلایه کرده اید؟ من ناباورانه، با تأمل مختصری گفتم: بله! من از حضرت به خاطر این بیماری که پیدا کردم، گلایه کرده ام! حالا چه شده است؟ ایشان در پاسخ گفتند که از من نپرس؛ حالا چه کسی به شما گفته؟ همین را بدان که به من گفته اند به شما یک پیام بدهم و آن پیام این است که گفتند: به سید هاشم بگویید که از ما گلایه نکنند. ایشان خیال می کند حوزه را خودش به تنهایی اداره می کند، منهای کمک و مساعدت و همراهی ما، ایشان مطمئن باشد که ما در مشکلات به ایشان کمک می کنیم و اینکه حوزه را ایشان اداره می کند مورد عنایت ماست. یک باره اشکم جاری شد. با خودم گفتم که ما کجا ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام کجا و این همه لطف و توجه آنها کجا! خلاصه از این بنده خدا تشکر کردم و کمی اصرار کردم که این مطلب در خواب به شما گفته شده یا در بیداری؟ ایشان به من گفتند: شما اصرار نکنید پرسید این مطلبی را که گفتم واقعیت داشته یا نداشته؟ گفتم: داشته، گفت: همین بس است. این پیام آنهاست. چه کار دارید که من چگونه فهمیده ام!

بلافاصله به حرم مشرف شدم و از محضر حضرت عذر خواهی کردم. گفتم: گلایه و گریه من عوامانه بوده، ولی شما زود پاسخ دادید! همین که قلبم مطمئن شد که مورد توجه شما هستیم، برای ما کافی است. خوشبختانه بیماری ما هم مرتفع شده است و الآن هم توفیق داریم که در خدمت طلاب و حوزه باشیم. این کرامت از چه جنبه مهم بوده است: 1 - حوزه مورد عنایت معصومین علیهم السلام است؛ 2 - خدمت گزاران حوزه مورد عنایت اهل بیت علیهم السلام هستند؛ 3 - اهل بیت علیهم السلام با تمام وجود مواظب اند؛ هم شکایت ها و هم گلایه ها را می شنوند و هم به موقع پاسخ می دهند. (1)

ص: 131

---

1- (1) همگام با زائران عارف، ص 360.



زیارت، رسمی دیرین و سنتی مطلوب است که از دیرباز میان اغلب اقوام متمدن و همه پیروان ادیان الهی متداول بوده است.

در اسلام نیز همه فرق اسلامی، زیارت را موجب تعالی و عروج انسان می دانند؛ چنانکه زیارت قبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله را از برترین مستحبات می دانند.

زیارت، نوعی دیدار و یک پیوند روحی است؛ توجه قلبی، اظهار احترام و سلام کردن است.

زیارت، تقرب به خداست. از طرفی رفتن به زیارت، بهره های معنوی فراوانی دارد و انسان را در رسیدن به سعادت دنیا و آخرت یاری می دهد. دیدار مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و بزرگان دین و خواندن دعا و زیارت پیش

مزارشان، موجب زنده ماندن یاد، اهداف، فرهنگ و تعالیم آن بزرگواران است.

زیارت، سفری پر از شور و شوق و سرشار از اخلاق و کشش به سوی برگزیدگان الهی و فرزندان و یادگاران پیامبر صلی الله علیه و آله است، چرا که فرمودند:

مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي، زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا؛ (1) کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت به زیارت او خواهم رفت و از هراس ها و وحشت ها نجاتش خواهم داد.

زیارت، شرفیابی به محضر اهل بیت علیهم السلام و کسب فیوضات و برکات معنوی از ساحت قدسی آنان است.

زیارت، حضوری عارفانه و مشتاقانه در بارگاه پاکان و تشریف به حرم های مقدس و نورانی آنان است.

زیارت، دانشگاه انسان سازی و معنویت و مکتب خودسازی و معرفت و فرصتی طلایی برای طهارت و پاکی اخلاق و پاک سازی درون است.

از این گذشته، سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله هم بر زیارت بوده است. چنانچه روایت شده آن حضرت قبر مادرش را زیارت کردند و اشخاص همراه خود را گریاند و آنان را به زیارت قبور سفارش کرد:

زَارَ النَّبِيُّ قَبْرَ امِّهِ فَبَكَى وَ ابْكِي مِنْ حَوْلِهِ... اسْتَأذَنْتُ رَبِّي فِي أَنْ

ص: 134



أَزُورَ قَبْرِهَا، فَأَذِنَ لِي، فَزُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُدَكِّرُكُمْ الْمَوْتَ؛ (1) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبر مادر خود را زیارت نمود و در کنار قبر او گریست و کسانی را که در اطراف او جمع شده بودند گریاند و... فرمود: از خدایم اجازه گرفته ام که قبر مادرم را زیارت کنم، شما نیز قبرها را زیارت کنید، چون که زیارت آنان، مرگ را به یاد می آورد.

از عایشه هم نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره کیفیت زیارت قبور فرمود: پروردگرم دستور داد که به بقیع بیایم و بر خفتگان در آن، طلب آمرزش کنم. عایشه می گوید: پرسیدم: ای رسول خدا! چگونه بگویم؟ آن حضرت فرمود: بگو سلام بر اهل این دیار، از مؤمنان و مسلمانان، خداوند، پیشینیان و متأخرین ما را رحمت کند، ما به همین زودی به شما ملحق می شویم. (2)

دیدار پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و بزرگان علما، چه در حیات و چه در ممات آنها، با رفتن بر سر تربت آنها و نحوه زیارت و برخورد با قبور و تربت آن ذوات مقدس به نام «زیارت نامه» مشهور است.

این سخنان (زیارت نامه) در کتب محدثین، متکلمین، فقها، علما و بزرگان با عنوان «کتب زیارت» یا «مزار» تدوین شده است تا جایی که مرحوم آقابزرگ تهرانی رحمه الله در کتاب «الذریعه» اسامی 27 کتاب «زیارات» و 52 کتاب «مزار» را ثبت کرده است.

ص: 135

---

1- (1) صحیح مسلم، ج 2، ص 65؛ سنن ابی داود، ج 2، ص 195.

2- (2) صحیح مسلم، ج 3، ص 64؛ سنن نسائی، ج 3، ص 76.

بدون شک، اهمیت زیارت از همان زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد عمل و توجه بوده و از خود آن وجود مقدس احادیثی درباره زیارت خود ایشان و ائمه معصومین علیهم السلام و قبور مسلمین رسیده است. پس از آن حضرت نیز امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه هدی علیهم السلام توجه خاصی به زیارت داشته اند و سخنان گرانقدری از آن بزرگواران درباره اهل بیت علیهم السلام و جایگاه زیارت آنان به ما رسیده است.

بحث زیارت و احترام به بزرگان و رهبران دین و قبور صالحان و اولیای الهی چنانچه اشاره شد از صدر اسلام مورد توجه بوده و تا قرن یازدهم در این مسئله هیچ اختلافی بین شیعه و اهل سنت وجود نداشته و اعتقاد به این مسئله اختصاصی به شیعه نداشته است، بلکه فریقین کتاب ها و رساله هایی در این موضوع نگاشته اند.

برخی از این آثار به جنبه های نقلی مسئله پرداخته و آداب زیارت و کیفیت آن را با استناد به احادیث و آثار بیان کرده اند و برخی به بحث های عقلی آن پرداخته و فیلسوفانه آن را تجزیه و تحلیل کرده اند.

### **زیارت در منابع و نگاه اهل سنت**

اهل سنت در منابع روایی و تاریخی، موارد زیادی از زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله اصحاب و علما را ذکر کرده اند؛ از جمله ترمذی نقل می کند: وقتی برادر عایشه (عبدالرحمن بن ابی بکر) درگذشت، جنازه او را به مکه برده، در آنجا

به خاک سپردند. وقتی خواهر وی عایشه از مدینه به مکه آمد، به زیارت قبر برادر رفت و در کنار خاکش دو بیت شعر در سوگ او سرود و سخنانی گفت. (1)

روایات متعددی آمده که دختر گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هر جمعه به زیارت قبر عموی خود حمزه می رفت و در آنجا اقامه نماز می کرد و گریه می نمود.

«کانت فاطمه - رضی الله عنها - تَزُورُ قَبْرَ عَمِّهَا حَمَزَةَ كُلِّ جُمُعَةٍ فَتُصَلِّي وَ تَبْكِي عِنْدَهُ». (2)

این روایت به صورتی دیگر هم نقل شده است:

«کانت فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله تزور قبر حمزه بن عبدالمطلب کلَّ جمعه و علمته بِصَدِّخَرَةٍ؛ (3) فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر جمعه ای قبر حمزه را زیارت می نمود و آن را با سنگی علامت نهاده بود».

متقی هندی هم روایت کرده که شخصی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از

ص: 137

---

1- (1) صحیح ترمذی، ج 4، ص 275.

2- (2) سنن ابوداؤد، ج 2، ص 196؛ نیشابوری، مستدرک حاکم، ج 1، ص 377؛ سنن بیهقی، ج 4، ص 788.

3- (3) الجامع لاحکام القرآن، ج 10، ص 381.

قساوت دل شکایت کرد، حضرت فرمود: «به قبرستان برو و از قیامت عبرت بگیر.»<sup>(1)</sup>

همچنین غزالی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي فِي حَيَاتِي؛<sup>(2)</sup> هر کس بعد از وفاتم مرا زیارت کند گویا در زمان حیاتم مرا زیارت کرده است.»

غزالی در ادامه می گوید:

یکی از آداب حج آن است که به مدینه و زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برود و این زیارت نامه را بخواند. (منظور از زیارت نامه پیامبر صلی الله علیه و آله این عبارات است: السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا نبي الله، السلام عليك يا امين الله،...)<sup>(3)</sup>

زحیلی هم می گوید:

«مسلمانان و پادشاه آنان تصمیم گرفتند که بر در غار اصحاب کهف مسجدی ساخته تا آنکه مسلمانان در آن نماز خوانده، به آن مکان تبرک جویند.»<sup>(4)</sup>

ص: 138

---

1- (1) كنز العمال، ج 10، ص 762، ح 42999.

2- (2) احياء العلوم، ج 1، ص 81.

3- (3) همان، صص 82-84.

4- (4) التفسير المنير، ج 15، ص 226.

و نیز می گوید:

«ینتفع الانسان بصحبه الاخيار و مخالطه الصلحاء و الاولياء؛(1) انسان از همراهی نیکان و معاشرت با افراد صالح و اولیای خدا بهره می گیرد.»

فخر رازی امام المشککین در فصل چهارم رساله «زیاره القبور» می گوید: (2)

### فایده های زیارت قبور

اول، هرگاه انسان قبری را ببیند به یاد احوال میت افتاده، می فهمد که آن شخص قبلاً در غرور دنیا بوده، سپس مرده است و سعادت او باقی مانده و لذت هایش از بین رفته است و می داند که حال او نیز چنین خواهد شد و همین مانع از محبت و گرایش به دنیا می گردد.

دوم، همانا انسان می بیند هر که عالم و زاهد بوده، مردم به زیارت او رغبت دارند، گویی که اصلاً نمرده است، اما کسی که مالک تمام دنیا بوده هرگاه بمیرد کسی او را زیارت نمی کند، به طوری که گویا اصلاً در دنیا نبوده است. پس می فهمد که رغبت در دین، موجب قرب حتی در زندگی دنیاست تا چه رسد به آخرت! و نیز وقتی کار دنیا موجب دوری در زندگی دنیاست، پس در آخرت چگونه خواهد بود؟

ص: 139

1- (1) همان.

2- (2) ابوالفضل محمد بن عمر فخرالدین رازی (543-606) حدود 200 جلد کتاب تألیف کرده و رساله مذکور را به تقاضای سلطان محمد غیاث الدین بن سام نوشته است.

به همین جهت، انسان در طلب دین و روی گردانی از دنیا رغبت پیدا می کند و عمل کنندگان بر مثل چنین چیزی عمل کنند. (1)

احترام به تربت و ضریح و مراقد انبیا و امامان علیهم السلام و اولیا، امری فطری است و هر کس آن را انکار کند، مکابره با عقل کرده است.

مورخ ارجمند و دانشمند معاصر حجت الاسلام والمسلمین مرحوم علی دوانی رحمه الله فرمود: ملاقات با شیخ عبدالعزیز داغستانی، امام الحرم مدینه منوره را فراموش نمی کنم که آیت الله مکارم شیرازی به وی گفت: ما در تاریخ دیده ایم که وقتی ابوهریره بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مدینه شد، رفت و دو گنبد کوچک روی دسته های منبر پیغمبر را بوسید. اگر این درست است، پس چرا شرطه های (امروزی) این قدر مردم را که می خواهند ضریح پیغمبر صلی الله علیه و آله را ببوسند اذیت می کنند؟ شیخ عبدالعزیز گفت: «هؤلاء جهال؛ اینها نادان هستند.» (2)

### زیارت در نظم شعرای اهل سنت

عبدالرحمن جامی، شاعر بزرگ و عارف معروف اهل سنت و حنفی مذهب است. وی متوفای 898 هجری قمری است و قبل یا بعد از سفر حج چون به یاد زیارت مرقد رسول خدا صلی الله علیه و آله می افتد، شور و شوقش را

ص: 140

---

1- (1) فلسفه زیارت (شرح و تحقیق زیارت القبور فخر رازی)، احمد عابدی، ص 28.

2- (2) ر. ک: همگام با زائران عارف، ص 387.

به آستان ملک پاسبان آن حضرت، ضمن قصیده ای ابراز می دارد که مطلع و مختم آن بدین گونه است:

لی حبیب عربی مدنی قرشی که بود درد غمش مایه شادی و خوشی

گر چه صد مرحله دور است ز پیش نظرم وجهه فی نظری کلّ غداه و عشیّ

و چون بعد از سفر حج به زیارت مولای متقیان علی علیه السلام مشرف می شود، این قصیده نغز را در همان نجف اشرف می سراید:

اصبحت زائراً لک یا شحنة النجف بهر نثار مرقد تو نقد جان به کف

توقبله دعایی و اهل نیاز را روی امید سوی تو باشد ز هر طرف

می بوسم آستانه قصر جلال تو در دیده اشک عذر ز تقصیر ما سلف

گر پرده های چشم مُرّصع به گوهرم فرش حریم قبر تو گردد زهی شرف

خوشحالم از تلاقی خدّام روضه ات باشد کنم تلافی عمری که شد تلف

ص: 141

رو کرده ام ز جمله اکناف سوی تو تا گریم ز حادثه دهر در کنف؟

دارم توقع اینکه مثال رجای من یابد ز کلک فضل تو توقع لا تخف

مه بی کَلَف ندیده کسی وین عجب که هست خورشیدوار ماه جمال تو بی کَلَف

بر روی عارفان ز تو مفتوح گشته است ابواب کنت کنز به مفتاح مَن عَرَف

جز گوهر ولای تو را پرورش نداد هر کس که با صفای درون زاد چون صدفج

خصم تو سوخت در تب تبّت چو بولهب نادیده از زبانه قهرت هنوز تف؟

نسبت کنندگان کَفِ جود تو را به بحر از بحر جود تو نشناسد غیر کَف

رفت از جهان کسی که نه پی بر پی تو رفت لب بر نفیر یا اسفا، دل پر از اسف

اوصاف آدمی نبود در مخالفت سرّ پدر که یافت ز فرزند ناخلف

زان پایه برتری تو که کنه کمال تو داند شدن سهام خیالات را هدف



ناجنس را چه حد که زند لاف حبّ تو او را بود به جانب موهوم خود شعف

جنسیت است عشق و موالات را سبب حاشا که جنس گوهر رخشان بود خَزَف

مشکل بود ز خوان نوال نواله یاب خر سیرتی که دیده بر آست یا علف

بر کشف سرّ لو کُشِف آن را کجاست دست کز پوست پا برون نهادهست چون کشف

جامی ز آستان تو کانجا پی سجود هر صبح و شام اهل صفا می کشند صفا

گردی به دیده زُفت و به جیب صفا نهفت اهدی الی احبّه اشرف التّحف؟

جامی چون در همان سفر حج به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شد، چنین سرود:

کردم ز دیده پای سوی مشهد حسین هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین

خدّام مرقدش به سرم گر نهند پای حقا که بگذرد سرم از فرق فرقدین

کعبه به گرد روضه او می کند طواف رکبُ الحججیح این تر و حون این این

از قاف تا به قاف پرست از کرامتش آن به که حيله جوى کند ترک شيد و شين

آن را که بر عذار بود جعد مشکبار با راحت وصال مبدل عذاب بين

ميران ز دیده سيل که در مشرب کریم باشد قضای حاجت سایل ادای دين

جامی که در شهر خود هرات می زیسته، وقتی به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام می آید، چون به روضه حضرت می رسد، امام بر حق و روضه منور او را این چنین وصف می کند:

سلام علی آل طه و یاسین سلام علی آل خیر النبیین

سلام علی روضه حل فیها امام بیاهی به الملك و الدین

امام به حق شاه مطلق که آمد حریم درش قبله گاه سلاطین

شه کاخ عرفان، گل شاخ احسان در درج امکان، مه برج تمکین

علی بن موسی الرضا کز خدایش رضا شد لقب، چون رضا بودش آیین

ز فضل و شرف بینی او را جهانی اگر نبودت تیره چشم جهان بین

پی عطر رویند حوران جنت غبار درش را به گیسوی مشکین

اگر خواهی آری به کف دامن او برو دامن از هر چه جز اوست برچین

چو جامی چشد لذت تیغ مهرش چه غم گر مخالف کشد خنجر کین

خالد نقشبندی از دانشمندان شافعی کُرد و اهل سلیمانیه عراق و از مشایخ بزرگ صوفیه نقشبندی است که در سال 1242 ق در دمشق وفات یافت. وی هنگامی که به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف می شود، بر اثر شور و شوقی که از آن زیارت داشته، قصیده ای نغز می گوید که آن را در اینجا می آوریم:

این بارگاه کیست که از عرش برتر است وز نور گنبدش همه عالم منور است

از شرم شمه های زرش کعبتین شمس در تخته نرد چرخ چهارم بششدر است

وز انعکاس صورت گل آتشین او بر سنگ جای لغزش پای سمندر است

بهر نگاهبانی کفش مسافران بر درگهش هزار چو خاقان و قیصر است

این بارگاه قافله سالار اولیاست این خوابگاه نور دو چشم پیمبر است

این جای حضرتی است که از شرق تا به غرب وز قاف تا به قاف جهان سایه گستر است

این روضه (رضاست) که فرزند کاظم است سیراب نوگلی ز گلستان جعفر است

سروسهی ز گلشن سلطان اولیاست نوباره حدیقه زهرا و حیدر است  
مرغ خرد به کاخ کمالش نمی پرد بر کعبه کی مجال عبور کبوتر است  
تا همچو جان زمین تن پاکش به بر گرفت او را هزار فخر بر این چرخ اخضر است  
خورشید کسب نور کند از جمال او آری جزا موافق احسان مقرر است  
بتوان شنید بوی محمد صلی الله علیه و آله ز تربتش مشتق بلی دلیل به معنای مصدر است  
زوار بر حریم وی آهسته پا نهند کز خیل قدسیان همه فرشش ز شهپر است  
شاهاستایش تو به عقل و زبان من کی می توان که فضل تو از عقل برتر است  
اوصاف چون تو پادشهی از من گدا صیقل زدن بر آینه مهر انور است  
جانا به شاه مسند لولا و کز شرف بر تارک شهان اولوالعزم افسر است  
و آن گه به حق آنکه بر اوراق روزگار بایی ز دفتر هنرش باب خیبر است

دیگر به نور عصمت آن کس که نام او قفل زبان و حیرت عقل هنرور است  
دیگر به سوز سینه آن زهر داده ای کز ماتمش هنوز دو چشم جهان تر است  
دیگر به خون ناحق سلطان کربلا کز وی کنار چرخ به خونابه احمر است  
وانگه به حق آنکه ز بحر مناقبش انشاء بوفراس ز یک قطره کمتر است  
دیگر به روح اقدس باقر که قلب او مر مخزن جواهر اسرار را در است  
وانگه به نور باطن جعفر که سینه اش بحر لباب از در عرفان داور است  
دیگر به حق موسی کاظم که بعد از او بر زمره اعظام و اشراف سرور است  
آن گه به قرص طلعت تو کز اشعه اش شرمنده ماه چهارده و شمس خاور است  
دیگر به نیکی تقی و پاکی تقی آن گه به عسکری که همه جسم و جوهر است  
دیگر به عدل پادشهی کز عدالتش با بره شیر شرزہ بسی به ز مادر است

بر «خالد» آر رحم که پیوسته همچو بید لرزان ز بیم زمزمه روز محشر است

تو پادشاه دادگری این گدای زار مغلوب دیو سرکش و نفس ستمگر است

نا اهل و سزای نوازش نی ام ولی نا اهل و اهل پیش کریمان برابر است

### جلال الدین محمد دوانی

جلال الدین محمد دوانی فیلسوف و متکلم نامی سده نهم هجری، متوفای 908 هجری است که نسبش به محمد بن ابی بکر می رسد، و به همین جهت، لقبش «صدیقی» و تا اواخر عمر سنی شافعی بوده و مذهب اشعری داشته است. او در سفری که به زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام شرفیاب می شود، از کثرت شوقی که به آن زیارت داشته، در حرم مطهر حضرت ایستاد و رساله «زوراء» را که متنی مختصر و فلسفی - کلامی است، نوشت. همچنین خطاب به آن باب مدینه علم پیغمبر قصاید و رباعیاتی می سراید که از جمله آنهاست:

روی بنما که جهان ظلمت انکار گرفت صیقلی زن که مرا آینه زنگار گرفت

تویی آن شاه که از کوژه حسنت خیلی ملک جان و دل و دین جمله به یکبار گرفت

ص: 148

آفتاب ازل از مشرق رویت چو دمید همه ذرات جهان لمعه انوار گرفت

صدق دعوی تو از نور جبینت پیداست منکر از کور دلی شیوه انکار گرفت

چون دوانی نخورد دُرد غم از کاسه چرخ هر که جامی ز کف ساقی ابرار گرفت

رو رخت طلب به ساقی کوثر کش وز کوثر کثرت می وحدت در کش

لا یضماً اصلاً ابداً شاربها رمزی است در این می ار توانی درکش

\*\*\*\*\*

در ملک حقیقت است آن شاه مدار دست طلب از دامن آن شاه مدار!

او باب مدینه علوم است درای زان در که رسی زود به مسندگه یار!

\*\*\*\*\*

ای قبله ارباب وفا ابرویت وی نور دو چشم عاشقان از رویت

هر سو دل گمراه به پهلو گردد تا آخر کار آورد دل سویت

ص: 149

او شاگرد جلال الدین دوانی بود و در سال 909 هجری از دنیا رفت. وی در اشتیاق به زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قصیده نابی دارد که چند بیت آن چنین است:

بس که تابد مهر حیدر هر دم از سیمای من آسمان را سرفرازی باشد از بالای من

چون سخن گویم ز معراجش که آن دوش نبی است پای در دامن کشد فکر فلک پیمای من

خاک راهش در دو چشم من به جای سر مه است نیک دیدم، آفرین بر دیده بینای من

ای صبا در گردنت خاکم به سر سوی نجف بعد مردن چون فرو ریزد به هم اعضای من (1)

در یک کلام، زیارت و توسل نشانه معرفت و عشق به کسی است که او را زیارت می کنیم. شخص زائر و حاجتمند برای کسی که به زیارتش می رود و به وسیله او از خدا حاجت طلب می کند، این را می داند که در هر اوضاع و شرایطی به زیارت او می رود و همواره از وی التماس دعا دارد. اینها همه نشانه عشق و اخلاص و ارادت است و اختصاص به ما مسلمانان و شیعیان ندارد.

ص: 150



غیر از فرقه افراطی وهابی، همه پیروان ادیان و مذاهب و کیش‌هایی که حتی جنبه الهی ندارند، به این مسئله معتقدند و به آن دل می‌بندند.

نوشته‌اند که وقتی مرقد منور امام حسین علیه السلام را بارها به امر متوکل عباسی خراب کردند، مرد عربی به زیارت آمد و چون دید که مرقد منور را خراب کرده‌اند، از هر نقطه بیابان کفی خاک برداشت و بو کرد تا اینکه به موضع تربت پاک آن وجود مقدس رسید و پس از بوییدن آن، گفت: به خدا بوی عطر می‌دهد و مرقد مطهر همین جاست. همین امر نیز باعث شد که دیگر متعرض آن تربت پاک نشدند، و بار دیگر قبه و بارگاه سالار شهیدان را تجدید بنا کردند. (1)

### زیارت، ابتغای وسیله نزد خداوند متعال

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)؛ (2)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزکاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید).

در این آیه شریفه برای رستگاری سه دستور بیان شده است:

ص: 151

---

1- (1) همگام با زائران عارف، ص 397.

2- (2) سوره مائده، آیه 35.

1. ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوا و پرهیزکاری پیشه کنید.

2. وسیله ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید.

3. در راه خدا جهاد کنید.

آنچه از آیه شریفه محل بحث ماست دستور دوم است؛ یعنی:

(وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)

«وسیله» در اصل به معنای تقرب جستن یا چیزی است که موجب تقرب به دیگری از روی رغبت و علاقه گردد.

دستور دوم، ذکر خاص بعد از عام است، و تقوا عام است و جامع همه اقسام اعمال از واجب و مستحب و ترک حرام و مکروه است و گرفتن وسیله، یعنی رسیدن به هدف والا و اتخاذ وسیله، یعنی اتخاذ چیزی که انسان را به خدا نزدیک می کند.

پس وسیله به معنای تقرب جستن برای وصول به تقواست و کسی که درصدد ابتغای وسیله باشد، در پی تحصیل تقواست.

واژه وسیله در آیه شریفه، دارای معنای وسیعی است و مصادیق مختلفی دارد و هر کار و هر چیزی را که باعث نزدیک شدن به پیشگاه ذات اقدس الهی می شود شامل است که مهم ترین آنها ایمان به خدا، اظهار به عبودیت و اقرار به گناه و ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله، جهاد در راه خدا، اقامه نماز، روزه، حج، صله رحم، صدقه آشکار و پنهان است.

ص: 152

علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرمایند:

إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ، وَبِرَسُولِهِ، وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ فَانَّهُ ذُرْوَةُ الْإِسْلَامِ وَكَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَانَّهَا الْفِطْرَةُ...؛(1) بهترین چیزی که به وسیله آن می توان به خدا نزدیک شد ایمان به خدا و پیامبر او و جهاد در راه خداست که قله کوهسار اسلام است، و همچنین نماز که آیین اسلام و زکات که فریضه واجب است، و روزه ماه رمضان که سپری در برابر گناه و کیفرهای الهی است، و حج و عمره که فقر و پریشانی را دور می کند و گناهان را می شوید، و صله رحم که ثروت را زیاد و عمر را طولانی می کند؛ انفاق های پنهانی که جبران گناهان می نماید و انفاق آشکار که مرگ های ناگوار و بد را دور می سازد و کارهای نیک که انسان را از سقوط نجات می دهد.

نکته مهم اینکه من الله بودن وسیله، یک اصل قرآنی است که تصور اثرگذاری غیرخدا را رد می کند:

(وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ)؛ 2

(آنچه از نعمت ها دارید، همه از سوی خداست).

ص: 153

حضرت آیت الله جوادی آملی دام عزه می فرماید:

بر این اساس می توان گفت ابتغای وسیله آنگاه ثمر دارد که همه مواردی که وسیله نامیده شده اند، از خدا دانسته شوند؛ یعنی سالک باید بدانند مرکب و توشه و راه را خدا بهره او کرده است تا به لقای حق برسد و نباید غیر خدا اعم از خود و دیگری را در فراهم ساختن این امور مؤثر بداند. (1)

به عبارت ساده تر منظور از توسل این نیست که کسی حاجت را از پیامبر صلی الله علیه و آله یا امامان بخواهد، بلکه منظور این است که او در پیشگاه خداوند به مرتبه و مقامی رسیده که به مقام و مرتبه او در پیشگاه خدا می توان توسل جست و این در حقیقت توجه به خداست، نه غیر خدا و طبق دستور صریح قرآن توسل ممکن است و دستور صادر شده است، ولی باید وسیله حقیقی را شناخت تا انحرافی پیش نیاید.

### ائمه علیهم السلام وسیله خدا

پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

الائمة من ولد الحسين عليه السلام من اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصى الله عز و جل هم العروه الوثقى و هم الوسيله الى الله عز و جل؛ (2) ائمه از فرزندان (نسل) حسین علیه السلام می باشند، هر که

ص: 154

---

1- (1) تفسیر تسنیم، ج 22، ص 406.

2- (2) سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 523؛ الحویزی، نورالتقلین، ج 1، ص 263؛ بحارالانوار، ج 36، ص 244.

آنها را اطاعت کند یقیناً خدا را اطاعت کرده و هر کسی از فرمان آنان سرکشی کند از خدا سرکشی کرده است و آنها ریسمان محکم (دستگیره مستحکم) و وسیله به سوی خدا می باشند.

پیامبر که امین وحی خداست، ائمه بعد از خود را به ما معرفی می کند و اطاعتشان را اطاعت خدا می داند. بر این اساس هر عقل سلیمی می داند که آن بزرگواران پیش خدا مقام و منزلتی دارند که با تمسک به آنها می توان به خدا نزدیک شد؛ یعنی آنها می توانند وسیله تقرب باشند. از طرفی روشن است که هیچ مسلمانی با زیارت و بوسیدن مضاجع و مقابر و ضرایح شریف، قصدش این نیست که به صاحبان آنها نسبت خدایی بدهد و آنان را عبادت کند تا شرک لازم بیاید، بلکه زیارت، در واقع همان برقرار کردن ارتباط روحی و به وجود آوردن پیوند قلبی و عاطفی با اولیای خداست و این ارتباط، تأثیر فوق العاده سازنده ای بر تربیت نفوس انسان های با ایمان دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«الزیاره تنبت الموده؛ (1) زیارت (دیدار) رویاننده محبت و دوستی است.»

وقتی زیارت می تواند پرورش دهنده دوستی و محبت باشد، یقیناً همان زیارت، انسان را به راه سعادت و کمال معنوی و سرنوشت اخروی رهنمون می کند؛ بلکه انسان به وسیله زیارت، هدایت ها و ارشادهای حضوری پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را دریافت می کند؛ چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

ص: 155

«هر کس قبرم را زیارت کند، گویا مرا در زمان حیاتم زیارت کرده و هر کس قبرم را زیارت نکند به من جفا کرده است.»<sup>(1)</sup>

بر این اساس، مقصود از زیارت، تقرب به پیشگاه باری تعالی و لقاء الله است. فرد زائر با این کار، خود را در حوزه روحانیت و فیض بخشی مزور (معصوم علیه السلام) قرار می دهد تا به این واسطه به توشه معنوی و اخلاقی و تربیتی بر خویش بریندد و حداقل تأثیر آن، یاد مرگ (معاد) و رفتن و عدم بقای آدمی است.

انسان هایی که دارای روح و جانی باصفا و زلال به حکم ((بِسْمِ لَطَانِ مُبِينٍ)) هستند می توانند از اقطار آسمان ها و راه های آن گذر کرده، به بصیرت و رشد برسند و از فیض مزور (معصوم علیه السلام) که از طرف خداوند قیاض، نشئت می گیرد بهره مند شوند.

محل زیارت معصوم علیه السلام حضور بی کسان با «کس بی کسان» است و محلی است که راه آسمان از اینجا نزدیک تر است و به عرش رسیدن ساده تر. اینجا سوخته دلانی می آیند تا شفاعتی نزد خالق پیدا کنند.

از این گذشته، زیارت به عنوان دیدار محبت آمیز فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز سفارش شده، چون همه ما وظیفه داریم که پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او را به دستور خداوند سبحان (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) 2 تکریم و تعظیم کنیم و زیارت فرزندان و ذریه او را به جا آوریم.

ص: 156

حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می فرماید:

من زارنی أوزار احداً من ذرّیتی، زُرْتُه یوم القیامه فَأَنْقَذْتُه مِنْ اِهْوَالِهَا؛ (1) کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت به زیارت او خواهم رفت و او را از هراس های قیامت نجات خواهم داد.

در این روایت، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زیارت ذریه اش را از ما خواستار شده و نتیجه و پاداش آن را دیدار خودش در قیامت و رهایی از سختی های قیامت بیان فرموده است.

امامزادگان و سادات، یادگاران و نشانه هایی از آن حضرت و اهل بیتش می باشند. پس همان طور که می توان به خود آن حضرت و امامان معصوم علیهم السلام توسل پیدا کرد، می توان به ذریه و پاره های تن آنان نیز توسل جست.

یکی از ذریه های عظیم الشان رسول الله صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که به تصریح امام رضا علیه السلام از ذراری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می باشند که در زیارت نامه ایشان می خوانیم: «السلام علیک یا بنت رسول الله». (2)

حضرت فاطمه معصومه، شفیعه شیعیان، عالمه و محدّثه خاندان وحی و امامت و ولایت، معصومه و مبرّأ از گناه، طاهره، حمیده، تقیه و تقیه (3) است

ص: 157

---

1- (1) ابن قولویه، کامل الزیارات، ص 11.

2- (2) بحار الانوار، ج 102، ص 266، زیارت نامه حضرت فاطمه معصومه.

3- (3) انوار المشعشعین، ج 2، ص 285، زیارت نامه دوم حضرت.

و معصومین علیهم السلام توجه ویژه و عنایت خاصی به ایشان دارند و جایگاه ممتاز و برتری در بین اهل بیت علیهم السلام دارد. عظمت و تعالی روح آن حضرت، آنقدر متعالی است که در بضاعت امثال نگارنده نیست، از این رو برای درک مقام حضرتش دست به دامان روایاتی می شویم که ثواب و پاداش زیارت آن بانوی کریمه را برای ما بیان کرده اند.

### روایاتی درباره زیارت حضرت معصومه علیها السلام

1. سعد بن سعد اشعری از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«یا سعد مَنْ زارها فله الجنة؛ (1) ای سعد! کسی که او (فاطمه معصومه) را زیارت کند، بهشت برایش خواهد بود.»

2. روی عن عدّه من اهل الرّی انهم دخلوا علی ابی عبدالله علیه السلام و قالوا: نحن اهل الرّی، فقال علیه السلام: مرحبا باخواننا من اهل قم، فقالوا: نحن من اهل الرّی، فاعاد علیه السلام الکلام، قالوا ذلك مراراً، و اجابهم علیه السلام بمثل ما اجاب به اولاً، ثم قال علیه السلام: «إنّ لله حرماً و هو مکّه، و ان لرسوله حرماً و هو المدینه، و إنّ لأمیر المؤمنین علیه السلام حرماً و هو الکوفه، و انّ لنا حرماً و هو بلده قم، و ستدفن فیها امرئۀ من اولادی تسمی فاطمه، فمن زارها وجبت له الجنة؛ (2)

ص: 158

- 
- 1- (1) ثواب الاعمال، ص 98؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 267؛ کامل الزیارات، ص 324؛ بحار الانوار، ج 6، ص 228، ح 60؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 576.
- 2- (2) بحار الانوار، ج 6، صص 216-217، ح 41.



روایت شده که گروهی از اهل ری خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند (وارد شدند) و گفتند: ما اهل ری هستیم. حضرت فرمودند: مرحبا (خوشا به حال) برادران ما از اهل قم، گفتند: ما اهل ری هستیم، حضرت دوباره جمله اول را تکرار فرمود. آنها چندین مرتبه کلام خود را تکرار کردند و امام علیه السلام جواب آنها را مثل بار اول دادند. سپس فرمود: همانا برای خدا حرمی است و آن مکه است، و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مدینه است، و برای امیر المؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه است، و برای ما (اهل بیت علیهم السلام) حرمی است و آن شهر قم است. به زودی در آنجا زنی (دختری) از اولاد من به نام فاطمه دفن می شود. پس هر کس او (فاطمه) را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود. (یعنی اینکه سزاوار بهشت است).

3. عن ابن الرضا علیه السلام قال: «مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقَمِّ فَلَهُ الْجَنَّةُ»؛ (1) امام جواد علیه السلام فرمود: کسی که قبر عمه ام (فاطمه معصومه علیها السلام) را در قم زیارت کند، بهشت برای اوست.

4. عن علی بن موسی الرضا علیه السلام قال: «نعم من زارها عارفاً بحقها فله الجنة»؛ (2) سعد اشعری قمی می گوید: در محضر امام رضا علیه السلام بودم، امام علیه السلام به من فرمود: ای سعد برای ما در نزد شما (در قم) قبری وجود دارد.

سعد می گوید عرض کردم فدایت گردم، آیا مقصود شما قبر فاطمه دختر

ص: 159

---

1- (1) کامل الزیارات، ص 324.

2- (2) بحار الانوار، ج 102، ص 266.

موسی بن جعفر علیهما السلام است؟ امام رضا علیه السلام فرمود: بله، کسی که با معرفت به او، وی را زیارت کند، بهشت برای اوست.

5. عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «انّ زیارتها تعدل الجنه»؛<sup>(1)</sup> از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: همانا زیارت قبر (فاطمه معصومه علیها السلام) معادل و برابر بهشت است.

جناب عباسقلی خان سپهر، مورخ شهیر در ضمن بیان دوران زندگانی امام موسی کاظم علیه السلام وقتی به بیان شرح حال دختران آن حضرت می‌رسد در بحث فضائل حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و قم مطالبی را بیان می‌کند و روایتی را نقل می‌کند که در هیچ یک از منابع حدیثی شیعه، بلکه در دیگر منابع نیز نقل نشده است. ایشان سند و مدرکی را نیز بیان نکرده‌اند و آن را به امام رضا علیه السلام نسبت داده که حضرت فرمودند:

«من زار المعصومه بقم کمن زارنی؛<sup>(2)</sup> هر کس معصومه را در قم زیارت کند مانند این است که مرا زیارت کرده است.»

### نگاهی به مضمون احادیث

در بعضی از احادیث آمده است که زائر باید مزور را بشناسد و جایگاه او را در نزد خدا بداند، در این صورت، خدای متعال هم در مقابل زحمت او، بهشت را برایش تضمین می‌کند یا اینکه زیارتش معادل بهشتی شدن می‌گردد.

ص: 160

---

1- (1) تاریخ قم (چاپ آستان مقدس)، ص 311؛ بحار الانوار، ج 102، ص 267.

2- (2) ناسخ التواریخ، ج 7، ص 337.

نکته بسیار مهم در زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام درک مقام و عظمت آن حضرت و علم به شأن و بزرگی اوست. جمله «عارفاً بحقها» یعنی اینکه مقام ایشان از مقام معصوم علیه السلام پایین تر و از دیگران بالاتر است.

علاوه بر این، جمله «عارفاً بحقها» جمله حالیه است؛ یعنی زیارت کننده، در این حال با این وصف، یعنی با صفت عرفان به حضرت و عارف و آشنای به حق او، ایشان را زیارت کند. در این صورت، عبارت «وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» جزای جمله شرطیه «مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا» خواهد بود، پس جزا مترتب است بر زیارت با عرفان؛ آن هم عرفان به شأن، جایگاه، مقام، عظمت، معرفت، عبودیت و ولایت پذیری.

آن بانوی کریمه، دختر امام، خواهر امام و عمه امام علیه السلام است. او دارای سیمای بلندی است که عقل ما انسان ها به سادگی به افق آسمانی و بلند او نمی رسد و به همین جهت است که حرمش حرم اهل بیت علیهم السلام است؛ یعنی مرکز پخش علوم قرآنی و علوم اسلامی است و علم از اینجا به سایر جاها منتشر می گردد. حرمش حرم اهل بیت علیهم السلام است، یعنی محیط مقدسی است که ورود اغیار ممنوع است و به این جهت، قداست خاصی دارد. زیرا ناموس خدا و ناموس ائمه اطهار علیهم السلام در اینجا جای گرفته است. آن حضرت قدیسه عالم و سر تا پای او قداست است و از اینجاست که جایگاهش حرم خوانده می شود. حضرت معصومه علیها السلام مبلغ فرهنگ اصیل اهل بیت است که جدّ بزرگوارش امام صادق علیه السلام فرمود:

خدا حرمی دارد و آن مکه است، و رسول خدا حرمی دارد و آن مدینه است، و امیرالمؤمنین حرمی دارد و آن کوفه است، و این لنا حرمًا و هو بلده قم؛ ما خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله (یازده امام) حرمی داریم و آن شهر قم است.

و همچنین می فرمایند:

وستدفن فیها امرأه من اولادی تسّ می فاطمه فمن زارها وجبت له الجنة؛ بانویی از دختران من به نام فاطمه در آنجا دفن می شود و کسی که او را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود. (1)

از این روایت کاملاً استفاده می شود که حرم بودن این مکان مقدس و این شهر پرقداست به برکت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که به اینجا آمده اند.

نشستن در حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یکی از نعمت های بهشتی است که خداوند به ما عنایت فرموده و خدمت در آن نیز افتخار و عنایت الهی است و همیشه باید شکرگزار خداوند باشیم و از او بخواهیم:

«اللهم انی اسئلك ان تختم لی بالسعادة فلا تسلب منی ما انا فیه؛ خدایا این نعمت بهشتی و خدمت جاودانگی را از ما سلب نگردان»

در حین زیارت صاحب خانه مان که محل شست و شوی جان در «زال محبت» و «غبارویی دل با نسیم ولایت» است باید نشان «معرفت» را کسب کرد. باید بدانیم آنچه مایه کمال زیارت می گردد، معرفت و شناخت مقام و

ص: 162

موقعیت مزور است، نه اعمالی بی روح و همراه با غفلت، همانند بوسیدن صرف و ناآگاهانه ضریح و شبکه های فولاد یا در و دیوار، گردش کورکورانه در اطراف ضریح و تماشای آثار هنری، چرا که این اعمال به سیاحت، بیشتر شباهت دارد تا زیارت.

در واقع اجر و پاداش و ثواب اخروی و آثار دنیوی که در روایات آمده، بر زیارت واقعی مترتب است؛ زیارتی که منشأ تحول در زائر باشد و او را به یقین برساند که فرقی بین حیات و ممات این ذوات مقدس وجود ندارد. آری، این است معنای حقیقی «فلا تسلب منی ما انافیه».

## آداب سفر زیارت

### اشاره

کسی که می خواهد به دیدار حضرت فاطمه معصومه علیها السلام برود، باید خویشتن را مهیا کند و آداب ظاهری و باطنی را مراعات نماید؛ از جمله اینکه لباس نظیف و پاک بپوشد، خود را خوشبو کند و قدم ها را کوچک بردارد؛ وقتی بر در حرم ملکوتی رسید، بایستد و از خداوند سبحان، ملائکه الهی، انبیا و اولیا و فاطمه معصومه علیها السلام اذن دخول بگیرد؛ آنگاه با تواضع، ادب و حضور قلب به داخل حرم مشرف شود. اینها آداب ظاهری زیارت است، ولی برای به جا آوردن یک زیارت بامعرفت و مقبول و دارای اثر معنوی چه باید کرد؟ در جواب این سؤال باید گفت که برای تحقق زیارت به معنای واقعی و حقیقی، باید آدابی را جست و آنها را مراعات کرد.

بخشی از این آداب، قبل از زیارت آغاز می شود و تا پس از زیارت نیز ادامه دارد. برخی از آداب، ظاهری و مربوط به اعمال زائر است و برخی هم باطنی و مربوط به باطن زائر و انسان است.

## 1. آداب ظاهری زیارت

### الف) اعلام مسافرت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

حَقُّ عَلَيِ الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا أَنْ يُعْلِمَ إِخْوَانَهُ وَ...؛<sup>(1)</sup> بر مسلمان لازم است هنگامی که می خواهد به سفر برود برادران مسلمانش را آگاه سازد، و بر برادران دینی او وظیفه است که به هنگام برگشتن برادر دینی شان به استقبال او بروند.

### ب) داشتن همسفر خوب

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«الرَّفِيقُ ثُمَّ الطَّرِيقُ؛<sup>(2)</sup> همسفر خوب (مناسب) انتخاب کن آنگاه اقدام به سفر نما».

در روایت دیگری نیز می فرمایند:

«به تنهایی (بدون رفیق و همسفر) سفر نکن که شرّ و خطر شیطان،

ص: 164

---

1- (1) اصول کافی، ج 2، ص 174.

2- (2) بحار الانوار، ج 76، ص 267.

تنها سفر رفته را همراهی کند (یعنی در کمین او باشد) در حالی که چنین شرّ و خطری از دو مسافر همراه هم، بسیار دور است» (1).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز می فرماید:

«قبل از انتخاب راه و مسیر، از خوب بودن رفیق و همسفر خود تحقیق و پرس و جو کن» (2).

### ج) غسل و خواندن برخی ادعیه

از جمله می توان این دعا را قرائت کرد:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ الصَّادِقِينَ عَنِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَ نَوِّزْ بِهِ قَبْرِي اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَ طَهْرًا وَ حِرْزًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ وَ سُوءٍ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ جَوَارِحِي وَ عِظَامِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ مَخِي وَ عَصَبِي وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شَاهِدًا يَوْمَ حَاجَتِي وَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ (3)

با نام خدا و مدد خدا، و هیچ نیروی و قدرتی جز به مدد الهی وجود ندارد، و بر آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سخنگویان و راستگویی خدا، درود خداوند بر تمامی آنها باد، خدایا با این غسل دلم را پاک و سینه ام را گشاده ساز و قلبم

ص: 165

1- (1) همان، ص 228.

2- (2) همان، ص 229.

3- (3) همان، ج 98، ص 258؛ الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص 33.

را نورانی کن. خداوند، این غسل را مایه نورانیت و پاکی و محفوظ ماندن و سبب شفای من از هر درد و بیماری و آفت و بدیی که از آن هراس دارم و می پرهیزم قرار ده، و قلب و اعضا و استخوان ها و خون و مو و پوست و مغز و اعصابم و آنچه را که زمین از من می کاهد با این غسل پاک گردان. خدایا در روز نیازمندی و تهیدستی و بی چیزی ام در پیشگاه تو، این غسل را شاهی به سود من قرارده، ای پروردگار جهانیان که تو بر هر چیز توانایی.

### (د) همراه داشتن تربت امام حسین علیه السلام

مقداری از تربت امام حسین علیه السلام را با خود بردارد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ طِينَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ أَخَذْتُهَا حِزْزًا لِمَا أَخَافُ وَ مَا لَا أَخَافُ؛ (1) خدایا این خاک قبر حسین است که ولی و فرزند ولی توست، آن را برگرفتم تا از آنچه می ترسم و نمی ترسم پناهم باشد».

### (ه) آغاز نمودن سفر با صدقه

در روایتی آمده است:

«افْتَتِحْ سَفَرَكَ بِالصَّدَقَةِ وَ اخْرُجْ إِذَا بَدَأَ لَكَ فَإِنَّكَ تَشْتَرِي سَلَامَةً؛ (2) سفر خود را با صدقه آغاز کن، آنگاه هر زمان که خواستی سفر کن، چون با صدقه سلامتی خود را تضمین نموده ای».

ص: 166

---

1- (1) کامل الزیارات، ص 283.

2- (2) بحار الانوار، ج 100، ص 103.



و این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي وَ سَلَامَةَ سَفَرِي وَ مَا مَعِيَ فَسَدَ لِمَنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ؛ (1) بارالها من با این صدقه، سلامتی سفرم و هر چه را با خود دارم خریدم، خدایا مرا و آنچه را به همراه دارم حفظ کن و مرا و آنچه را به همراه دارم به سلامت بدار و مرا و آنچه را همراه دارم به زیبایی خودت به مقصد برسان».

### (و) دعا و ذکر هنگام سوار شدن به وسیله نقلیه

امام صادق علیه السلام همیشه هنگام سوار شدن به مرکب می فرمود:

«منزه است خدایی که این مرکب را مسخّر ما قرار داد. نمی توانستیم به آن نزدیک شویم. بعد از آن، حضرت هفت مرتبه «سبحان الله» و هفت مرتبه «الحمد لله» و هفت مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می گفت.» (2)

همچنین خواندن این آیه شریفه سفارش شده است:

(سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ) 3

(پاک و منزه است کسی که این را مسخّر ما ساخت، وگرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم).

ص: 167

1- (1) همان، ج 97، ص 107.

2- (2) من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 272.

انگشتر عقیق، خصوصاً با نگین زرد رنگ یا فیروزه بر دست کردن.

خواندن یازده مرتبه سوره توحید، سوره قدر، آیت الکرسی، سوره های فلق و ناس و دست کشیدن بر تمامی بدن پس از آن.

## 2. آداب معنوی زیارت

### الف) قصد قربت و اخلاص

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید:

زُوروا فی الله و جالسوا فی الله و اعطوا فی الله و امنعوا فی الله، زایلوا اعداء الله و واصموا اولیاء الله؛<sup>(1)</sup> برای خدا زیارت کنید، برای خدا همنشینی کنید، برای خدا ببخشید و برای خدا منع کنید، از دشمنان خدا بپسندید و با دوستان خدا پیوند زنید.

صادق آل محمد صلی الله علیه و آله نیز می فرماید:

تراوروا فانّ فی زیارتکم احیاء لقلوبکم، و ذکرّاً لاحادیثنا و...؛<sup>(2)</sup> به زیارت یکدیگر بروید همانا به خاطر زیارت (و دیدار) دل هایتان زنده می شود و احادیث ما یاد می شود و احادیث ما شما را به هم مهربان می کند. اگر به آنها عمل کنید کمال و نجات می یابید، و اگر رهایشان کنید، گمراه و

ص: 168

---

1- (1) غررالحکم، ص 275، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم، ج 4، ص 113.

2- (2) اصول کافی، ج 2، ص 186، ح 2.

هلاک می شوید. پس به احادیث ما عمل کنید که در این صورت من ضامن نجات شما هستم.

در واقع زیارت، برای کنار گذاشتن ریا و شرک است. زیارت، برای معرفت است و احساس نیاز، نه برای عنوان حاجی، کربلایی و مشهدی و نه بازار خودفروشی و عجب و سوءاستفاده، بلکه در این بازار باید تأمل کرد و آن تحفه را از هرگونه ریا و تکبر و خودنمایی، خودپرستی، علم کردن و قصد غیر، خالص نمود و برای جلب رضای حق حضور پیدا کرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در باب اخلاص احادیث فراوانی دارند؛ از جمله می فرمایند:

1. «الإِخْلَاصُ غَايَةُ الدِّينِ؛ (1) اخلاص، غایت و هدف دین است.»

2. اخلاص، عبادت مقربان است. (2)

3. اخلاص، اساس و ملاک عبادت است. (3)

4. اخلاص، اوج ایمان است. (4)

5. خالص گردانیدن عمل، سخت تر از خود عمل است و پاک کردن نیت از فساد و ناخالصی برای عمل کنندگان، از جهاد طولانی، دشوارتر است. (5)

ص: 169

---

1- (1) غررالحکم، ص 19.

2- (2) همان، ص 24.

3- (3) همان، ص 31.

4- (4) همان، ص 51.

5- (5) اصول کافی، ج 8، ص 24.

اگر زیارت با اخلاص باشد، اگرچه کم و اندک، ولی بسیار ارزشمند خواهد بود؛ همچنان که در کتاب شریف کافی در خطاب خداوند تبارک و تعالی با حضرت موسی آمده:

«ای موسی هر کاری که برای من انجام شود، اندکش زیاد است و آنچه برای غیر من انجام شود، زیادش هم اندک است.»<sup>(1)</sup>

از طرفی زیارت اگر با نیت ناخالص همراه باشد، ما را از رسیدن به ثواب و آرزوها و گرفتن برکت ها محروم می کند. اگر خدا به بنده ای خیر دنیا و آخرت بدهد، به او دو چیز می دهد: یکی اخلاص و دیگری نیت پاک.

پس اگر کسی خالصانه، با دلی پاک و بی غل و غش به سوی حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قدم بگذارد، زائر و میهمان دلدار اوست. البته انتخاب حاجت خاص، مانند حل مشکلات دنیوی و جسمی و گرفتن حاجات، منافاتی با اخلاص ندارد.

## **(ب) صداقت**

امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«به هر کس چهار چیز داده شود، به او خیر دنیا و آخرت داده شده است: راستگویی در کلام، امانتداری، عفت شکم (از حرام خواری) و خوش اخلاقی.»<sup>(2)</sup>

در زیارت باید صداقت داشته باشیم و راستگویی را سرلوحه گفتار و عمل

ص: 170

---

1- (1) اصول کافی، ج 8، ص 46؛ تحف العقول، ص 493.

2- (2) شرح غرر آقا جمال خوانساری، ج 2، ص 151.

خودمان قرار بدهیم و از دروغ پرهیز کنیم. چنانچه معروف است که می گویند نجات انسان در صداقت او و هلاکت و بدبختی اش در دروغ گویی اوست.

یعنی هرگاه که برای زیارت وارد شدیم سخنان و راز و نیازمان، زیارت واقعی باشد و با خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و امامزادگان صادق باشیم. به بیان دیگر خود را بهتر از آنچه که هستیم نشان ندهیم، زیرا آنها از همه چیز آگاه هستند، پس اگر به خطای خود اعتراف کنیم، برای آنان زیباتر از عمل است.

امام المتقین امیرالمؤمنین علی علیه السلام این گونه ما را به رعایت صدق دعوت فرموده است:

«علیک بالصدق فانه خیر مبنی؛ (1) بر تو باد صداقت، چرا که آن بهترین زیربناست.»

### ج) تشنگی معنوی

تشنگی معنوی از مهم ترین ارکان استفاده بیشتر از نعمت های الهی است. هر مقدار تشنگی و احساس نیاز بیشتر و عمیق تر باشد، به همان میزان، لذت استفاده بالاتر خواهد بود.

خداوند سبحان می فرماید:

(وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا)؛ (2)

(و اینکه اگر آنها (جن و انس) در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می کنیم).

ص: 171

---

1- (1) غررالحکم، ص 443.

2- (2) سوره جن، آیه 16.

خدای متعال در این آیه تأکید می‌فرماید که ایمان و تقوا نه تنها سرچشمه برکات معنوی است، بلکه موجب فزونی ارزاق مادی، وفور نعمت، آبادانی و عمران و برکت مادی نیز هست. پس آنچه مایه وفور نعمت می‌شود، استقامت بر ایمان است، نه اصل ایمان، چرا که پای بسیاری در این راه، لنگ و لرزان است.

در بحث زیارت نیز باید گفت که احساس نیاز و تشنگی، یکی از شروط اصلی استفاده کافی است و این حاصل نمی‌شود مگر با شناخت نعمت و نعمت دهنده؛ یعنی اینکه امام معصوم یا امام زاده، به اذن الهی توانایی برآورده کردن حاجت ما را دارد، پس زائر باید به ارزش گوهر وجودی آنان پی ببرد.

علاوه بر شناخت نعمت و نعمت دهنده، باید در درون زائر، احساس نیاز و درد هم به وجود آمده باشد و با درد دل و با زبان دل نه زبان ظاهری، ناله کند؛ گویی به طیبی پناه آورده و از او دوا می‌طلبد.

### **(د) حلال بودن مخارج زیارت**

(یا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً)؛ (1)

(ای پیامبران، از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید).

غذا و مال حلال، کلید قبولی اعمال و توفیقات و نورانیت انسان است، ولی غذا و مال حرام، مانع استجابت دعا و قبولی اعمال است. با غذا و مال حرام نمی‌توان زیارت مقبول به جا آورد و امید جواب سلام از زیارت شونده را داشت.

ص: 172

شخصی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله، دوست دارم دعایم مستجاب شود. حضرت فرمود: «غذای خود را پاک کن و از هرگونه غذای حرام بپرهیز.»<sup>(1)</sup>

حلیت غذا و لباس و مخارج در سفر عاشقانه زیارت، کلید بزرگ و سِرِّ اعظم قبولی و کمال است.

به بیان دیگر، حلال بودن مال و غذا و مخارج، آثار فراوانی از قبیل استجاب دعا و نماز و عبادت دارد و نیت و قلب زائر را صاف و چشم را از خشیت خدا اشک ریزان می کند، ولی اگر مال حلال نباشد، آثار عکس می گذارد.

### **(ه) طهارت ظاهری و باطنی**

از صفات تمام پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام و اولیای خدا از جمله حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، طاهر، زکی، تقی، مطهر، طهر، صفی، خالص، راضی و مرضی بودن است که همگی بر پاکی و طهارت روح و اعمال آن بزرگواران دلالت دارد.

زائر نیز لازم است پاک باشد تا بتواند با پاکان برتر و برگزیدگان عالم ارتباط برقرار کند. این پاکی هم باید در مال باشد هم در عمل. پس عمل ما باید از حرام و ظلم پاک شود. اگر در گذشته مرتکب حرام شده ایم قبل از زیارت توبه و استغفار نماییم و اگر حقی از مردم بر گردن ما وجود دارد، ادا نموده

ص: 173

یا حلالیت طلب کنیم. اگر زائر با نیت پاک از هر قصد و غرض گناه آلود و انحرافی به حرم های اهل بیت برود و با قلب پاک و بدون کینه و حقد و حسد و حقه و دشمنی در این اماکن مقدس حضور یابد و جان را در معرض تابش نور ولایت قرار دهد و صادقانه توبه کند، یاری آن حضرات را بسیار نزدیک و کارگشا و کارساز خواهد دید.

## (و) نیت صحیح

لطف امامان به زائران در گرو نیت زائر است، اگر زائر در پی رفع گرفتاری های دنیوی خویش باشد، به همان اندازه از فیض بهره مند خواهد شد و اگر در پی کسب معارف والا باشد به مراحل عالی معنوی خواهد رسید. قلب زائر باید متوجه باشد که در حرم چه کسی وارد شده و جایگاه رفیع صاحب حرم را نزد خدای متعال بداند. زائر باید پیوسته ذکر خدا را بر دل و زبانش جاری سازد و بداند که تنها در این صورت است که جایگاه مؤمن عارف به حق اهل بیت علیهم السلام نزد خداوند متعال والا خواهد بود و فیض الهی به واسطه زیارت آن بارگاه ملکوتی نثار او خواهد شد.

## آداب حین تشریف

برخی از آداب تشریف به حرم اهل بیت علیهم السلام عبارتند از:

1. نزد در حرم ایستادن و اذن دخول خواندن و سعی در خضوع و خشوع و رقت قلب داشتن.



2. بر عتبه بوسه زدن و سر به سجده شکر گذاشتن.
3. پای راست را به هنگام ورود و پای چپ را در وقت خروج مقدم داشتن.
4. در صورت عدم ازدحام جمعیت به گونه ای که موجب مزاحمت و اذیت دیگر زائران نباشد، به ضریح نزدیک شدن و بوسه بر آن زدن.
5. به هنگام زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بالای سر حضرت رو به قبله ایستادن و زیارت نامه خواندن، ولی برای معصوم علیه السلام پشت به قبله و رو به ضریح ایستادن و زیارت نامه حضرت را خواندن.
6. تا حد امکان به حال ایستاده زیارت خواندن.
7. گونه راست را به ضریح گذاشتن و دعا کردن به حق مزور و شفاعت وی را از خدا خواستن.
8. خواندن دو رکعت نماز زیارت.
9. به رسم ادب هنگام خروج بدون رو برگرداندن از ضریح، عقب عقب رفتن.
10. چنانچه زمان اقامه نماز جماعت فرا برسد، شرکت در جماعت را برآغاز یا ادامه زیارت مقدم داشتن.
11. هنگام خواندن زیارت نامه یا عرض حال یا راز و نیاز صدا را بلند نکردن.
12. هنگام تشریف، با زائران و خادمان با صدای بلند صحبت نکردن.
13. تلاوت قرآن کریم و هدیه ثواب آن به روح مقدس ائمه علیهم السلام.

## آموزه‌هایی از زیارت نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

محور دیگری که خبر از مقام و عظمت آن حضرت دارد زیارت نامه ایشان است که برادر بزرگوارش امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به سعد بن سعد اشعری تعلیم داده‌اند. این زیارت نامه دارای رازها و رمزها و تصریحات و اشاراتی ظریف است. البته در این نوشتار به دنبال وثاقت و اعتبار زیارت نامه نیستیم، گرچه در وثاقت و اعتبار آن اصلاً جای شکی وجود ندارد.

برخی از نکته‌ها و آموزه‌های تربیتی و معرفتی که می‌توان از زیارت نامه استخراج کرد عبارتند از:

1. ذکر تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام قبل از خواندن زیارت نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قرینه‌ای بر شباهت بانوی این بارگاه به حضرت زهرا علیها السلام است.

2. آموزش آداب زیارت، از قبیل: ایستادن نزدیک سر مبارک و رو به قبله بودن.

3. سلام بر پیامبران اولوالعزم و چهارده معصوم علیهم السلام به صورت خطاب (جز امام زمان علیه السلام) مصداق روایت امام صادق علیه السلام است که فرمود: «انّ لنا حرماً و هی بلده قم» که باعث ایجاد فضایی معنوی و ملکوتی و عطرآگین، به واسطه نام مبارک ائمه علیهم السلام گردیده است.

4. بیان عقاید مذهب حقه جعفری به صورت فشرده، مانند: اعتقاد به نبوت، امامت، معاد و رجعت.

5. بیان مهم ترین و بارزترین صفات ائمه علیهم السلام و انبیای اولوالعزم علیهم السلام و سلامی خاص به آخرین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و بیان ختم نبوت.
6. توجه به غیبت امام زمان علیه السلام و بیان القاب و اوصاف آن حضرت با ضمائر غایب.
7. بیان ارتباط نسبی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، حضرت خدیجه علیها السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان حضرت زهرا علیهم السلام.
8. درخواست از خدا برای همنشینی در بهشت با اهل بیت علیهم السلام و معارفه در بهشت (عَرَفَ اللهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فِي الْجَنَّةِ).
9. درخواست توفیق انجام تولی و تبری.
10. دعا برای همراهی اهل بیت علیهم السلام و دستیابی به شفاعت آنها.
11. بیان شأن و منزلت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام (فَأَنَّ لَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ).
12. توجه به اهمیت آخرت (حشر و نشر با ائمه علیهم السلام).
13. درخواست فرجام نیک و عاقبت به خیری از درگاه الهی.
14. درخواست از خداوند برای خشنودی و رضایت اهل بیت علیهم السلام.



1. ابن قولویه، کامل الزیارات، نجف، 1356 ق.
2. ابو حامد غزالی، احیاء العلوم، دارالکتب العربی، بیروت، بی تا.
3. ابو محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکلبینی رازی، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، 1387 ش.
4. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان.
5. احمد بن حسین، سنن بیهقی، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
6. احمد بن علی بن شعیب نسائی، سنن نسائی، دارالفکر - بیروت 1426 قمری.
7. احمد عابدی، فلسفه زیارت، شرح و تحقیق زیارت القبور (فخر رازی)، انتشارات زائر، چاپ اول 1376 ش.
8. اسماعیلی محمدی، علی کاظمی، قم در اندیشه امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبریمدظله العالی، انتشارات زائر، چاپ اول، 1383 ش.

9. امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، 1368 ش.
10. تاریخ یعقوبی، ترجمه آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی تا.
11. تحقیق الیاس محمد بیگی، برگی از تاریخ قم، پژوهشکده علامه طباطبایی آستان مقدس، انتشارات زائر، چاپ اول، 1389.
12. جعفر مرتضی عالمی، الحیاه السیاسیه للامام الرضا علیه السلام، 1416 ق.
13. حاج بیوک آقا واعظ تبریزی، وسیله المعصومیه، بی جا، بی نا، 1371 ق.
14. حسن بن محمد بن حسن قمی (قرن چهارم)، تاریخ قم، مترجم، حسن بن محمد بن حسن بن عبدالملک قمی (قرن نهم)، انتشارات زائر، چاپ اول، بهار 1385.
15. سید رضی، نهج البلاغه.
16. سید علی حسینی، رواق عصمت، انتشارات زائر، چاپ اول، بهار 1385 ش.
17. سیدعلیرضا کباری، جغرافیای تاریخی هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، انتشارات زائر، چاپ اول، 1384 ش.
18. سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، 1392 ق.
19. سید محمد حسینی، زیارت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، 1374 ش.

20. سيد هاشم بحراني، البرهان في تفسير القرآن، تهران، بي تا.
21. شيخ حر عاملي، وسائل الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت، 1409 ق.
22. شيخ صدوق، امالي، مؤسسه اعلمي، چاپ پنجم، بيروت، بي تا.
23. -----، خصال، قم، بي نا، 1362 ش.
24. -----، عيون اخبار الرضا عليه السلام، دارالمرتضى، لبنان، 1429 ق.
25. -----، من لا يحضره الفقيه، بيروت، 1405 ق.
26. شيخ عباس قمي، سفينه البحار، قم، دارالاسوه، چاپ دوم، 1416 ق.
27. -----، منتهى الآمال، انتشارات هجرت، چاپ سيزدهم، زمستان 1387 ش.
28. شيخ عبد علي بن جمعه العروسي الحويزي، نور الثقلين، نشر العلميه، چاپ نهم، بي تا.
29. شيخ عبدالله بحراني اصفهاني، عوالم العلوم، انتشارات امير، چاپ اول، 1409 ق.
30. شيخ علي نمازي شاهرودي، مستدرک سفينه البحار، مؤسسه بعثت، چاپ اول، 1409 ق.
31. شيخ محمد شريف رازي، قم، آثار الحجّه، 1332 ش.
32. شيخ محمد علي بن حسين نائيني اردستاني كچوئي قمي، انوارالمشعشين، ناشر: كتابخانه حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفي رحمه الله، چاپ اول، 1381 ق.
33. شيخ مفيد، ارشاد، قم، 1413 ق.

34. الصواعق المحرقة، ابن حجر هيثمي، احمد، ط 2 قاهره، مكتبه على يوسف سليمان، 1385 ق.
35. عباس فيض، گنجينه آثار قم، چاپخانه مهر استوار قم، چاپ اول، 1349 ش.
36. عباسقلی خان سپهر، ناسخ التواریخ، کتابفروشی اسلامی، 1353 ش.
37. عبدالله جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن کریم، نشر اسراء، چاپ دوم، 1390 ش.
38. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، معاد در قرآن، مرکز نشر اسراء، چاپ ششم، زمستان 1390 ش.
39. عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم.
40. علامه امینی، الغدیر، دارالکتاب العربی، بیروت، چاپ سوم، 1378 ق.
41. علی اشرف عبدی، قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، انتشارات زائر، چاپ اول، 1389.
42. علی اشرف عبدی، همگام با زائران عارف، آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، انتشارات زائر، چاپ دوم 1384 ش.
43. علی اصغر فقیهی، تاریخ مذهبی قم، انتشارات زائر، چاپ سوم، 1386 ش.
44. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، چاپ بیروت، بی تا.



45. علی متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، 1405 ق.
46. قاضی سید نور الله حسینی مرعشی، احقاق الحق، چاپخانه اسلامی، بی تا.
47. کریمه اهل بیت علیهم السلام، چاپ نهضت، چاپ اول، 1374 ش.
48. مجموعه مقالات، جلد اول تا چهارم، کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم، انتشارات زائر، چاپ اول.
49. محمد باقر مجلسی رحمه الله، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ سوم، 1403 ق.
50. محمد بن احمد انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
51. محمد بن عبدالله، مستدرک حاکم، دارالفکر، بیروت، 1422 ق.
52. محمد بن عیسی، صحیح ترمزی، مصر، مطبع مصطفی، 1382 ق.
53. محمد هادی امینی، فاطمه بنت الامام موسی کاظم علیه السلام، چاپ مهدیه، چاپ اول، 1363 ش.
54. مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، چاپ اول، 1335 شمسی، چاپخانه مهر قم.
55. -----، تربت پاکان، چاپخانه مهر قم، 1335 ش.

56. مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت.
57. ملک الکتاب شیرازی، بحر الانساب، تهران، نشر بیهقی، 1335 ق.
58. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، 1375 ش.
59. مهدی طیب، ره توشه دیدار، نشر سفینه، چاپ سوم، 1387.
60. مهدی منصوری، حیاہ السنّت، انتشارات کتابفروشی صحفی، بی تا.
61. میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، 1408 ق.
62. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، 1363 ش.
63. الیاس محمدیگی، فروغی از کوثر، انتشارات زائر، چاپ یازدهم، پاییز 1390 ش.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

